

شورا

ماهنامه شورای ملی مقاومت ایران

افشای روابط پنهانی

رژیم خمینی با آمریکا

گاهشمار بهمن ۱۳۶۵

ضمیمه شماره ۲۸

www.xalvat.org
www.KetabFarsi.com

شورا

انستیتوت شورای ملی تعاونی ایران
ضمیمه شماره ۲۸ - بهمن ۱۳۶۵

۱. بهمن (۲۱ رانویید)

رویتتر: روزنامه نیویورکتایمز امروز گزارشی داد که مقام بیندپیپه سوریه سیاه به سرهنگ الیور نورث کمک کرد تا در سال ۱۹۸۴، اندکی قبل از دستور کنگره مبنی بر قطع کمکهای نظامی به شورشیان نیکاراگوئه، شبکه ارسال سلاح به شورشیان را ایجاد نماید. این روزنامه به نقل از ادکار چامورو، یکی از رهبران وقت شورشیان نیکاراگوئه، می نویسد مقام سیاه دوان کلاریج، در استانه دستور کنگره مبنی بر قطع کمک به شورشیان، نورث را به رهبران شورشی معرفی نمود. این معرفی در ماه مه ۱۹۸۴ صورت گرفت و طی آن مقام سیاه به آنها گفت که اگر اتفاقی در کنگره روی دهد، ما یک آلترناتیو دیگر داریم و برای اطمینان دادن به آنها گفت که کمک نورث شما را هرگز رها نخواهد کرد. روزنامه می افزاید که کمیته های تحقیق کنگره درباره قضیه ارسال سلاح به ایران اکنون مشغول بررسی نقش کلاریج در معامله با شورشیان و ارسال سلاح به ایران می باشند.

* روزنامه لس آنجلس تایمز، در مقاله یی به قلم مایکل واینز و ریچارد مایر، می نویسد: ظاهراً یک کشتی کوچک باری هلندی که تحت کنترل نورث بوده، نوشته شده است تا به طور مخفیانه، مسلسلهای ساخت آمریکا به ایران تحویل دهد. هدف این اقدام تعویض سلاح با گروگانهای آمریکایی نبود، بلکه مبادنه با یک تانک تی-۷۲ روسی به غنیمت گرفته شده بود که مقامهای اطلاعاتی آمریکا از مدت ها پیش به آن چشم طمع دوخته بودند. بارکش سفید و آبی اریا سلاحهایش را در بندر حبفا در اسرائیل بار کرد و از طریق کانال سوئز و دریای سرخ به دهانه خلیج فارس رسید. در آن جا به امید دریافت علامتی برای توقف در بندرعباس، یعنی جایی که قرار بود

تبادل صورت بگیرد، مدت چندین هفته در دریا منتظر ماند. سرانجام، این مأموریت نیز، مثل سایر تلاشهای مخفیانه دولت ریگان برای معامله با رژیم آیت‌الله خمینی، شکست خورد.

* رویتر: رابرت مک‌فارلن امروز در یک مصاحبه تلویزیونی گفت که به عقیده او پرزیدنت ریگان به‌زودی اعلام خواهد کرد که کوششهایش جهت برقراری تماس با مقامهای ایرانی با شکست روبرو شده است، اما این کوشش می‌بایست انجام می‌گرفت. مک‌فارلن افزود که «از طرف وی غیرمستولانه خواهد بود که این کار را انجام ندهد، زیرا ما سعی کردیم اما موفق نشدیم و من انتظار دارم که او به‌زودی تأیید کند که این کاری بوده که برای ما اهمیت بسیار داشته است». جرج بوش، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا، دیشب گفت که قضیه ایران باعث ایجاد این فکر شده که آمریکا سیاست عدم مذاکره با تروریستها را رها کرده است. وی که در کنفرانسی درباره تروریسم سخن می‌گفت، افزود: «آمریکاییان باید بدانند که پرزیدنت تا همین لحظه مطمئن است که وی اجازه صدور سلاح به ایران را در مقابل آزادی گروگانها نداده است». بوش همچنین گفت: «من معتقدم که... باید سیاست خود را با تفهیم بیشتری تأکید کنیم و این که فرق بسیار ظریفی بین صحبت با تروریستها و مذاکره با آنها وجود دارد». بوش همچنین تأیید کرد که ویلیام باکلی، گروگان آمریکایی، در سال ۱۹۸۵ توسط ربایندگانش شکنجه و کشته شده است. این اولین تأیید رسمی آمریکا درباره قتل وی می‌باشد، اما بوش نگفت که چگونه قتل وی تأیید شده است.

۲ بهمن (۲۲ ژانویه)

رویت: منابع کنگره آمریکا امروز گفتند که کوشش جهت معامله سلاح با ایران در عوض گروگانهای آمریکایی در لبنان، حتی بعد از آن که این معاملات افشا گردید، ادامه داشته است. این منابع گفتند که جرج شولتز، وزیر امور خارجه آمریکا، در شهادت امروز خود گفته است که سازمان سیا حتی بعد از افشای معاملات سلاح با ایران به تماس با ایران، جهت معاوضه سلاح با گروگانها ادامه داده و وی با اجازه از پرزیدنت ریگان، آن را متوقف کرده است. شبکه تلویزیونی سی.بی.اس، به نقل از منابعی که نامشان فاش نشده، گفت که شولتز، در شهادت خود در مقابل کمیته روابط خارجی کنگره، گفته است که وی، پس از آن که در اواخر سال ۱۹۸۶ مسئول سیاست ایران شد، ملاقاتی با نمایندگان سازمان سیا داشته است و آنها او را تحت فشار قرار داده‌اند تا به آنها اجازه داده شود به تماسهای خود با ایران ادامه دهند و شولتز تنها در صورت حضور دائمی نماینده‌یی از وزارت امور خارجه آمریکا با این امر موافقت کرده است. منابع کنگره گفتند که شولتز، در شهادت خود در مقابل کمیته روابط خارجی کنگره، اظهار داشته است که به‌دنبال ملاقاتی در اروپا، در ۶ دسامبر، وی به سازمان سیا دستور داده بود که اقدامات خود را متوقف نماید، ولی بعداً،

وقتی فهمید که تماسها متوقف نشده است، بسیار خشمگین شد. یک نماینده کنگره آمریکا که در جلسه توضیحات شولتز به کمیته حضور داشته است، به رویتز گفت که شولتز مستقیماً نزد پرزیدنت ریگان رفته و ادامه تماسهای سیا را با ایران قطع کرده است. منابع گفتند که شولتز با ملاقاتی بین آمریکا و نمایندگان ایران در اروپا، ظاهراً در لندن، در ۶ دسامبر موافقت نمود. اما از این که ایرانیان با یک برنامه ۹ ماده‌یی حضور یافته و دوباره خواستار معاوضه سلاحهای آمریکایی با گروگانهای آمریکایی در لبنان شده‌اند، شگفت‌زده شد. در این برنامه همچنین از آمریکا خواسته شده بود تا موضع خود را عوض کرده و از تقاضاهای جهاد اسلامی برای آزادی ۱۷ زندانی آنها در کویت حمایت نماید. منابع گفتند که شولتز... در تاریخ ۱۶ دسامبر به نزد ریگان رفت و با کسب اجازه از وی، معاملات را متوقف کرد. روزنامه واشنگتن‌پست امروز گزارش داد که ایرانیان در ملاقات ۶ دسامبر خود اصرار می‌کرده‌اند که برنامه ۹ ماده‌یی آنها قبلاً، در مذاکراتشان با نمایندگان شورای امنیت ملی آمریکا، مورد توافق قرار گرفته بود.

۳ بهمن (۲۳ ژانویه)

به گزارش شبکه تلویزیونی سراسری سی.ان.ان، امروز سناتور جسی هلمز، یکی از اعضای عالیرتبه حزب جمهوریخواه در سنای آمریکا، گفت: «برای این که به شما نشان بدهم من چقدر دست‌راستی هستم، دلم می‌خواهد مقدار بیشتری از پول آیت‌الله را برای مبارزان آزادی نیکاراگوئه، آنگولا و افغانستان و... به‌دست آوریم. من رونالد ریگان را مدت مدیدی است که می‌شناسم و فکر می‌کنم که هدف او هم همین بوده که پول از خمینی در آورد».

۴ بهمن (۲۴ ژانویه)

رویت: وزارت دفاع آمریکا اقرار کرد که این وزارتخانه، ۲۰۰۸ موشک ضدتانک تاو را ۲/۵ میلیون دلار کمتر از قیمت واقعی به ایران فروخته است... سخنگوی پنتاگون، رابرت سیمز، گفت که تحقیقات وزارت دفاع حاکی از آن است که مسئول فروش که اشتباه را مرتکب شده، نمی‌دانسته این موشکها به کجا می‌رود یا به چه کسی فروخته شده است. سیمز گفت که ارتش آمریکا موشکهای تاو را به مبلغ ۷,۳۷۴,۱۶۳ میلیون دلار حساب کرده بود، اما بازرس کل گفته بوده که قیمت آنها ۹,۹۳۱,۵۵۵ میلیون دلار است. سیمز گفت که اشتباه در مورد قیمت موشکهای تاو از آن جا ناشی شده که ارتش آمریکا قیمت ۲۰۰۸ موشک را بر مبنای موشکهای ارزانتر ۷۱۸-۲ حساب کرده بود، در حالی که ۵۰۰ عدد آنها از نوع گرانتر ۷۱۸-۱ بوده‌اند. سیمز گفت که نوع گرانتر دارای سرگلوله‌یی بود که قادر به سوراخ‌کردن زره است اما دولت آمریکا مایل نبود که آنها را به ایران بفرستد و بنابراین وزارت دفاع

مجبور شد سر ۵۰۰ موشک را عوض کند.

* روزنامه نیویورک تایمز نوشت: «بنا به اظهارات منابع کنگره و دیگران، آن مأمور سیا که با ادامه مذاکره با ایرانیها در ماه گذشته، جرج شولتز، وزیر خارجه را خشمگین نمود، جرج کیو، مأمور سابق سیا، بوده که به عنوان عاملی در اغلب معاملات مخفیانه بین آمریکا و ایران نقش داشته است».

* به نوشته کیهان، خامنه‌ای در خطبه دوم نماز جمعه گفت: «ملت ما بیشتر از پیش چهره پلید استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا را خواهد شناخت. هم‌چنان‌که امروز هم شناخته است. آمریکا امروز دچار گرفتاریهای زیادی است. خودش باید مسائل خودش را حل کند. همین مسأله مکنارلن که افتضاحی برای نظام آمریکا و رژیم جمهوری آمریکا به وجود آورد هم‌چنان به دست و پای این بیچاره‌ها پیچیده هر روزی یک حرفی می‌زنند، این او را تکذیب می‌کند، او این را تکذیب می‌کند. وزارت خارجه سازمان سیا را متهم می‌کند، سازمان سیا وزارت امور خارجه را متهم می‌کند، بمایندۀ دموکرات آن را دروغگو می‌خواند، آن یکی این را دروغگو می‌خواند. به جان هم افتادند و هیچ راهی هم ندارند. البته خیلی هم سعی کردند شاید بتوانند باز هم این دفعه البته از طریق وزارت خارجه، عوامل وزارت خارجه با زحمت زیاد گشتند و همان کسانی را که در ماجرای مکنارلن، مأمورین اطلاعاتی خود ما که در جریان بودند اینها را پیدا کردند و مجدداً خواستند از طریق وزارت خارجه همان مسائل را دنبال کنند. این برادران ما همان مواضع قاطع جمهوری اسلامی را باز هم تکرار کردند و مجدداً استقامت و استقلال و استحکام ملت ایران را به آمریکاییها نشان دادند».

۵ بهمن (۲۵ ژانویه)

واشنگتن پست در مقاله‌یی به قلم مایکل لدین، با عنوان «جریان ایران: چگونه مآووع از زبان کسی که در آن نقش داشته است» می‌نویسد: «در بحثهای مربوط به ابتکار آمریکا در قبال ایران، آن چه به نظر من جالبترین قسمت است اغلب نادیده گرفته می‌شود و آن این که اولین گام در این راه نه از جانب واشنگتن برداشته شد، نه از جانب اورشلیم، بلکه — تا جایی که من می‌توانم این جریان را تصویر کنم — از جانب ایران برداشته شد. ارتباط با ایران، که برای اولین بار در تابستان ۱۹۸۵ برقرار گردید، قطعاً چنین بود: ابتکاری که از ایران شروع شد و از طریق اورشلیم به واشنگتن رسید...».

— همین روزنامه در مقاله دیگری به قلم والتر پنیکوس و بیل پترسن می‌نویسد: «بنا به یادداشتهایی که در دست کمیته ویژه اطلاعاتی سنا می‌باشد، سرهنگ دوم الیور نورث، دستیار سابق شورای امنیت ملی، در ماه نوامبر گفته بود

که هدف اصلی پرزیدنت ریگان در تأیید نزدیکی به ایران — که شامل فروش مخفیانه اسلحه نیز می‌شد — آزادکردن گروگانها در لبنان بود، نه هدف بزرگتر برقراری ارتباط با میانه‌روها در دولت ایران».

* مجله آبرزور، چاپ انگلستان، در مقاله‌یی با عنوان «ناروپود فریب»، پس از اشاره به یک سلسله ملاقاتها بین قربانیفر، خشوچی، ال‌شوئیمیر، یعقوب نیمروودی و... می‌نویسد: از آن جمله ملاقاتی بود که در یک هتل در هامبورگ با شرکت مایکل لدین، قربانیفر، نیمروودی، ال‌شوئیمیر صورت گرفت و طی آن قربانیفر دو آیت‌الله را معرفی نمود که یکی از آنها حجت‌الاسلام مهدی کروی، معاون رفسنجانی بود. مقاله اضافه می‌کند: «در هامبورگ آیت‌الله کروی و برادرش به لدین فشار آوردند و اصرار داشتند که ایران به پیشنهادات مشخصی از جانب آمریکا علاقه دارد، نه وعده‌های مبهم برای آینده. وی لیستی از قریب ۸۰ ایرانی با نفوذ، از جمله فرماندهان ارتش و اعضای مجلس که خواهان ساختن پلی به غرب بودند، را در اختیار لدین گذاشت. در صدر لیست، رفسنجانی، حسین موسوی، نخست‌وزیر و احمد خمینی پسر آیت‌الله خمینی قرار داشتند. کروی گفت نفوذ روبه‌رشد شوروی در ایران باعث نگرانی است و در صورت مرگ آیت‌الله کشور می‌تواند به یک لبنان بزرگ تبدیل شود که برای تسلطیابی کمونیستها مناسب خواهد بود». در قسمتی دیگر از مقاله به ملاقاتی اشاره شده است که در ۸ دسامبر ۱۹۸۵ در منزل نیمروودی در لندن، در نزدیکی هاید پارک، صورت گرفته است. «در این ملاقات سه اسرائیلی به‌علاوه لدین، قربانیفر، یک سیاستمدار ایرانی، و برای اولین بار بعضی افراد برجسته آمریکایی — مکنارلن، نورث و ژنرال بازنسته سکورد — حضور داشتند. این ملاقات یک فاجعه بود. مکنارلن به ایرانیان گفت آمریکا هیچ اسلحه بیشتری به ایران نخواهد فرستاد، مگر این که تمام گروگانها آزاد شوند. قربانیفر می‌خواست مرحله به مرحله پیش برود: اسلحه بیشتر برای یک گروگان دیگر و به همین ترتیب. آنها بدون هیچ موافقتی بر سر ملاقات مجدد با عصبانیت از یکدیگر جدا شدند». در این مقاله آمده است: «توافق شده بود که ایران پس از دریافت موشکها، ترتیب آزادی گروگانهایی که در بیروت ربوده شده بودند، بدهد. مأموران سیا که اسناد مربوط به انتقال اسلحه را تأمین می‌کردند، نگران سرپرست سابق اداره سیا در بیروت بودند، که در ماه مارس ۱۹۸۴ ربوده شده و، از قراری که اطلاع داشتند، وحشیانه شکنجه شده بود. وقتی اولین محموله که حاوی ۱۰۰ موشک بود نتیجه مثبتی نداد، اعتبار قربانیفر به عنوان سخنگوی آیت‌الله‌ها زیر سؤال رفت. نیمروودی تلفنی به موسوی در تهران، اعتراض کرد و جواب شنید که: "شما به جای ۵۰۰ موشک تاو مورد توافق، فقط به ما ۱۰۰ موشک دادید. ما به شما سر باکلی و یک پایش را می‌دهیم" ... پس از آن اوضاع رو به وخامت گذاشت. ایرانیها درخواست ۱۸ موشک هاک داشتند و منظورشان موشک پیشرفته‌تر هاک بود. اسرائیلیها اظهار می‌دارند که قربانیفر این مطلب را روشن نکرد. قربانیفر می‌گوید — بعضی از اسرائیلیها هم قبول

دارند - که "یک نفر در وزارت دفاع رابین یا اشتباه کرده و یا خواسته است زرنگی کند و موشکهای قدیمی را فرستاده" در نتیجه این غفلت عملیات هیچ وقت به روال عادی باز نگشت. معاون نخست‌وزیر ایران، کنگرلو، و چهار مقام دولتی دیگر به ژنو فرستاده شدند تا با نیروی گفتگو کنند. پس از یک دعوا که طرفین را جریحه‌دار کرد و کنگرلو غش کرد و نقش بر زمین شد، نیروی به ایرانیان التماس کرد که موشکها را نگه دارند و موافقت کرد که پولی را که بابت آنها پرداخته بودند، پس بدهد...».

* به گزارش رادیو رژیم، رفسنجانی در جلسه امروز مجلس، در پاسخ به اخطار دولت آمریکا در مورد عدم گسترش جنگ در حوزه خلیج فارس گفت: «... شما دارید بهانه‌جویی می‌کنید و کار به‌صورتی در می‌آورد که نباید در بیاید. از طرفی ما حدس می‌زنیم که شما این حرفها را به‌خاطر موضع سیاسی اخیرتان می‌گویید. شما در طرحی که برای نزدیک شدن به ایران داشتید شکست خوردید و شیطننتان رو شد و در داخل کشورتان تحت فشار قرار گرفتید و برای این که خودتان را از مهلکه داخلی نجات بدهید می‌خواهید مشکلات داخلی‌تان را به خارج صادر کنید... شما اشتباهی کردید. گول خوردید. دلالتها شما را گول زدند. خیال کردید جمهوری اسلامی به‌خاطر نیازش دست شما را می‌فشارد و دیدید که نفشرد. و کلاه سر ما نرفت...». وی خطاب به رئیس‌جمهور آمریکا خاطرنشان کرد: «شما دیروز در حرفه‌ایتان به‌طور صریح گفتید که ایران کشور مهمی است و مصلحت آمریکا ایجاب می‌کند با ایران رابطه داشته باشد. شما گفتید که اهمیت استراتژیک ایران را قبول دارید. شما گفتید که ایران حامی تروریسم نیست. و امروز برمی‌گردید و این حرف را می‌زنید... به‌علاوه این همه تبلیغاتی که این مدت شما راه انداخته‌اید به‌خاطر دروغ بزرگ فروش اسلحه به ایران بود و خواستید پیروزیهای ما را مخدوش کنید...».

۶ بهمن (۲۶ ژانویه)

روزنامه واشنگتن‌پست می‌نویسد: ما مطلع شده‌ایم که سرهنگ نورث از مدتها قبل، از عملیات جلوگیری از فروش دو میلیارد دلار اسلحه به ایران مطلع بوده و در واقع به اداره گمرک برای دستگیری افراد درگیر این معامله کمک کرده، چون می‌خواسته است رقیب خود از فروش اسلحه به ایران را از دور خارج کند. در آن موقع وی مشغول معاوضه گروگانها با اسلحه بود و این فروش دو میلیارد دلاری به کارش لطمه می‌زد.

* آسوشیتدپرس: ریگان برای اولین بار در روز دوشنبه به سؤالهای یک هیأت سه نفره در مورد فروش سلاح آمریکایی به ایران پاسخ گفت. این هیأت شامل سناتور جان تاور، ادموند ماسکی و برنت اسکاگرافت می‌شود.

* تلویزیون سی.بی.اس (آمریکا): رفسنجانی فردی بود که ریگان و دستیارانش به‌عنوان یک رهبر میانه‌رو روی او حساب می‌کردند و به‌همین خاطر به او سلاح دادند... رفسنجانی سکوت خود را شکسته و یک مصاحبه ویژه با بیل ردکر انجام داده است.

ردکر: بعد از خمینی، رفسنجانی پر قدرت‌ترین شخص در ایران است. رفسنجانی است که به‌عنوان سخنگوی پارلمان، امور روزمره ایران را می‌گرداند. در این مصاحبه او شولتز را در مورد زمان قطع رابطه آمریکا با ایران دروغگو خواند. او تلاش اخیر وزارت خارجه توسط شخصی به نام دانبار را برای برقراری رابطه افشا می‌کند. رفسنجانی: «در صورتی که خود این آقای شولتز شخصی را به نام دانبار فرستاده بود تا با مأموران خرید ما، با همان دلالتها، مذاکره بکند و طرحی را آورده بود». ما گفتیم طرحی را از آمریکا نمی‌پذیریم چون اعتماد خود را به شما از دست داده‌ایم. ردکر: او در مورد سفر مک‌فارلن، دستیار سابق کاخ سفید، به ایران توضیح داد که با وسایل یدکی و مثنی پاسپورت تقلبی آمده بودند.

رفسنجانی: «آقایون صریحاً دروغ به مردم آمریکا گفتند که ما با پاسپورت خودمان رفتیم ایران... فتوکپی کلیه پاسپورتهای اینها الان پیش ما مانده».

ردکر: آیا ما می‌توانیم این پاسپورتهای را ببینیم؟

رفسنجانی: (در حالی که می‌خندید فتوکپی پاسپورت مک‌فارلن را، که تقلبی بوده، نشان می‌دهد)... برای نمونه؛ بقیه‌اش برای بعد...

ردکر (در حالی که نام قلابی مک‌فارلن را می‌خواند): آیا درست می‌خوانم شان‌دولن؟ رفسنجانی: بله، درسته...

ردکر: رفسنجانی تأیید کرد که آمریکاییها یک کیک به شکل کلید با خود آوردند و بعد ریگان یک انجیل را که امضا کرده بود، فرستاد. رفسنجانی گفت که همیشه صحبت از آزاد کردن گروگانها بود و بهبود روابط.

رفسنجانی: «برخوردشان این بود که ما در لبنان کمکی بکنیم» ما خیلی سعی کردیم به‌عوامل خود در لبنان گفتیم که ببینند چه کمکی از دست ما ساخته است. در آخر ما راهی پیدا کردیم.

ردکر: رفسنجانی گفت ایران به آزاد شدن دیگر گروگانها تنها هنگامی کمک خواهد کرد که آمریکا ۵۰۰ میلیون دلار ایران را پس بدهد و او بسیار غضبناک بود که ایران را گول زدند که با اسرائیل معامله کند.

رفسنجانی: مسأله را با اسرائیل مخلوط کردند در حالی که همه می‌دانستند ما حاضر نیستیم هیچ‌گونه رابطه معاملاتی با اسرائیل داشته باشیم...

ردکر: رفسنجانی این‌گونه به مصاحبه پایان داد که اگر ما می‌دانستیم پای اسرائیل در میان است هیأت مک‌فارلن را در ایران به‌صورت بازداشت نگه می‌داشتیم.

* برنامه شامگاهی سی.بی.سی: رابرت فیت در روزنامه دیلی تلگراف می‌نویسد

که ظاهراً فرماندهان پاسداران با اطلاع از این که مقداری از سلاحهای آمریکایی از طریق اسرائیل در اختیار ایران گذاشته شده، بسیار ناراحت شده‌اند. گفته می‌شود که هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس ایران، که در سفر مکه‌فارلن، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا، به تهران دست داشته، از جبهه جنگ در عملیات بصره دیدن می‌کند. خبرنگار تایمز می‌گوید که احتمالاً هاشمی رفسنجانی نگران آن است که وجهه و اعتبار خود را در میان نیروهای ایران از دست بدهد.

۷ بهمن (۲۷ ژانویه)

واشنگتن‌پست در گزارشی از لورن جنگینز، از تهران، می‌نویسد: کارشناسان نظامی در این جا می‌گویند که ایران از سلاحها و قطعات یدکی ارسالی از آمریکا در حمله نسبتاً موفقیت‌آمیزش در بصره استفاده نموده است. بررسی دقیق فیلمهای جبهه که از تلویزیون پخش می‌شود و گوش کردن به جزئیات حملات از جانب سربازان، کارشناسان را متقاعد کرده که نیروهای ایرانی قابلیت خوبی در جنگهای ضدتانک، ضدهوایی و استفاده از هلیکوپترهای توپدار کبرا از خود نشان داده‌اند. کسانی که اخیراً از جبهه دیدن کرده‌اند می‌گویند که دهها تانک از کار افتاده عراقی تقریباً منفجر شده‌اند، که کار آریبی جی و بازوکا نمی‌تواند باشد. ایران همواره از هلیکوپترهای کبرا استفاده کرده اما استفاده بسیار وسیع از این هلیکوپترها در جبهه بصره نشان می‌دهد که بسیاری از این هلیکوپترها، که به خاطر نداشتن قطعات یدکی از کار افتاده بودند، حالا دوباره قابل استفاده هستند.

* یونایتدپرس: جرج شولتز، وزیر خارجه آمریکا، امروز به کنگره گفت که ایران است که می‌خواهد به جنگ ادامه بدهد و تماسهای آمریکا با ایران تا ماه گذشته بدین‌منظور بوده که به ایران اعلام شود که دیگر سلاحهای آمریکایی به ایران فروخته نخواهد شد. شولتز هرگونه تماس با ایران را در حال حاضر، به شدت تکذیب کرد... شولتز گزارش واشنگتن‌پست را مبنی بر این که ۲۰۰۰ موشک تاو در روند جنگ تأثیر گذاشته، رد نمود و گفت مقدار سلاح ارسال شده نسبتاً ناچیز بوده است. شولتز گفت دیگر سلاح آمریکایی به‌طور مستقیم یا از طریق یک کشور ثالث به ایران نخواهد رفت. شولتز گفت که در مذاکرات فرانکفورت بین دو طرف، چارلز دانبار، از وزارت خارجه، و جرج کیو از سیا شرکت داشتند.

* آسوشیتدپرس: ریگان در سخنرانی امروز خود در مورد ایران گفت: «... اما با وجود این که ما پیشرفت زیادی کرده‌ایم، من یک پشیمانی بزرگ دارم. من، در اقدام در مورد ایران، یک ریسک را پذیرفتم. این کار موفقیت‌آمیز نبود و من مسئولیت کامل آن را قبول می‌کنم. هدفها با ارزش بودند. من فکر نمی‌کنم که تماس با یک کشور با اهمیت استراتژیک یا تلاش برای نجات جانها، اشتباه بوده است. و

مطمئناً اشتباه نبوده که سعی کنیم آزادی شهروندان خود را، که در اسارت قرون‌وسطایی به سر می‌برند، به دست آوریم. اما ما آن چه را می‌خواستیم، به‌دست نیاوردیم و اشتباهاتی جدی در تلاش برای انجام آن صورت گرفت. ما ته قضیه را در می‌آوریم و اقدامات لازم را به‌عمل خواهیم آورد. اما در بحث در مورد گذشته، ما نباید خود را از موفقیت‌های آینده محروم کنیم. بگذارید هرگز در مورد این نسل آمریکا گفته نشود که ما آن قدر سرگرم شکستهای خود شدیم که از قبول ریسک، که می‌تواند به گسترش صلح و آزادی در جهان کمک کند، خودداری نمودیم. خیلی چیزها در این جا مطرح است و کشور و جهان در حال تماشا هستند تا ببینند آیا ما در جهت منافع ملیمان پیش می‌رویم یا اجازه می‌دهیم همکاری دو حزب ما را تضعیف کند. و بگذارید هیچ محاسبه غلطی در مورد سیاست آمریکا نشود: اگر منافع یا دوستانمان در خاورمیانه مورد تهدید قرار گیرند، ما بدون عمل در کناری نخواهیم نشست و تسلیم باجگیری تروریستها نیز نخواهیم شد».

۸ بهمن (۲۸ ژانویه)

هاشمی رفسنجانی در یک مصاحبه مطبوعاتی به سؤالیهای خبرنگاران خارجی و داخلی پاسخ داد. متن پرسش و پاسخهای مربوط به روابط ایران و آمریکا، به‌نقل از روزنامه کیهان (با املا و انشای این روزنامه) از این قرار است:

خبرنگار نیویورک‌تایمز به‌عنوان نخستین پرسش سؤال کرد تاکنون ایران برای آزادی گروگانها در لبنان از دست گروههای طرفدار ایران چه کرده است؟
حجت‌الاسلام رفسنجانی در پاسخ اظهار داشت آن چه ما تا به حال انجام دادیم براساس تقاضای فرانسه و آمریکا بوده است و تلاش کردیم که در لبنان راهی پیدا کنیم که بتواند روی مجاهدینی که گروگانها را در اختیار دارند اثر بگذارد و تا حدودی نیز موفق شدیم. توقعی که ما از آمریکا یا فرانسه داشتیم توقع متقابل به‌صورت معامله نبوده است. ما گفتیم اگر شما توقع دارید که ما برایتان کاری بکنیم در شرایطی که با ما دشمنی کرده و به ما ضربه می‌زنید توقع بجایی نیست. ما باید بدانیم که شما در صدد ضربه‌زدن به ما نیستید و به آمریکاییها شخصاً گفتیم که شما اموال ما را که به‌طور غیرقانونی توقیف کردید و حتی دارید حق انبارداری هم به خاطر آنها به پای ما می‌نویسید پس بدهید و این را علامت عدم خصومت آمریکا تلقی می‌کنیم، و به فرانسویها هم گفتیم که نگاهداشتن پول ما بر خلاف قانون است و به‌علاوه قطع حمایت از ضد انقلابیون ایرانی و قطع کمکهای بیدریغ به عراق بیطرفی شما را به ما نشان خواهد داد. رئیس مجلس تأکید کرد ما جداً مایلیم که گروگانها در لبنان آزاد شوند.

خبرنگار تلویزیون نروژ سؤال کرد آخرین تماس آمریکا با دولت ایران چه وقت، کجا صورت گرفت و چه کسانی از دو طرف با هم مذاکره کردند و چه نتیجه‌ای حاصل شد؟

رئیس مجلس در پاسخ گفت حتی بعد از فاش شدن مسافرت شکست خورده آقای مکفارلن مأموران آمریکایی با مأموران خرید اسلحه ما که تحت نظر مأموران اطلاعاتی ما کار می‌کنند مذاکرات خود را ادامه دادند و فکر می‌کنم آخرین جلسه اینها حدوداً یکماه پیش در فرانکفورت بوده است. وزارت خارجه آمریکا همراه افرادی که قبلاً می‌آمدند فردی بنام «دانبار» را فرستاده که وی از طرف وزارت خارجه طرحی آورده بود و اظهار می‌داشت که این وظیفه به وزارت خارجه آمریکا محول شده است. مأموران اطلاعاتی از ما پرسیدند که چکار کنیم و ما در جواب به آنها گفتیم که طرح را نپذیرند، حرف ما همان است که قبلاً گفته‌ایم. آمریکا باید اموالمان را آزاد کند و پس از آن ما آمادگی داریم برای آزادی گروگانها کمک کنیم.

خبرنگار واشنگتن پست سؤال کرد جنابعالی فرمودید که پس از آمدن مأموران وزارت خارجه آمریکا مذاکرات لغو شده است آیا تماسها دنبال خواهد شد و آیا اسلحه‌های دیگری هم از آمریکا به غیر از آنهایی که مسدود شده است خواهید خرید. حجت الاسلام رفسنجانی در پاسخ به این سؤال گفت روند معمولی ما این بوده است که بعد از جنگ قطعات مورد نیازمان را در هر جایی که پیدا می‌کردیم به غیر از اسرائیل می‌خریدیم و این روند را ادامه می‌دهیم و اگر آمریکا هم آمادگی داشته باشد و شرطی نداشته باشد نیازهایمان را از آن کشور تأمین خواهیم کرد. وی افزود در شرایطی که می‌بینیم آمریکا خصومت نشان می‌دهد وضع را برای مذاکره با آمریکا مناسب نمی‌بینیم. ما با آمریکا در لاهه براساس بیانیه الجزایر مذاکره داریم و این دادگاه کار خودش را انجام می‌دهد و ربطی به مسائل سیاسی و لبنان و گروگانگیری ندارد.

یکی از خبرنگاران پرسید هنگامی که در جبهه بودم سپاهیان ایران می‌گفتند سلاحهای پیچیده‌یی در اختیار داریم مخصوصاً در دفاع هوایی آیا سلاحهای آمریکایی نقش اساسی در عملیات کربلای ۵ داشته است یا خیر؟

حجت الاسلام رفسنجانی در پاسخ گفت عمده ارتباطات نظامی ما مخصوصاً در رابطه با نیروی هوایی با آمریکا بوده است. در زمان جنگ نیز تلاش نکردیم که این سیستم را عوض کنیم. چون این سیستم هم گران است و هم فعلاً در دنیا کشوری نیست که سیستم پیشرفته‌یی در اختیار ما بگذارد. کار عمده ما این بوده است که قطعات مورد نیاز را کپی کرده و در داخل بسازیم. مقداری نیز از بازار آزاد و توسط دلالهای مختلف گرانتر یا ارزانتر خریده‌ایم. ما هنوز اسلحه‌های آمریکایی استفاده می‌کنیم. مقداری نیز روسی، انگلیسی هستند و از جاهای دیگر نیز تهیه می‌کنیم. این چیزی که ما از آمریکا گرفتیم ۳۰ میلیون دلار ارزش داشته که گران هم به ما فروخته‌اند. شاید قیمت اصلی آنها ۲۰ یا ۱۵ میلیون دلار بیشتر نباشد. سالیانه میلیونها دلار خرج جنگمان است و این مقدار در مقابل این خرج رقم اندکی است. وی افزود: هواپیماهای عراقی در این عملیات توسط سیستم موشکی زمین به هوای ما که از انواع آمریکایی، انگلیسی و شرقی بودند ساقط شدند. عمده پیشرفت ما به سلاح پیچیده متکی نیست. علاوه بر آن این چیزی که اخیراً از آمریکا گرفته‌ایم غالباً موشک

تاو است. که موشک ۴ کیلومتر برد دارد این نوع موشک را ما خودمان الان می‌سازیم و شاید در آینده صادر هم بکنیم. پس این چیز مهمی نبوده است.

تلویزیون مجارستان سؤال کرد: شایعاتی مبنی بر این وجود دارد که ریگان یک نامه و یک جلد کتاب مقدس و اسلحه‌هایی برای شما فرستاده است. آیا چنین چیزهایی صحت دارد و نقش اسرائیل در معاملات تسلیحاتی چیست؟

رئیس مجلس پاسخ داد: این که نامه‌یی از ریگان رسیده باشد نامه‌یی نرسیده است. البته مکفارلن پیامهایی برای رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر و من آورده بود که ما قبول نکردیم و در مورد اسلحه چند کلت کمری به عنوان هدیه فرستاده بودند که آنها را قبول نکردیم. قضیه کتاب مقدس هم بعد از سفر مکفارلن بوده است که این مسأله صحت دارد و این بعد از شکست ماجرای مکفارلن فرستاده شد چیزهای دیگری هم فرستاده‌اند که در موقعی که لازم شد آنها را ارائه خواهیم کرد. پشت این کتاب انجیل یکی از آقایان - ریگان - با خط خودش یک آیه‌یی را از انجیل نوشته است و مضمون آن این است که ادیان الهی باید وحدت داشته باشند. در مورد نقش اسرائیل هم در مسائل تسلیحاتی من نمی‌دانم که اینها نقشی داشته‌اند یا خیر چون اگر نقشی داشته باشند از ما مخفی نگه داشته‌اند چون ما به هیچ عنوان حاضر نمی‌شویم هیچ کاری را که با اسرائیل ارتباط داشته باشد انجام دهیم. وی افزود: یک بار هواپیمایی که برای ما چیزی آورده بود متوجه شدیم که در برگشت در اسرائیل به زمین نشسته است و ما دستور دادیم محموله را در فرودگاه نگهدارند و به واسطه‌ها گفتیم که محموله‌ها را باید برگردانند چون هواپیما در برگشت در اسرائیل نشسته بود و اینها آن محموله را با خرج خودشان برگرداندند و من به آنها گفتم که به آمریکاییها بگویید که ما اعتماد لازم داریم و ما نمی‌توانیم محموله هواپیمایی را که در برگشت به اسرائیل رفته بود را بپذیریم.

تایمز لندن سؤال کرد: نظر شما در مورد رئیس‌جمهور آمریکا چیست؟ و وقتی ایشان کتاب انجیل را فرستادند شما چه احساسی داشتید؟

حجت الاسلام رفسنجانی در پاسخ گفت: ایشان انجیل را برای من نفرستادند و آن را برای جمهوری اسلامی ایران فرستادند و از این که انجیل فرستاده‌اند نظر بدی نداشتیم ایشان مسیحی هستند و چون می‌دانند که ما هم مسلمان هستیم و دنبال این بودند که وجه مشترکی با ما پیدا کنند و چیزی هم که پشت جلد انجیل نوشته بودند آیه‌یی بود که دعوت به وحدت ادیان می‌کرد. وی افزود: حقیقت این است که ما هنوز نتوانسته‌ایم نسبت به آمریکاییها اعتماد کنیم البته فکر می‌کنم آقای ریگان این چیزی که گفته بودند جدی است و تشخیص دادند که این چیز خوبی است، اما در داخل آمریکا مخالفین ریگان ایشان را شکست دادند و آقای ریگان ضعف نشان داد. ایشان باید شجاع باشند و باید با مصلحت آمریکا صریحتر برخورد کنند. همان‌طور که گفته‌اند ایران یک کشور استراتژیک و قوی است و نمی‌شود با آن قهر باشند و امیدواریم که در این ادعا صادق باشند. البته این چیزی که ریگان اعتراف کرد که در یک سال و نیم گذشته هیچ سندی پیدا نکرده‌ایم که ایران در تروریسم دخالتی داشته

باشد این یک اظهار شجاعانه بود. وی افزود: به نظر می‌رسد که آمریکا از درون با مشکلاتی روبرو است و این تنها تقصیر آقای ریگان نیست. افشای سندی از سفر مک‌فارلین

خبرگزاری آن.اچ.کی، ژاپن سؤال کرد تا امروز هیچ سندی از سفر مک‌فارلین افشا نشده بود، چرا امروز آن را علنی کردید آیا این معنی آن است که شما در هیچ سطحی نمی‌خواهید با آمریکا رابطه داشته باشید؟

سخنگوی شورایی عالی دفاع در پاسخ گفت: قبلاً هم چیزهایی را گفته بودیم و به‌علاوه همه چیزها را گفته‌ایم و از این چیزها زیاد داریم که قبلاً هم پاسپورت جعلی آنها افشا شده بود و اینها فتوایی پاسپورت هیاتی است که با مک‌فارلین به ایران آمده بودند.

* روزنامه واشنگتن پست، در مقاله‌ای به قلم جک اندرسون و دیل ورناتا، برتریس، «بنا به اظهارات منابع ما، مینیونها دلار سود معامله اسلحه ایران - کنترا بقتل داده شده و قسمتی از این پول به موساد، سرویس اطلاعاتی اسرائیل، داده شده است... اما چیزی که تحقیق‌کنندگان نمی‌دانند این است که در طول بحثهای محرمانه با اسرائیلیها در مورد فروش سلاح، برای تمامی طرفهای درگیر روشن بود که قسمتی از سودها به موساد، برای عملیات مخفیانه‌اش در اروپا و خاورمیانه، داده خواهد شد. قسمتی از این "سود" قرب بود برای کارهای اطلاعاتی عملیاتی که مخفیانه بودجه‌شان تامین می‌شد، به سازمان سپ داده شود... کیسی قبول می‌کند که مقداری از پولها به موساد داده شود، چون موساد قبلاً کارهای ذیقیمتی برای سیا انجام داده که خود سیا اجازه انجام دادنشان را نداشت. پورث عقیده داشته که سود این معامله متعلق به دولت آمریکا نیست و می‌توان مطابق میل آن را خرج نمود.

۹ بهمن (۲۹ ژانویه)

کمیته اطلاعاتی منتخب سنا آمریکا، امروز گزارش تحقیقات مقدماتی خود را در زمینه فروش اسلحه به ایران و برگرداندن پول آن به شورشیان نیکاراگوئه، منتشر کرد. ترجمه متن کامل این گزارش در پایان این دفتر آمده است.

به گزارش تلویزیون سی.بی.سی (آمریکا)، کاخ سفید امروز بالاخره باید کرد که امضای پشت انجیل که در کنفرانس سخنگوی پارلمان ایران نشان داده شد، امضای ره‌نایان ریگان بوده است. لاری اسپیکر گفت امضا کردن انجیل، توسط ریگان، به‌عنوان نشانی از حسن‌نیت آمریکا نسبت به ایران، به پیشنهاد الیور نورث صورت گرفت. این انجیل روز ۳ اکتبر ۱۹۸۶، بعد از دیدن ویدئوی دو گروه‌گان

آمریکایی، تری اندرسون و دیوید جیکوبسن، - که در آن ریگان را متهم به عدم کوشش برای آزادی خود می‌کردند - امضا شد.

* برنامه شامگاهی صدای آمریکا: لاری اسپیکر سخنگوی کاخ سفید گفت پرزیدنت ریگان انجیل را در سوم اکتبر برای هدیه به نمایندگان مقامهای بلندپایه ایران، که قرار بود چند روز بعد در فرانکفورت (آلمان غربی) با آمریکاییان ملاقات‌کنند، امضا کرده بود. سخنگوی کاخ سفید گفت رئیس‌جمهوری انجیل را به تقاضای جان پویندکستر، که در آن روزها مشاور امنیت ملی بود، امضا کرد. آقای اسپیکر گفت: ایده هدیه کردن انجیل از سوی الیور نورث، که در آن دوره عضو شورای امنیت ملی بود، به میان کشیده شد. زیرا بحثهایی در زمینه میراث مشترک مذهبی و تاریخ مشترک در میان پیروان مذاهب اسلام، یهود و مسیحیت با رابطان ایرانی در گرفته بود. آقای اسپیکر گفت در مورد شرکت داشتن آقای نورث در مذاکرات فرانکفورت، تقریباً مطمئن است... آقای اسپیکر در تشریح مسأله گفت فرستادن انجیل برای اطمینان بخشیدن به ایرانیان در این مورد بود که آمریکاییان نمایندگان واقعی پرزیدنت ریگان هستند و رئیس‌جمهوری ایالات متحده خود از معتقدان به پروردگار است.

۱۰ بهمن (۳۰ ژانویه)

رویتر: کمیته رسیدگی به مسأله فروش سلاحهای آمریکایی به ایران امروز رأی داد که اخبار فروش مخفیانه سلاح به ایران رسماً انتشار یابد و در اختیار عموم گذاشته شود. اگر این اخبار انتشار یابد، برای اولین بار است که به‌طور رسمی جریان فروش اسلحه به ایران و انتقال سود آن به ضدانقلابیان نیکاراگوئه فاش می‌گردد.

* رویتر: انتشار اولین گزارش عمومی کمیته سنا نشان می‌دهد که دخالت اسرائیل بسیار بیشتر از آن است که تاکنون به آن اعتراف کرده است. دیوید بورن، ریاست کمیته تحقیق، گفت قبل از انتشار گزارش دیروز، مدرک مهمی در دست نیست که نشان دهد پرزیدنت ریگان جریان انتقال درآمد حاصل از فروش اسلحه به ایران را به حساب شورشیان ضد دولتی نیکاراگوئه، می‌دانسته است. ریگان در اوت ۱۹۸۵ به اسرائیل اجازه داد اولین محموله اسلحه را به ایران بفرستد و چند ماه بعد نیز به مسئولان آمریکا دستور داد که سلاحها به‌طور منسقیم از آمریکا به ایران حمل شود. براساس تحقیقات کمیته، اسرائیل بیشترین منافع را در تماس با ایران داشته و از این زاویه به مسأله نگاه می‌کرده است که در آینده منافع بیشتری در رابطه با ایران خواهد برد. مدارک کمیته تحقیق نشان می‌دهد که اسرائیل فقط سلاحهای ساخت آمریکا را به ایران فرستاده، بلکه از اوایل سال ۱۹۸۲ از طریق دلایلها نیز سلاحهای آمریکایی را به ایران فروخته است. گزارش سنا در پایان می‌گوید که دولت آمریکا در سال

که آنها باید به خاطر مصالح کشورتان انجام دهند، ولی از این کار خودداری نموده‌اند و می‌ترسند من راجع به آن حرف بزنم». خبرنگار: آیا شما برای شهادت علنی به واشنگتن می‌آیید؟ قربانیفر: بله، چرا که نه؟ با کمال خوشوقتی.

* واشنگتن‌پست، در مقاله‌یی به قلم ادوارد والش، می‌نویسد: «از ابتدای آشکارشدن جریان فروش اسلحه، اسرائیل ادعا می‌کرد که نقش بسیار جزئی در این جریان داشته است. لیکن گزارش کمیته اطلاعاتی سنا نشان می‌دهد که طرح ارسال اسلحه در عوض آزادی گروگانها، در سال ۱۹۸۵ توسط یک مقام اسرائیلی پیشنهاد شد و پس از متوقف‌شدن آن در اواخر سال ۱۹۸۵، پرز در سال ۱۹۸۶ یک مقام عالیرتبه اسرائیلی را، برای راضی‌کردن آمریکا به ادامه ارسال اسلحه به ایران، به واشنگتن فرستاد. پیشنهاد انتقال پول فروش اسلحه به شورشیان نیز از سوی اسرائیل بوده است.

* آسوشیتدپرس، تل‌آویو: یعقوب نیمرودی، طی مصاحبه‌یی با این خبرگزاری تأکید کرد که نقش وی کمک به اسرائیل و غرب، جهت برقراری تماس با ایرانیان پراگماتیستی بود که مایل بودند رژیم بنیادگرای آیت‌الله روح‌الله خمینی را سرنگون کنند. وی گفت شیمون پرز، که در آن موقع نخست‌وزیر بود، ترجیح می‌داد به ایرانیان مواد غذایی بفروشد زیرا آنان به مواد غذایی نیاز شدید داشتند.

* نیویورک تایمز، در مقاله‌یی به قلم استین انگلیبرگ، می‌نویسد: مک‌فارلن طی مصاحبه‌یی اظهار داشت که اگر می‌دانست قربانیفر یک تاجر اسلحه تبعیدی است، معامله با ایران را شروع نمی‌کرد. وی افزود که او فکر می‌کرد قربانیفر در ایران زندگی می‌کند و مشاور نخست‌وزیر و سایر مقامهای عالیرتبه ایرانی است. مک‌فارلن گفت چنین توضیحاتی را دیوید کیمشه، مدیرکل وزارت امور خارجه اسرائیل، به وی داده است. مک‌فارلن همچنین اضافه کرد که از ابتدای شروع طرح ایران، در مورد این عملیات، ریسکها و افراد درگیر در آن با ویلیام کیسی صحبت کرده و خواستار اطلاعات در مورد آنها شده بود. در سال ۱۹۸۴ سیا بخشنه‌یی به ادارات دولتی فرستاد و هشدار داد که قربانیفر یک دروغ‌گوست. طبق گزارش سنا، سیا می‌دانست که قربانیفر در یک مورد به یک کشور دیگر پیشنهاد کرده بود که در مقابل دریافت اطلاعات در مورد ایران، به همکاران وی اجازه دهد که به قاچاق مواد مخدر در آن کشور ادامه دهند.

* رویتر: جوزف سیسکو، معاون قبلی وزارت امور خارجه آمریکا، امروز گفت روابط بسیار خوب اسرائیل و آمریکا، به علت نقش مخصوص اسرائیل در فروش مخفیانه سلاح به ایران و روابط نزدیکش با آفریقای جنوبی، احتمالاً به بی‌آبرویی

۱۹۸۴، توجه خود را به تماس با میانه‌روها معطوف کرد تا رابطه با ایران را، که بعد از اشغال سفارت آمریکا در تهران گسسته شده بود، برقرار نماید. اما از اواسط سال ۱۹۸۵، رابطه با ایران بیشتر به جهت آزادی گروگانها، که در دست طرفداران ایران در لبنان بودند، معطوف شد. بنا به گزارش، از تابستان ۱۹۸۵ اسرائیل به آمریکا فشار آورد که به ایران اسلحه بفروشد و امیدوار بود که ایران ۷ گروگان آمریکایی در لبنان را آزاد نماید.

* رویتر: ریگان در ۱۷ ژانویه ۱۹۸۶ به سازمان جاسوسی آمریکا دستور داد که مستقیماً به ایران سلاح بفروشد. گزارش کمیته می‌گوید که در سالهای ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ فروش اسلحه به ایران در چند نوبت متوقف شد، زیرا آزادی گروگانها عملی نشد، اما اسرائیل اصرار داشت که صدور اسلحه ادامه یابد. در فوریه ۱۹۸۶ شیمون پرز طی نامه‌یی که به ریگان نوشت، از او خواست که به او اجازه دهد و تشویقش کند که به خاطر اهداف استراتژیکی که اسرائیل در ایران دارد، به این کوششها ادامه دهد. گزارش می‌گوید تماسهای مستقیم بین فروشندگان اسلحه به ایران و واریزکنندگان پول آن به حساب شورشیان نیکاراگوئه، از ژانویه ۱۹۸۶ تصمیم گرفته شد، و این تصمیم از طرف الیور نورث و آمیرام نیر اتخاذ گردید.

۱۱ بهمن (۳۱ ژانویه)

برنامه اخبار شبانه شبکه تلویزیونی ان.بی.سی: سیا تلاش می‌کند، برای فرار از مسئولیت در جریان ایران - کنتر، قربانیفر را مورد ملامت قرار دهد. وی برای اولین بار توسط بازپرسان کمیته تاور در پاریس مورد سؤال قرار گرفت. سیا وی را به‌عنوان یک فرد غیرقابل اعتماد و دروغگو می‌شناسد. قربانیفر: «این سیا بود که معاملات را درست ترتیب نداد و از فهم آمادگی ایران برای برقراری روابط بهتر با آمریکا عاجز ماند. مقامهای سیا می‌خواهند مرا بی‌اعتبار کنند تا بر اشتباههای خودشان سرپوش بگذارند. آنها عامل اصلی فاجعه‌یی هستند که شما و ما امروز گرفتارش هستیم. آنها به یک قربانی احتیاج دارند. من آن قربانی نخواهم بود». قربانیفر گفت که ۱۶ میلیون دلار در جریان معامله با ایران مفقود شده است. مفقودشدن پولها از موقعی شروع شد که نورث به قربانیفر گفت از شماره حساسی که به وی داده است استفاده کند. قربانیفر می‌گوید وقتی این شماره حساب برای اولین بار، در فوریه گذشته، مورد استفاده قرار گرفت، ۶ میلیون دلار مفقود شد و ۸ میلیون دلار در معامله بعدی اسلحه ناپدید گردید. وقتی قربانیفر از نورث می‌پرسد بر سر پولها چه آمده است؟ وی می‌گوید پولی باقی نمانده و همه آن رفته است؛ مثلاً برای شورشیان رفته است. قربانیفر در جریان معاملات ۵ بار به واشنگتن مسافرت کرد و یک بار با مقامهای سیا در یک خانه امن ملاقات نمود تا طرح سفر مخفیانه به ایران را بریزند. قربانیفر: «سیا نمی‌خواهد داستان من گفته شود. چیزهایی هست

ایرانی در ژنو ملاقات کردند. ایرانیها یک دستور بحث نه ماده‌یی را، که مدعی بودند قبلاً به تصویب شورای امنیت ملی رسیده است، در مقابل آمریکاییها گذاشتند. طرح مذکور مشتمل بود بر افزایش فروش سلاح ضدتانک تا و وسائل یدکی هوش‌یابک به ایران و آزادی ۱۷ مسلمان تروریست زندانی در کویت، در عوض آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان. خبر تکان‌دهنده بازماندن کانالی ارتباط با ایران، پس از آن که رئیس‌جمهوری آن را بسته اعلام کرده بود، هفته گذشته ضمن شهادت جرج شولتز، وزیر خارجه آمریکا، در جلسه خصوصی کمیسیون خارجه مجلس برملا شد... شولتز گواهی داد که پس از کشف اقدام پویندکستر، مشاور سابق امنیت ملی، در عزت وارد آوردن فشار به کویت برای آزادی محکوم‌شدگان، بسیار خشمگین شد. شولتز، کمی پس از اطلاع از اقدام پویندکستر، تلگرافی برای وزیر خارجه کویت فرستاد و سیاست دولت آمریکا را مبنی بر ننهادن به مذاکره با تروریستها مورد تأیید قرار داد. وزیر خارجه برای برقرارکردن ارتباط با رئیس‌جمهوری بر سر این موضوع، دچار مشکلات بیشتری شد. دستیاران کاخ سفید حاضر به تعیین وقت ملاقات با وی برای او نمی‌شدند و می‌خواستند بدانند که از درباره چه مطلبی می‌خواهد با ریگان صحبت کند...».

«رادیو سی بی سی، برنامه جام جهان‌نما: «بازداشت یک خبرنگار آمریکایی در تهران نشان می‌دهد که مسأله روابط ایران و ایالات متحده، در داخل ایران همچنان حساسیت ایجاد می‌کند. در میان رهبران ایران سخنگوی مجلس یکی از مشهور کسانی است که، در رابطه با مسائل روابط ایران و آمریکا، صریحاً سخن می‌گوید. رفسنجانی بارها پیشنهاد کرده است که اگر آمریکا اموال و سلاحهایی را که ایران معتقد است به خود تعلق دارد به ایران بازگرداند، او نیز حاضر خواهد شد که در مقابل برای آزادی گروگانهای آمریکایی اسیر در لبنان تلاش کند. ولی این پیشنهاد جرحش ۱۸۵ درجه‌یی، مبنی بر تصمیم به برقراری رابطه با آمریکا، که نیز عموماً به‌عنوان شیطان بزرگ نامیده می‌شود، مورد تأیید بسیاری از اعضای رهبری ایران قرار نگرفته است. یک فرضیه دیگر آن است که بازداشت خبرنگار آمریکایی به اتهام جاسوسی، به دستور رفسنجانی بوده است تا وی از این طریق بر اعتبار انقلابی بودن خود صحه گذارد. چرا که معاملات مخفی اخیر با مقامهای آمریکایی و دلالت‌های اسرائیلی اسلحه، می‌توانسته وجهه او را خدشه‌دار ساخته باشد... گفته می‌شود که همکاری وزارت اطلاعات و آقای رفسنجانی بسیار روشن است. طرفداران این فرضیه که بازداشت خبرنگار آمریکایی به دستور رفسنجانی بوده است، اشاره می‌کنند که سخنگوی مجلس ایران، به علت نزدیکی با آیت‌الله خمینی، در حال حاضر در ایران به‌عنوان مقام چنان قدرتمندی محسوب می‌شود که هیچ گروهی جرأت ندارد وی را به مبارزه فرا خواند. مقامهای آمریکایی می‌دانند که بازداشت جرالد سایب به آن دلیل بوده که اعمال فشار بر دولت آمریکا، آن کشور را مجبور به تجدید مذاکره درباره ارسال اسلحه به ایران کند.»

اسرائیل خواهد انجامید. سیکو در مصاحبه با رادیو اسرائیل گفت از یک طرف مقامهای دولتی آمریکا بودند که وسایلی به وجود آوردند تا اسرائیل را سپر بلا کنند و خود را پنهان نمایند. اما این به آن معنی نیست که اسرائیل قادر باشد از مسئولیت خود در این جریان فرار کند.

* رابرت گیتز: کاخ سفید می‌گوید گزارش کمیته سنا درباره اجرای فروش اسلحه به ایران، از ریگان به خاطر تحلیلش از وقایع حمایت کرده است؛ در عین حال این گزارش کمکی بود که به یاد بیاوریم که بسیاری از سؤالات بدون جواب مانده‌اند. ریگان از ارسال منافع حاصل از فروش اسلحه برای شورشیان ضد دولتی نیکاراگوئه اظهار بی‌اطلاعی کرده ولی گفته است که مخفی بودن برنامه، به دلیل آن بود که می‌خواستیم با کشوری که به‌طور استراتژیک بیشتر از گروگانها برایمان مهم بود، رابطه برقرار کنیم. سناتور دموکرات، جرج میچل، در جواب سخنگوی کاخ سفید گفت که گزارش کمیته سنا اساساً با مدارک زنده و قوی نشان می‌دهد که برنامه ذاتاً برای معاوضه گروگانها بوده است. سناتور جمهوریخواه آلاسکا، فرانک مورکفسکی، گفت من اعتقاد دارم که اولین دلیل ریگان برای فروش اسلحه به ایران آزادی گروگانها بوده است. سخنگوی کاخ سفید اعتراف کرد که ۱۵ ماه فروش اسلحه به ایران ممکن است کوشش برای آزادی گروگانها تفسیر شود، اما این برنامه‌یی نبود که مورد تأیید ریگان باشد.

* به نوشته یک روزنامه پرتغالی مک‌فارلن در اواخر ۱۹۸۵ از دولت پرتغال خواسته بود که اجازه دهد تسلیحات از طریق لیسبون به ایران حمل شود. هفته نامه «اکسپرسو»، چاپ لیسبون، می‌نویسد: نخست‌وزیر پرتغال این تقاضا را رد کرد. به نوشته «اکسپرسو» مک‌فارلن خواستار آن بود که هواپیماهای اسرائیلی تسلیحات را به «لیسبون» ببرند و سپس این سلاحها با یک هواپیمای دیگر به ایران انتقال یابد.

۱۳ بهمن (۲ فوریه)

یونایتد پرس: ریگان امروز استعفای ویلیام کیسی، رئیس سیا، را پذیرفت و رابرت گیتز معاون او را به ریاست سیا انتخاب نمود.

* مجله تایم در مقاله‌یی با عنوان «قطع رابطه مشکل است» می‌نویسد: «غوغای ایران - کنترتا تا شنبه ۶ دسامبر در سراسر کشور به اوج خود رسید. بعد از ظهر همان روز رونالد ریگان، در برنامه تلویزیونی هفتگی خود، دست به کوششی دیگر برای فرونشاندن این رسوایی نگران‌کننده زد و به شنوندگان اطمینان داد که "منظور من از معامله با خمینی تعویض اسلحه با گروگانها نبوده است". رئیس‌جمهوری تأکید کرد که "تلاش پنهانی" برای برقراری ارتباط با "میان‌روها" در ایران "نظم" شده است. اما یک هفته بعد، نمایندگان سنا و وزارت خارجه با اطمینان

۱۴ بهمن (۳ فوریه)

آقای آباایان رئیس کمیسیون خارجی و امنیت «کنست» پارلمان اسرائیل از آقای شمیر نخست‌وزیر درخواست کرده است که دولت گزارش مستند و مشروحی را منتشر سازد که در آن نظرها و اعمال اسرائیل را در مورد ماجرای فروش اسلحه به ایران از اول تا به امروز تشریح نماید.

* رویتر: ریگان امروز آمادگی خود را برای دادن بخشی از یادداشتهای شخصیش که در رابطه با ماجرای فروش اسلحه به ایران می‌باشد، ابراز کرد. قرار است این یادداشتهای در اختیار کسانی که در ماجرای ارسال اسلحه تحقیق می‌کنند، قرار گیرد. سخنگوی کاخ سفید گفت رئیس‌جمهوری می‌خواهد این جریان را بشکافد و به صورت روشن، می‌خواهد بداند که چه اشتباهاتی رخ داده است.

* رویتر: امروز پنتاگون اعلام کرد که در حمایت از ارسال اسلحه به ایران توسط دلالهای خصوصی و فروش هواپیماهای جنگی و سایر تسلیحات نقشی نداشته است و منکر حمایت از آنها شد، اما اعتراف کرد که بیش از یک سال بود که از ماجرا اطلاع داشت. نیویورک تایمز امروز گزارش داد که یکی از مقامهای عالیرتبه وزارت دفاع در دسامبر سال ۱۹۸۵ می‌دانست که دلالهای اسلحه، سعی می‌کنند که به‌طور غیرقانونی، هواپیماهای اف-۴ و سایر تسلیحات نظامی، به ارزش بیش از یک میلیارد دلار، برای ایران بفرستند، اما آنها کاری نکردند زیرا امیدوار بودند که به تانکهای شوروی، که ایران در جنگ آنها را به غنیمت گرفته بود، دسترسی پیدا خواهند کرد. سخنگوی پنتاگون، باب سیمز، گفت تنها نقش پنتاگون در فروش اسلحه به ایران ارسال موشکهای ضدتانک و قطعات موشک هاک بوده است.

۱۵ بهمن (۴ فوریه)

رویتر: کاخ سفید این امکان را رد نکرد که ممکن است ریگان در برابر کنگره آمریکا، در مورد فروش اسلحه به ایران، شهادت بدهد. پاتریک بوچانان، مدیر ارتباطات کاخ سفید، که رئیس هیأت نگارش سخنرانیهای ریگان و مشاور سیاسی رئیس‌جمهوری است، دیروز آخرین نفر از مشاوران عالی ریگان در کاخ سفید بود که کنار رفت. استعفای او مجدداً جدال در مورد جریان ایران و شورشیان ضد دولتی نیکاراگوئه را به میان آورد و دیروز در کاخ سفید این مسأله مطرح شد که احتمال دارد کاخ سفید پیشنهاد کند که ریگان به سؤالات کمیته تحقیق سنا پاسخ بدهد. علاوه بر ویلیام کیسی، رئیس سیا، که روز دوشنبه استعفا داد، ریچار پزل، مشاور وزیر دفاع، که گفته می‌شود یکی از مغزهای پنتاگون در کابینه ریگان در سیاستهای کنترل تسلیحات می‌باشد، به زودی استعفا خواهد کرد و ریگان منتظر استعفای اوست.

فیتزواتر، سخنگوی کاخ سفید، گفت نمی‌شود انکار کرد که این استعفاها نشان ضعف ریگان در نتیجه ماجرای ایران است.

* رویتر نیویورک تایمز امروز گزارش داد که ملک‌فهد، پادشاه عربستان سعودی، و سایر مقامهای آن کشور در سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵ کوشش می‌کردند که مبلغ ۱۵ میلیون دلار به شورشیان نیکاراگوئه منتقل کنند. در گزارش روزنامه آمده است که این کوششها به خاطر قراردادی بود که در سال ۱۹۸۱ بسته شده بود. در این قرارداد پادشاه عربستان سعودی موافقت کرده بود که به تمام گروههای ضدکمونیست در سراسر جهان کمک کند و همین موافقت بود که به او اجازه داد ۴ فروند هواپیمای آواکس خریداری کند. نیویورک تایمز از قول یک تاجر آمریکایی، که از او خواسته شده بود در جریان ارسال پول باشد و او آن را رد کرده بود، می‌نویسد که پول از طریق ریچارد سکورد، سرلشکر بازنشسته نیروی هوایی، و آلبرت حکیم، شریک او، ارسال شد. تایمز می‌نویسد که در تحقیقات کنگره در مورد فروش سلاح به ایران، احتمالاً حساب مخفی «سیا» در سوویس، که عربستان سعودی ۲۵۰ میلیون دلار برای کمک به چریکهای افغان به آن واریز کرده بود، کشف نشده است. روزنامه می‌افزاید گواهی دیگری نشان می‌داد که عربستان سعودی مبلغ ۳۰ میلیون دلار به شورشیان اهدا کرده بود، اما تحقیقات قادر نشد که ردی از آنها پیدا کند. تایمز از قول تاجر آمریکایی می‌نویسد که کار از اواخر سال ۱۹۸۳ آغاز شد و تا سال ۱۹۸۵ ادامه داشت و مقامهای عربستان از او می‌خواستند که ۱۵ میلیون دلار برای شورشیان ارسال کند. او گفت که مقامها عبارت بودند از ملک‌فهد و شاهزاده بندربین سلطان و سفیر عربستان سعودی در واشنگتن.

۱۹ بهمن (۸ فوریه)

روزنامه واشنگتن پست می‌نویسد: «بنا به یک یادداشت بسیار محرمانه، آمیرام نیر، یک مقام اسرائیلی، به جرج بوش، معاون ریاست‌جمهوری آمریکا، گفته بود که "ما با افراطی‌ترین عوامل در ایران در حال معامله هستیم، چون فهمیده‌ایم که آنها می‌توانند کار صورت بدهند و میانه‌روها نمی‌توانند". ... نیر گفته بود که ایرانیها می‌خواهند تا موقعی که دارایی (منظور احتمالاً گروگان است) دارند، هر چقدر می‌توانند آمریکا و اسرائیل را بدوشند... نیر با بوش در ۲۹ ژوئیه ۸۶ در کینگ دیوید هتل اورشلیم ملاقات کرد. این یادداشت فولر، رئیس دفتر بوش، قرار بوده در گزارش کمیته ویژه اطلاعاتی سنا منتشر شود، اما به تقاضای وزارت خارجه منتشر نمی‌شود. کپی این یادداشت توسط واشنگتن پست به دست آمد. فولر گفت که چه قبل و چه بعد از ملاقات با نیر، شورای امنیت ملی به بوش اطمینان داد که آنها در ایران با میانه‌روها سروکار دارند... بنا به یادداشت فولر، نیر به بوش گفت که یک ملاقات در فوریه ۱۹۸۶ با نخست‌وزیر طرف دیگر صورت گرفت. نخست‌وزیر ایران،

میرحسین موسوی است. نیز نگفت چه کسانی در این ملاقات حضور داشتند ولی گفت که... منجر به توافق برای فروش ۴۰۰۰ موشک تاو با قیمت ثابت گردید».

۲۰ بهمن (۹ فوریه)

به گزارش رادیو رژیم، رفسنجانی در ملاقات با وزیر خارجه اندونزی گفت: «کاری که ما با آمریکا کردیم، یکی از قطعات جالب تاریخ است. آمریکا از حدود ۲ سال پیش از راههای گوناگون به ما پیغام می‌داد که با جمهوری اسلامی ایران خصوصی ندارد. این برای ما قابل باور نبود، چون آثار دشمنی آمریکا را همه جا می‌دیدیم. بالاخره به فکر افتادیم که آزمایشی کنیم که ببینیم این ادعا چقدر صحت دارد و آنها چقدر صداقت دارند. انجام این آزمایش هم برای ما آسان بود، چون ما در آمریکا اموالی داریم که برخلاف قوانین بین‌المللی توقیف شده است. به آمریکا پیشنهاد کردیم که اگر می‌خواهد ثابت کند که دشمن ما نیست، می‌تواند با رفع توقیف از اموال ما حسن‌نیت خود را نشان بدهد. ما این مطلب را به ژاپنیها به‌طور رسمی گفتیم. آمریکا در مقابل این پیشنهاد جواب روشنی نداشت و راه و روشی نمی‌شناخت. بنابراین از طریق دلایلهای اسلحه وارد شد، چون می‌دانست که ما اسلحه می‌خریم. این آزمایش هم آمریکا را روسیاه کرد، چرا که همان وعده‌هایی را که به دلالتها گفته بودند، عمل نکردند و آن جزئی اسلحه را هم که فروختند به چند برابر قیمت حساب کردند و برخلاف تأکیداتی که ما همیشه داشتیم و گفتیم که با اسرائیل همکاری نمی‌کنیم، مدعی شدند که دست اسرائیل در کار بوده است. ما نمی‌دانیم این مطلب صحت دارد یا نه؟ اما حتی گفتن این مطلب نیز نشان‌دهنده خصومت و شیطنت آنهاست. از طرفی شیوه آمدن مکه‌فارلن به ایران برای ما سؤال‌انگیز است. ما از این راه هم فهمیدیم که آمریکا شیطنت می‌کند و نمی‌خواهد گذشته‌ها پاک شود. در یک جمله باید گفت: آمریکا در این آزمایش مردود شد و ما هم بهتر فهمیدیم که لقب شیطان بزرگ بیشتر برازنده آمریکاست».

۲۱ بهمن (۱۰ فوریه)

رویترو: یک سخنگوی دولت اسرائیل امروز گفت که دولت مشغول جمع‌آوری مدارک از شاهدان اسرائیلی است که در رابطه با فروش اسلحه آمریکایی به ایران درگیر بوده‌اند، تا بدین‌وسیله بتواند به تحقیقات واشنگتن در این مورد کمک کند. یک حقوقدان اسرائیلی که قرار است همراه اسحاق شمیر برای دیداری رسمی به آمریکا برود، بنا به درخواست آمریکا مشغول جمع‌آوری اطلاعاتی است که آمریکا از شمیر درخواست کرده است.

۲۲ بهمن (۱۱ فوریه)

رویترو: رابرت مکه‌فارلن، مشاور سابق شورای امنیت ملی، بازیگر اصلی ماجرای ارسال اسلحه به ایران، که بعد از مصرف بیش از حد قرصهای آرام‌بخش به بیمارستان انتقال داده شده بود، حالت عادی خود را بازیابد، اما پلیس گمان می‌برد که این تلاشی برای خودکشی بوده است.

* روزنامه واشنگتن‌پست در مقاله‌ای به قلم والتر پینکوس می‌نویسد: «تحقیق‌کنندگان کنگره حالا معتقدند که در مجموع مبلغ ۱۰/۵ میلیون دلار از معاملات سلاح ایران برای حمایت از شورشیان نیکاراگوئه و مقاصد دیگر صرف شده، اما فقط کمی بیش از ۲ میلیون دلار آن از پولی بوده که دولت تهران برای سلاحها پرداخت کرده است. ۸/۵ میلیون بقیه، بخشی از ۱۵ میلیون دلار وامی است که به وسیله عدنان خشوچی، سرمایه‌دار سعودی، در ماه مه گذشته داده شده است. این وام به منظور تأمین بودجه ارسال مخفیانه سلاح به ایران — که قرار بود دو رادار ضدهوایی هاک را نیز شامل شود — داده شده بود. اما کمی قبل از این که رادارها ارسال شوند، مقامهای آمریکایی تصمیمشان درباره فروش این رادارها به تهران تغییر کرد، اگر چه بقیه سلاحها — قطعات یدکی ۲۴۰ موشک هاک — ارسال شد... رادارهایی که برای هدایت موشکهای ضدهوایی هاک به کار می‌روند، جزو وسایلی بود که توسط شاه خریداری شده بود ولی بعد از انقلاب ۱۹۷۹ هرگز به ایران داده نشد و چند سال است که موضوع مجادله بین واشنگتن و تهران بوده است...».

۲۳ بهمن (۱۲ فوریه)

رادیو اسرائیل: «حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی فاش ساخت که آقای رابرت مکه‌فارلن، فرستاده آمریکایی به تهران، ابراز آمادگی کرده بود که با گروگانهای آمریکایی که در اسارت سازمانهای تروریستی شیعه در لبنان به سر می‌برند، مبادله شود. رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: مکه‌فارلن حاضر شده بود در ازای آزادی گروگانها در تهران بماند، ولی ما به وی توضیح دادیم که حکومت اسلامی گروگان نمی‌گیرد و این شیوه رژیم ما نیست. مقامهای آمریکایی هنوز نسبت به این اظهارات واکنشی نشان نداده‌اند. حجت‌الاسلام رفسنجانی هم‌چنین گفت: مقامهای آمریکایی چند روز پیش دوباره در صدد برآمدند با حکومت اسلامی ایران رابطه مستقیم برقرار سازند. وی گفت: فرد واسطه یک شماره تلفن در اختیار نمایندگان حکومت اسلامی قرار داد و گفت آنها هر موقع بخواهند می‌توانند مستقیماً با پرزیدنت رونالد ریگان گفتگو کنند. سخنگوی دولت واشنگتن این اظهارات حجت‌الاسلام رفسنجانی را حوالی و بی‌اساس توصیف کرد».

* جرج شولتز، وزیر امور خارجه آمریکا، گزارش امشب ایران را، که در آن ادعا شده است که ریگان شماره تلفن مستقیمی را جهت برقراری تماس با ایران در اختیار مقامهای ایرانی گذاشته است، رد کرد و آن را بی معنی خواند.

* روزنامه واشنگتن پست در مقاله‌یی با عنوان «شمیر به ایالات متحده توصیه می‌کند که به تماس با ایران ادامه دهد»، می‌نویسد: اسحاق شمیر، نخست‌وزیر اسرائیل به ایالات متحده توصیه اکید کرد که برای نزدیک شدن به عناصری در ایران که زمینه دوستی در آنها وجود دارد، به کارش ادامه دهد و «احساس گناهی» را که، به نظر او، برخی از کشورهای عرب سعی دارند، به دلیل فروش اسلحه به ایران، به واشنگتن القا کنند، به دور اندازد. رهبر اسرائیل در مصاحبه‌یی با مخبر واشنگتن پست گفت: ادعای کشورهای عرب، نظیر مصر و اردن، مبنی بر این که ماجرای ایران به وجهه و اعتبار آمریکا در خاورمیانه لطمه زده، «بسیار اغراق‌آمیز است» و کوششی است برای گرفتن «امتیاز» به صورت فروش اسلحه و وام اقتصادی بیشتر... قبلاً شمیر به سؤالهای مربوط به نقش اسرائیل در تشویق مقامهای آمریکایی به استفاده از ارسال اسلحه برای برقراری ارتباط با دولت ایران در عوض آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان، پاسخ نمی‌داد. او بارها گفته بود که اسرائیل فقط به «یک دوست کمک کرده است». او، امروز، در جواب به سؤالهایی در این باره گفت که در مورد ارسال اسلحه او و شولتز «در یک وضع هستند»... او به طور مشخص، بین «اتفاقی» که در اجرای ارسال سلاح به ایران افتاد، با «دیدي» مبتنی بر تلاش سیاسی کلی از طرف آمریکا برای اثرگذاری بر دولت جانشین رژیم آیت‌الله روح‌الله خمینی در ایران، تفاوت گذاشت. او گفت: «برای ایالات متحده خوب است که با ایران، لااقل برای دوران پس از خمینی، ارتباط داشته باشد». «ما بهایش را نمی‌توانیم بپردازیم. ایالات متحده آشکارا می‌توانست بهایش را بپردازد. ایران در این منطقه کشور بسیار مهمی است... ایران منافعی متفاوت از منافع کشورهای عرب دارد». او این ادعا را، که به سبب ماجرای ایران به وجهه آمریکا در خاورمیانه لطمه خورده است، رد کرد. «کشورهای عرب که در واقع می‌خواهند از آمریکاییها طلبکار باشند، در این ماجرا مبالغه می‌کنند. برخی از این کشورها مایلند آمریکا احساس گناه کند».

* روزنامه «جمهوری اسلامی» در گزارش سخنرانی دیروز رفسنجانی برای میهمانان خارجی رژیم، نوشت: «رئیس مجلس شورای اسلامی سپس در پاسخ به سؤال میهمانان خارجی مبنی بر ماجرای مکفارلن این امر را یکی از نمونه‌های بزرگ پیروزی سیاسی ایران توصیف کرد و گفت ما این پیروزی را به حساب رزمندگان می‌گذاریم و در این حادثه ما بار دیگر آمریکاییها را آزمایش کردیم. آقای هاشمی گفت رئیس جمهوری آمریکا، رئیس سنا، دموکراتها و جمهوریخواهان همه گفته‌اند که احتیاج دارند با ایران صمیمی باشند و همه می‌دانند که آمریکا است که در پی ایجاد رابطه با

ایران است و اگر روزی باج می‌دهد پیش خود فکر می‌کند برای ده سال ۲۰ سال آینده است. نماینده امام در شورای عالی دفاع در همین رابطه افزود آمریکا مدعی بود که دشمن ما نیست و از طریق ژاپنیها و دلالت‌های اسلحه به ما پیغام دادند که ما اشتباه کردیم و ما راه مشخصی پیش آنها گذاشتیم و گفتیم اگر اموال ما را که حدود یک میلیارد جنس و چیزهای دیگر است و کارتر مسدود کرده بود به ما پس بدهید ما می‌فهمیم که با ما خصومت ندارید. گفتند باید بحث و مذاکره کنیم و ما گفتیم که این احتیاج به صحبت ندارد. آمریکاییها از طرف دیگری وارد شدند و به یک دلال اسلحه که یک متهم فراری است متکی شدند و به او متوسل شدند و گفتند که ما در مقابل شفاعت شما در لبنان حاضریم نیازهای تسلیحاتی شما را بر طرف کنیم. یکی دو مورد که عمل نشد و رویشان زیاد شد مکفارلن بدون این که موافقت ما را جلب کند به ایران آمد و همان دلال اسلحه کلاه سرش گذاشته بود که ایرانیها آدمهای مهربانی هستند. در همین جریان هم خیلی دروغ گفتند به جای یک کالا، کالای دیگری آوردند قیمت‌ها را هم چند برابر گفتند و ما چون قیمت آنها گران بود بیش از حدود ۱۵ میلیون دلار به آنها پرداختیم. رئیس مجلس شورای اسلامی به جدیدترین تلاش آمریکا برای ایجاد رابطه با ایران اشاره کرد و گفت: باز هم اینها بیکار ننشسته‌اند و همین دیروز صبح یک نفر از آمریکا تلفن زد و شماره مستقیم ریگان را داد این فرد دارای تلفن و تلکس است و آدم بی‌نار و نشان هم نیست. اینها این قدر نادانند که نمی‌دانند ما راه خودمان را می‌رویم می‌جنگیم و برای جنگ خود امکانات لازم را تهیه می‌کنیم. نماینده امام در شورای عالی دفاع افزود ما قطعات هواپیماهای اف-۱۴ را تأمین می‌کنیم و موشک‌هایی را که ۸۰ هواپیمای عراقی را ساقط کرده است قسمتی را از بازار سیاه و قسمت‌هایی را هم خودمان تعمیر و نگهداری می‌کنیم و بنابراین راهمان روشن است ما فقط گفته‌ایم از اسرائیل چیزی نمی‌خریم. شکست حزب بعث هم مقدمه‌یی بر شکست حزب "لیکود" اسرائیل است. وی خاطرنشان ساخت اگر محموله تسلیحاتی اسرائیل به ایران بیاید آن را باز می‌گردانیم و این یکی از شرایط خریدهای تسلیحاتی ما با طرفین خود است و همین طور است در مورد آفریقای جنوبی. آقای هاشمی رفسنجانی در ادامه سخنان خود گفت: ما به مکفارلن و گروه همراه او اهانت نکردیم. می‌توانستیم آنها را زندانی و یا محاکمه کنیم چرا که با تذکره جعلی آمده بودند و به دروغ گفتند که ۵ نفر خدمه هواپیما هستند در حالی که ده تن بودند اما ما برخورد بدی با آنها نکردیم. اینها (مکفارلن) به ما گفتند ما این جا گروگان شما می‌مانیم و شما بگویید گروگانهای ما را از لبنان آزاد کنند و ما گفتیم که ما گروگان‌گیر نیستیم و این کار یک دولت و شیوه ما نیست و اگر دوست ما باشید شفاعت می‌کنیم و اگر دشمن ما باشید این کار را نمی‌کنیم و این حق ماست. آقای هاشمی رفسنجانی در ادامه سخنان خود افزود بحمدالله این ماجرا با پیروزی ما و رسوایی آنها تمام شد و حرف‌هایی که برای بار اول در مقابل مجلس زدم برای همه دنیا ثابت شد».

روزنامه نیویورکتایمز در مقاله‌یی با عنوان «معامله با ایران وابسته به یک برنامه وسیع سیاسی سری است»، می‌نویسد:

«معامله پنهانی دولت ریگان با ایران و شورشیان نیکاراگوئه برخاسته از برنامه‌یی کاملاً سری است که دست‌کم چهار سال پیش در کاخ سفید طرح‌ریزی شد. به گفته برخی از مقامهای سابق و لاحق دولتی، این برنامه سری برای دست‌زدن به ابتکارهایی در سیاست خارجی بود. این برنامه - "طرح دموکراسی" - در کنار یک طرح ابتکاری و علنی به همین نام، که درباره‌اش تبلیغ زیادی شد، موجودیتش را آغاز کرد. بنا به اظهار پاره‌یی مقامها، بخش محرمانه "طرح دموکراسی" می‌بایست اجراکننده وظایفی در سیاست خارجی باشد که ادارات دولتی دیگر نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند دنبال کنند. با آن که، بازوی علنی "طرح دموکراسی" - که امروز به نام "صندوق ملی کمک برای دموکراسی" معروف است - آشکارا از خزانه دولت فدرال به مؤسسات دموکراتیک در خارج پول می‌پرداخت و از حمایت وسیع هر دو حزب برخوردار بود. به گفته مقامهای دولتی، بازوی مخفی این طرح، پس از این که حدود سه سال پیش سرهنگ دوم الیور نورث - که آن زمان بیش از یک کارمند گمنام شورای امنیت ملی نبود - به ریاست آن گمارده شد، مسیر کاملاً جدایی را طی کرد...

اکنون معلوم می‌شود که همان رؤیای پرزیدنت ریگان برای پرورش "گل ظریف دموکراسی" - آن چنان که برای نخستین بار در سال ۱۹۸۲، آن را طی نطقی تصویر کرد - شورای امنیت ملی را به اجرای عملیات سری از کاخ سفید کشاند و با رسوایی فروش اسلحه به ایران و هدایت سود آن به سوی شورشیان نیکاراگوئه به اوج رسید و منفجر شد.

در چهار سال گذشته "طرح دموکراسی"، به شکل دستگاه دیگری به موازات ماشین سیاست خارجی، رشد کرد که سیستم ارتباطی مخصوص به‌خود، فرستادگان مخفی، ناوگان و هواپیماهای اجاره‌یی، حسابهای بانکی و شرکتهای خارج کشوری خود را داشت. [این طرح] خارج از روند معمول تصمیم‌گیری دولتی و دور از چشم و دسترس کنگره عمل می‌کرد و، بنا به گفته مقامهای رسمی، مبین ناتوانی عمیق دستگاه دولتی بود که نمی‌توانست دستگاه سیاست خارجی یا کنگره را به تأیید آن چه مقامهای دولتی "دکترین ریگان" برای حمایت از تهاجمهای ضدکمونیستی توصیف کرده‌اند، برانگیزد. بازرسان کنگره که درباره‌ی اجرای ایران - کنتررا تحقیق می‌کنند، می‌گویند که در سراسر اسنادی از شورای امنیت ملی که به‌دستشان رسیده است، اشاراتی به طرح دموکراسی دیده می‌شود. به گفته منابعی که به کار کمیسیون واردند، اعضای هیأت منصفه مخصوص کاخ سفید... کشف کرده‌اند که این طرح، یک سلسله عملیات سری انجام داده که هنوز به اطلاع عموم رسانده نشده است... با وجودی که بخش علنی و بخش مخفی این طرح در سال ۱۹۸۲، در پیوند با یکدیگر به‌وجود آمدند، در راههایی آن چنان متباین پیش رفتند که امروز پاره‌یی از مقامهای دولتی پیوند آنها را به‌خاطر نمی‌آورند.

در سال گذشته، در حالی که بخش علنی طرح، یعنی صندوق ملی کمک برای دموکراسی، به ناشران خارجی، اتحادیه‌های کارگری و مؤسسات دیگر از خزانه دولتی پول می‌داد، بخش مخفی، به مدیریت سرهنگ نورث، به ارسال وجوهی که به‌طور خصوصی و در خفا جمع‌آوری شده بود، به‌عنوان کمک محرمانه، به شورشیان نیکاراگوئه و فعالیتهای وسیع دیگر، از جمله فروش اسلحه به ایران، مشغول بود... کارل گرشن، رئیس "صندوق ملی کمک برای دموکراسی"، اظهار داشت که بی‌دانسته است این طرح یک بخش مخفی دارد. او اضافه کرد: ولی اگر داشته است، انحرافی از ضابطه اصلی شمرده می‌شود... کنگره در اواخر ۱۹۸۳، پس از این که وینام کیسی، رئیس سیا، قول داد که اداره او وارد جریان نخواهد شد، موافقت کرد که هزینه آن را بپردازد. از قرار معلوم سیا انجام طرح را به دست نگرفت، زیرا مقامها تصمیم گرفته بودند بخش مخفی را توسط شورای امنیت ملی اداره کنند... یکی از مقامهای دولتی آشنا با تاریخچه این طرح گفته است که ماهیت عملیات سری پیش‌بینی شده در اصل، با آن چه بعد انجام گرفت، به کلی تفاوت داشت. مقام مذکور اضافه کرد "البته قرار بود شامل عملیات سری هم بشود" مثلاً "چاپخانه‌هایی که در اروپای شرقی به‌دست مردم می‌رسد، از وسط زمین و هوا که پیدا نمی‌شوند"... به گفته بازرسان کنگره، پس از این که کنگره در سال ۱۹۸۴، کمک به شورشیان را محدود کرد، سرهنگ نورث و مقامهای دیگر، زیر پوشش "طرح دموکراسی"، شبکه پر پیچ و خمی از شرکتهای خارج کشور، حسابهای بانکی پنهانی و مأموران خصوصی، که جنبش شورشیان را با رساندن پول و وسایل و کمکهای دیگر زنده نگه می‌داشت، برقرار کردند. بنا به یادداشتهای بایگانی کاخ سفید، با این زیربنای عظیمی که جا افتاده بود، شورای امنیت ملی در سال ۱۹۸۶ از "شرکتهای طرح دموکراسی" برای ارسال پنهانی سلاح به ایران استفاده کرد...

این اقدامات، از "طرح دموکراسی"، آن چنان که پرزیدنت ریگان در ۸ ژوئن ۱۹۸۲ در سخنرانش خطاب به نمایندگان مجلس انگلستان اعلام کرد، بسیار دور است. او طرح را به‌عنوان کوششی به گستردگی جهان "برای ایجاد و توسعه زیربنای دموکراسی از طریق مسالمت‌آمیز - استقرار مطبوعات آزاد، اتحادیه‌ها، احزاب سیاسی، دانشگاهها - که به مردم امکان دهد راه خودشان را انتخاب کنند، فرهنگ خودشان را توسعه دهند، اختلافهایشان را خودشان حل کنند"، توصیف کرد. الگوی این طرح از طرح مشابهی در آلمان غربی در اوایل ۱۹۷۵، گرفته شده بود. نظر این بود که از منابع ملی و خصوصی اعانه گرفته شود و به مؤسسات دموکراتیک نوپا و آماده رشد از قبیل روزنامه‌ها و اتحادیه‌های کارگری، در کشورهایی که آزادی مورد تهدید قرار گرفته و یا محدود است، داده شود. چندهفته پس از سخنرانی ریگان در لندن درباره "طرح دموکراسی"، دولت آمریکا تصمیم گرفت که طرح نامبرده یک بخش سری هم داشته باشد و چون کسانی نگران دخالت سیا در این امر بودند، قرار شد که شورای امنیت ملی اداره آن را به‌عهده گیرد... رابرت مک‌فارلن، معاون وقت شورای امنیت ملی، در مصاحبه‌یی با روزنامه نیویورکتایمز در ژانویه ۱۹۸۳، گفت که بخش

* یونایتدپرس: مدارک به دست آمده از کامپیوترهای کاخ سفید نشانگر آن است که دونالد ریگان، رئیس کارکنان کاخ سفید، پویندکستر و کیسی خیلی بیشتر از آن چه قبلاً تصور می‌رفته، در مسأله ارسال سلاح به ایران و کمک به شورشیان دست داشته‌اند. این اطلاعات نشان می‌دهد که پویندکستر، نورث و مک‌فارلن سعی کرده‌اند یک گاه‌شمار وقایع را دستکاری کنند و آن را به صورتی در آورند که حاکی از این باشد که ریگان ارسال اولین محموله سلاح به ایران را، در اوت ۱۹۸۵، تجویز نکرده است.

۲۸ بهمن (۱۷ فوریه)

روزنامه واشنگتن تایمز، در مقاله‌یی به قلم آموس پرل مادر، می‌نویسد: «... آقای خمینی و ملاها در قدرت هستند، و هر قدر هم قبول این امر برای طراحان خوشبین سیاست آمریکا مشکل باشد، آنها در قدرت خواهند ماند. به غیر از یک جنگ داخلی تمام‌عیار نامتحمّل، اوضاع آمادگی برای تغییر ندارد...». اهداف طولانی‌مدت آمریکا در منطقه خلیج فارس، حفظ تعادل قوا و جریان نفت و دفاع از رژیمهای میانه‌رو عرب است. برای دستیابی به این اهداف آمریکا باید: ۱- از دخالت در جنگ قدرت آینده در ایران خودداری نماید. ۲- به موضع بی‌طرفانه قبلی خود در قبال جنگ میان ایران و عراق ادامه دهد. ۳- در برخورد با تروریستهای حزب‌الله سعی نکند از ایران طلب کمک کند. ۴- سیاست صبورانه‌یی را در قبال دگرگونیهای درونی، که اکنون دارد در ایران آشکار می‌شود، اتخاذ نماید. ۵- به سیاست ما مبنی بر عدم مذاکره با تروریسم وفادار بماند... اشتباه بزرگی است که جنگ سیاسی حال و آینده در ایران را یک درگیری مابین میانه‌روها و افراطیان دانست. میانه‌روی در ایران وجود ندارد. بلکه، این یک جنگ قدرت در میان افراد قدرت‌طلبی است که همگی شیعیان افراطی هستند... محتمل است که بی‌ثباتی، که در ایران جزئی از زندگی شده، ادامه یابد و جانشین خمینی هر که باشد، قادر نخواهد بود که به جنگ با عراق خاتمه دهد... خود را نباید گول بزنیم که فکر کنیم جنگ ایران و عراق پایان خواهد یافت. محاصره بصره ممکن است که سالها به طول انجامد... باید به ایران نشان داد که ما علیه انقلاب ایران و رژیم آن نیستیم، اما باید نشان بدهیم که ببرکاغذی هم نیستیم.

۲۹ بهمن (۱۸ فوریه)

رویتر: ملک‌حسین، پادشاه اردن، در یک مصاحبه با مجله فاینشال تایمز، که امروز به چاپ رسیده است، گفت: آمریکا با فروش اسلحه به ایران، تمامی اعتبار خود را در دنیای عرب از دست داده است. او در مورد فروش اسلحه به ایران گفت چیزی که روشن شد عیناً مخالف همه آن اطمینانهایی بود که من دریافت کرده بودم. من گفته بودم که آمریکا می‌بایستی از قدرت خود، به هر طریق، برای نرسیدن سلاح به

محرمانه طرح دموکراسی توسط شورای امنیت ملی اجرا خواهد شد، زیرا "اجازه دهید ساده لوح نباشیم. اگر سیا را در این امر دخالت دهیم، باید از خیر این کار از اول بگذریم". در ژانویه ۱۹۸۳ پرزیدنت ریگان دستورالعمل امنیت ملی شماره ۲۲ را امضا کرد. این دستور اداری به شورای امنیت ملی اجازه می‌داد به هماهنگ کردن اقدامات کلیه ادارات در زمینه "طرح دموکراسی" بپردازد. در دستور نامبرده به‌طور مستقیمی از بخش سری برنامه سخن نرفته، بلکه "اقدام سیاسی استراتژیک برای برخورد با حرکات اتحاد شوروی یا پیروان شوروی" مجاز دانسته شده است. اصطلاح "اقدام سیاسی" می‌تواند چند معنی داشته باشد، اما سند قبلی کاخ سفید درباره "طرح دموکراسی" آن را تقریباً مترادف "اقدام سری" به‌کار برده است... به گفته یکی از مقامهای شورای امنیت ملی که در برنامه‌ریزی "طرح دموکراسی" دخالت داشته، "نظریه تأمین هزینه آن از منابع خصوصی، به‌طور کلی به‌عنوان روش دولت برای انجام بعضی کارها، قبول شده است". این امر سوابقی هم از سال ۱۹۸۳ دارد. بلافاصله پس از استقرار ریگان در سمت ریاست‌جمهوری، دولت آمریکا آرژانتین را راضی کرد که به‌طور مخفیانه، میلیونها دلار خرج آموزش و تجهیز ارتش شورشی نوپای نیکاراگوئه کند. زمانی که ایالات متحده، در اواخر سال ۱۹۸۱، موافقت کرد به عربستان سعودی هواپیماهای مجهز به رادار آواکس بفروشد، در یکی از بخشهای محرمانه موافقتنامه، دولت سعودی متعهد شد که به دستور آمریکا، وجوهی به گروههای مقاومت ضدکمونیستی مختلف در سراسر دنیا بپردازد. بازرسان سنا در ماه گذشته فاش کردند که عربستان سعودی، به تقاضای آمریکا، دستکم ۳۰ میلیون دلار به شورشیان نیکاراگوئه داده است. ظاهراً این وجه به آن چه در یادداشت‌های کاخ سفید "حساب طرح دموکراسی" نامیده شده است، واریز گردید...».

۲۷ بهمن (۱۶ فوریه)

خبرگزاری فرانسه: اسحاق رابین، وزیر دفاع اسرائیل، طی یک مصاحبه با روزنامه واشنگتن‌پست در روز دوشنبه، از تصمیم اسرائیل مبنی بر تحویل سلاح آمریکایی به ایران دفاع کرد. او این عمل را تلاشی لازم «جهت سعی در برقراری تماس با دشمنان اسرائیل» ارزیابی نمود. آقای رابین، در مصاحبه‌یی که جمعه گذشته در تل‌آویو انجام داد، تأسف خود را از این که کشورش موفق به برقراری «ارتباط بهتری با ایران» نشده، ابراز نمود. او اضافه کرد که در ماههای سپتامبر تا نوامبر ۸۵ اجازه داده بود که دو بار تحویل سلاحهای آمریکایی به ایران، که از انبارهای سلاح کشور خودش برداشت شده بود، انجام گیرد، و البته قبلاً اطمینان پیدا کرده بود که دولت آمریکا کاملاً این عمل را تأیید می‌کند... وقتی از وی در مورد تحویل سلاحها، با توجه به نقش ایران در صحنه تروریسم بین‌المللی سؤال شد، آقای رابین اشاره نمود که به دلیل حساسیت جنگ ایران و عراق، «ما مطمئن بودیم که ایران حتی یک موشک تاو را به خارج از مرزهایش نخواهد فرستاد».

ایران استفاده کند تا به این ترتیب از ادامه جنگ جلوگیری شود. تنها مسأله‌یی که انتظارش را نداشته این بود که آمریکا قدرت ماشین جنگی ایران را افزایش دهد. ملک‌حسین گفت ارسال سلاح، به تغییر موازنه قدرت به نفع ایران در جنگش با عراق، کمک کرده است.

۳۰ بهمن (۱۹ فوریه)

مصاحبه تلویزیونی پی.بی.اس (آمریکا) با اسحاق شمیر: ریگان از شمیر خواسته است که در مورد قضیه ایران با گروه‌ها و کمیته‌های تحقیق همکاری کند و شمیر با رؤسای کمیته‌های ویژه مجلس و سنا دیدار نموده است. شمیر قول مساعد داده که از طریق دولت اسرائیل، به سؤالهای کمیته‌های تحقیق به طور کتبی، با تفاهم کامل، پاسخ گفته شود...

مصاحبه‌کننده: از شما نقل قول شده که برقراری ارتباط استراتژیک با ایران مهم است. شمیر: «من فکر می‌کنم که، حتی امروز، شرایط در منطقه ما به گونه‌یی است که ایران یکی از مهمترین کشورهاست. متأسفانه ایران کشوری تحت حکومت تروریستی است، تحت حکومتی مرتجع است. من می‌خواهم که یک تغییر عمده را در رژیم ایران ببینم».

مصاحبه‌کننده: آیا این نظر اسرائیل بوده که میانه‌روهایی در ایران هستند که آمریکا بتواند با آنها معامله کند؟

شمیر: من فقط می‌توانم بگویم که یک همکاری بوده و هر کس در این همکاری کاری را انجام می‌دهد، یکی ارزیابی می‌کند، یکی باید این ارزیابی را بررسی کند... «من مطمئن هستم که عواملی در ایران هستند که ما باید مورد حمایت قرار بدهیم و ما باید فکر کنیم چه اتفاقی در این کشور پراهمیت پس از رفتن این مرد پیر خواهد افتاد و ما مطمئن هستیم که این بار تغییرات مهمی پیش خواهد آمد و برای دنیای آزاد مهم است که این بار آمریکا در آن جا به گونه‌یی حضور داشته باشد... مصاحبه‌کننده: شولتز، وزیر خارجه، اعلام خطر کرده که ممکن است منافع آمریکا و اسرائیل در ایران کاملاً متفاوت باشد، نظر شما چیست؟

شمیر: شاید. ما با آمریکا روابط نزدیکی داریم، اما ممکن است تفاوت‌هایی باشد. ما در این منطقه زندگی می‌کنیم. ما شاید این منطقه و تغییرات در آن را بهتر از آمریکا می‌دانیم و حس می‌کنیم... و شاید ما نسبت به عراق نظرم‌ان نظر آمریکا نباشد. چون عراق چندین بار به ما حمله کرد و در جنگ علیه ما شرکت داشت. از طرف دیگر ما خاطرات خوبی از ایران داریم. ما روابط بسیار خوبی با ایران در زمان شاه داشتیم. شاید این دلیل بعضی از تفاوت‌ها در چگونگی برخورد با این قضیه باشد اما به لحاظ استراتژیک من فکر نمی‌کنم بین منافع اسرائیل و آمریکا تفاوتی باشد. آمریکا باید در تمامی این منطقه، به خاطر ثبات آن، حضور داشته باشد. به خاطر صلح در منطقه حضور آمریکا مهم است. هیچ نیروی دیگری نمی‌تواند جای آمریکا را بگیرد...

کمیته اطلاعاتی منتخب سنا

گزارش تحقیقات مقدماتی

سنای ایالات متحده

کمیته منتخب اطلاعاتی

۲۹ ژانویه ۱۹۸۷

عالیجناب دانیل ک. اینویه

رئیس کمیته منتخب برای کمک محرمانه نظامی

به ایران و مخالفان نیکاراگوئه

سنای ایالات متحده

واشنگتن دی. سی. ۲۰۵۱۰

دک عزیز،

به دنبال قطعنامه ۲۳ سنا، به وسیله کمیته ویژه مسائل امنیتی گزارشی به پیوست ارائه می‌شود که چکیده‌ی است از نتایج تحقیقات مقدماتی ما درباره فروش اسلحه به ایران و انحراف احتمالی پول آن به سوی شورشیان. در چارچوب قطعنامه ۲۳ سنا، اطلاعاتی که کمیته در دوران انجام تحقیقات به دست آورده، در گزارش به صورت روایت آمده و زمینه‌هایی که به عقیده کمیته می‌بایست جزو تحقیقاتی باشد که کمیته ویژه دنبال کند، مشخص شده است.

با انتقال این گزارش به کمیته، مایلیم هدفهای محدود این کمیته را با شما در میان بگذاریم و به اختصار بگوییم که کمیته اطلاعاتی تحقیقات خود را که مبنای این گزارش است، چگونه انجام داد و ما، از نظر گردآوری اطلاعات مربوطه، در چه وضعی قرار داریم.

در آغاز باید تأکید کرد که این بررسی توسط کمیته اطلاعاتی، هم از نظر زمینه و هم از نظر زمانی الزاماً دارای محدودیت بود. هدف یا مأموریت کمیته اطلاعاتی در این دوره مقدماتی، هرگز رسیدن به تحقیقات قطعی در این موضوع پیچیده نبوده است، بلکه کمیته اطلاعاتی تحقیقات خود را پیرو مسئولیتی که برای نظارت بر فعالیتهای اطلاعاتی کشور به او محول شده بود، به عهده گرفت. به علاوه ما کوشیدیم بیشترین اطلاعات ممکن را تا هنوز خاطره‌ها تازه هستند گرد آوریم و بیشترین اسناد ممکن و مناسب را برای تحقیقات جامع آینده، در یک جا جمع کنیم. اضافه بر آن ما امیدوار بودیم که کمیته جدید با کمک این کار مقدماتی بتواند مأموریت خود را هر چه زودتر به انجام برساند، زیرا زمینه این کار آماده شده است. به اعتقاد ما کمیته اطلاعاتی به رسیدن در این هدف موفق بوده است.

با تمام خواسته‌ها و هدفهای در نظر گرفته شده، کمیته تحقیقاتش را روز اول دسامبر با صدور احضاریه‌هایی برای ۱۵ شخصیت حقیقی و حقوقی و نیز

دعوت‌نامه‌هایی برای حضور [در جلسات] شروع کرد و در ۱۸ دسامبر به نتیجه‌گیری در مورد اطلاعات جمع‌آوری شده رسید.

در طول این مدت کمیته شهادت ۳۶ شاهد عینی را شنید و هزاران برگ سند به دست آورد. جا دادن جزئیات اسناد و اطلاعات دریافت شده در گزارش، به دلیل کمبود وقت و منابع، غیرممکن بود، با این حال، تمام اطلاعات دریافت شده، از جمله اطلاعات دیگری که پس از ۱۸ دسامبر به دست ما رسید، همراه با گزارش، ارسال می‌شود.

با وجود حجم زیاد اسناد و شهادتهایی که توسط کمیته در طول مدت تحقیقات دریافت شد، کار کمیته ما به چند دلیل، در وهله اول کمبود وقتی که در بالا به آن اشاره شد، یک کار مقدماتی شمرده می‌شود. اول، تعدادی از شاهدان عینی بالقوه قابل استفاده را کمیته نمی‌توانست احضار کند، یا این که در خارج کشور بودند و در نتیجه نمی‌توانستند شهادت بدهند. دوم، با وجود آن که در مجموع ۳۶ شاهد در مقابل کمیته ظاهر شدند، شاهدان کلیدی هم‌چون دریابان جان پویندکستر، سرهنگ دوم الیور نورث، سرلشکر بازنشسته سکورد، سرهنگ بازنشسته رابرت داتن و سرهنگ رابرت اِرل با استفاده از حقوق خود در قانون اساسی از ادای شهادت خودداری کردند. ویلیام کیسی، رئیس سنا، در مقابل کمیته ظاهر شد، منتها قبل از آغاز تحقیقات و قبل از اطلاع مردم یا کمیته از ابعاد وسیع این ماجرا و قبل از بیماری تأسف‌آور او. در نتیجه گواهی وی نوعاً کلی بوده و به قید سوگند نبوده است. سوم، به علت کمبود وقت، شاهدانی که در مقابل کمیته حاضر شدند، قبلاً مورد مصاحبه قرار نگرفته بودند. واضح است که این امر راه یک بررسی جامع را، به لحاظ اصول تحقیقاتی مسدود کرد. طبق هدفهای کمیته، به هنگام شهادت شاهدان، بازجویی برای جمع‌آوری اطلاعات انجام می‌شد، برای روبه‌روکردن و پیگرد قانونی. چهارم، شاهدان عینی پس از احضار اولیه، برای بازجویی مجدد در رابطه با اطلاعات کسب شده توسط کمیته، فرا خوانده نشدند، جز در دو مورد. البته همه اطلاعات یا اسناد به دست آمده از این نوع، در این مجموعه، که برای کمیته ویژه جدید فرستاده می‌شود، آمده است. پنجم، باز طبق هدفهای کمیته در جمع‌آوری اطلاعات، تعداد احضاریه‌ها محدود بود. در نتیجه امکان دارد اسناد قابل استفاده‌ی برای شما وجود داشته باشند که ما به دست نیاورده‌ایم. با آن که اعضای کمیته بخش اعظم اسنادی را که کمیته دریافت کرده بود، از جمله تمام اسناد به دست آمده از منابع غیردولتی، مرور کردند، کمبود وقت مانع از نتیجه‌گیری تفصیلی از تمام اسنادی شد که از منابع غیردولتی دریافت شده بود. و در آخر همان طور که در بالا یادآوری شد، پس از پایان دوره جمع‌آوری ادله، اطلاعات تازه‌ی ظاهر شد که این کمیته نتوانست به آن بپردازد، زیرا می‌بایست این گزارش را به موقع برای کمیته جدید حاضر کند. از جمله آنها اطلاعاتی است که از طریق رسانه‌ها گزارش شده است و نیز اطلاعات موجود در اسنادی که در جواب به احضاریه‌های ما هنوز به کمیته اطلاعات می‌رسد. نظر ما این بود که اکنون که به کمیته ویژه جدید مسئولیت

شهادتهایی که ما جمع‌آوری کرده‌ایم و امید و اعتقاد ما این است که این گزارش، در کنار اسناد و شهادتهایی که به پیوست ارسال شده است، برای اعضای کمیته شما هنگام شروع کار، ابزار مناسبی خواهد بود.

دیوید ل. بورن، رئیس
ویلیام سی. کوهن، نایب‌رئیس

همه‌جانبه برای تحقیق داده شده است، به جای آن که کمیته جدید را مقید به نتیجه‌گیری از کار کمیته اطلاعاتی کنیم، باید به انتقال اطلاعات موجود به کمیته جدید اکتفا کنیم.

همان طور که در بالا اشاره شد، این کمیته شهادت ۳۶ شاهد عینی را شنید و هزاران صفحه سند از منابع دولتی و غیردولتی گردآوری کرد. شهادت شاهدان عینی در مقابل ما پشت درهای بسته و فقط در مقابل سناتورهای و معدودی از کارمندان کمیته انجام شد. برای جلوگیری از تبانی یا هماهنگی قبلی در شهادت، کمیته با دقت شاهدان عینی را از یکدیگر جدا نگاه داشت. باز هم هدف ما این بود که برای هر نوع تحقیق در آینده، سابقه امر را مصون نگاه داریم.

در مورد خود گزارش، کوشیدیم اطلاعات دریافت‌شده توسط کمیته را به صورت عینی، بدون اظهار نظر ارائه دهیم. ما معتقدیم این کار لازم است زیرا هر نوع نتیجه‌گیری براساس گردآوری اطلاعاتی با چنین محدودیت ذاتی، الزاماً نارس خواهد بود. در نتیجه این گزارش، می‌خواهد فقط بیان دقیق و منصفانه اطلاعاتی که به ما داده شده است، باشد. هر جا که در مورد رویدادها یا تصمیم‌گیریهای مشخص، اختلافاتی در شهادتها وجود دارد و هر جا گسستگی اطلاعاتی هست و ما متوجه آن شده‌ایم، سعی کرده‌ایم به آن اشاره کنیم. کاملاً روشن است که از این رسیدگی مقدماتی نمی‌توان پاسخ نهایی به سؤالات اساسی را گرفت که کمیته ویژه جدید با آن روبروست.

از آن جا که پیش‌نویسها و گزارشهای اولیه اعضا، که به تأیید کمیته اطلاعاتی نرسیده بود، مورد توجه زیادی قرار گرفت، مایلیم به اختصار اشاره کنیم که چرا این گزارش به وسیله کمیته پذیرفته شده است. اول، کمیته معتقد است که گزارشی که ارائه می‌دهد باید در وهله نخست، خلاصه اطلاعاتی باشد که ما جمع‌آوری کرده‌ایم و به دلیل ماهیت مقدماتیش نمی‌توانسته است به نتیجه‌گیری مناسب برسد، جز این که اختلافها و گسستگیهای اطلاعاتی را متذکر شود و پهنه تحقیقاتی را که ممکن است در آینده مورد توجه کمیته شما قرار گیرد شناسایی کند. ما بر این باوریم که این گزارش به چنین هدفی رسیده است.

دوم، از ۶ ژانویه، شهادت دوازده شاهد عینی رونویسی شده و برای تهیه این گزارش در دسترس قرار گرفته است و هزاران برگ اسناد که قبلاً طبقه‌بندی و بررسی نشده بود اینک تجزیه و تحلیل شده است. بیشتر این اطلاعات تغییر معتناهایی در استحکام گزارش به وجود نمی‌آورند، اما البته برخی از آنها قابل استفاده‌اند. اگر پاره‌یی از این اسناد که در اختیار ما بودند، قبل از تحویل گزارش بررسی و تجزیه و تحلیل نشده بودند، این غفلت می‌توانست به اعتبار کار کمیسیون لطمه بزند.

آن چه ما به شما عرضه می‌کنیم، همان طور که گفتیم، جبراً هنوز ناکامل است. در عین حال معتقدیم که این گزارش براساس اطلاعاتی که در اختیار ما قرار گرفت، در حد ممکن کامل و استوار است. این گزارش توصیفی است از جوهر بیشتر اسناد و

اقدام در مورد ایران

خاستگاهها

تحقیقات کمیته حاکی از آن است که اقدام در مورد ایران از به هم پیوستن چند عامل، از جمله عوامل زیر، سرچشمه گرفت.

۱ - ارزیابی مجدد سیاست ایالات متحده در قبال ایران توسط شورای امنیت ملی، در اواخر سال ۱۹۸۴، با تأکید خاص بر ایجاد روابط سازنده با عناصر میانه‌رو در ایران،

۲ - نگرانی عمیق در بالاترین سطوح دولتی آمریکا درباره سرنوشت شهروندان آمریکایی که در لبنان گروگان گرفته شده‌اند،

۳ - علاقه شدید و مداوم اسرائیل به گسترش تماس با ایران،

۴ - فعالیتهای طرفهای خصوصی، از جمله دلالان بین‌المللی اسلحه و دیگران.

ارزیابی مجدد سیاست آمریکا

ارزیابی رسمی و مجدد سیاست ایالات متحده نسبت به ایران در اواخر سال ۱۹۸۴، هنگامی که شورای امنیت ملی رهنمود جهت امنیت ملی را صادر نمود، آغاز شد. یکی از مقامهای شورای امنیت ملی در ارزیابی مجدد این سیاست شرکت داشت، شهادت داد که وی از عدم حساسیت دستگاه اداری در پاسخ به این رهنمود و از فقدان هرگونه توصیه برای تغییر سیاست دل‌سرد شده است.

در ماه مه ۱۹۸۵، یک صاحب‌منصب اطلاعات ملی سیا که مسئولیت بخش خاورمیانه را به عهده داشت، یادداشتی در ۵ صفحه تهیه و به شورای امنیت ملی و وزارت خارجه ارسال نمود و در آن استدلال کرد که ضرورت دارد تغییری در سیاست آمریکا، جهت ایجاد روابط سازنده‌تری با رهبران ایران که خواهان بهبود روابط با غرب هستند، ایجاد شود. در این نوشته استدلال شده بود که ایالات متحده می‌تواند به متحدان خود اجازه دهد که، با فروش جنگ‌افزار به ایران، راه دیگری جهت نفوذ غرب در ایران پیدا کنند و بدین‌وسیله بتوانند نفوذ فزاینده شوروی را در ایران سد کنند. ظاهراً با توسل به این استدلال، دو تن از اعضای شورای امنیت ملی یادداشتی با عنوان «رهنمود تصمیمهای شورای امنیت، ملی» (N.S.D.D) تدوین کردند که در آن ایجاد دگرگونی در سیاست ایالات متحده نسبت به ایران پیشنهاد شده بود. در این نوشته، که جو سیاسی داخلی ایران را به‌طرز فزاینده‌یی بی‌ثبات توصیف می‌نمود و آن را در معرض تهدید اهداف منطقه‌یی شوروی جلوه می‌داد، گفته شده بوده ایالات متحده مجبور است دست به ابتکارهای کوتاه مدت و

مقدمه

در پاسخ گزارشهای خصوصی و عمومی و بنا بر وظیفه و مسئولیت نظارت بر فعالیتهای اطلاعاتی کشور، کمیته منتخب مجلس سنا در امور اطلاعاتی، در دسامبر ۱۹۸۶، تحقیقات مقدماتی خود را در مورد فروش تسلیحات به ایران و انتقال احتمالی پول آن به نیروهای کنتررا آغاز نمود. هدف کمیته انجام تحقیقات همه‌جانبه درباره این مسأله پیچیده نبود، بلکه کمیته تنها می‌خواست بیشترین اطلاعات ممکن و نیز محفوظات ذهنی افراد را جمع‌آوری کند و بیشترین اسناد ممکن را یک جا گرد آورد.

به این ترتیب کمیته به دو هدف نائل آمد. نخست، این کمیته اطلاعات بسیاری به‌دست آورد که در آینده، در ادامه وظیفه نظارت بر فعالیتهای اطلاعاتی بی‌نهایت سودمند خواهد بود. دوم، اسناد و شهادتهای مزبور طوری جمع‌آوری و حفظ شده است که کمیته منتخب در امر کمکه‌های سری نظامی به ایران و مخالفان نیکاراگوئه را در ادامه وظیفه تحقیقاتیش کمک بسیار خواهد کرد. در نتیجه با پشت‌سرگذاشتن سریع مراحل مقدماتی، تحقیقات کمیته منتخب خواهد توانست زمان قابل‌توجهی صرفه‌جویی کند و به همان نسبت حقایق را سریعتر در معرض افکار عمومی آمریکا قرار دهد.

همانگ با این اهداف دوگانه و بنا بر قطعنامه ۲۳ سنا (مصوب کنگره صدم) این گزارش شامل دو قسمت است. قسمت اول شامل خلاصه اطلاعاتی است که در طول تحقیقات به کمیته داده شده و به نظر کمیته به مضمون قطعنامه شماره ۲۳ ارتباط دارد. از آن جا که جمع‌آوری اطلاعات توسط کمیته تنها ۱۸ روز طول کشید، این خلاصه الزاماً کامل نیست و هدف آن تنها ارائه چارچوب زمانی حوادثی است که در اسناد و شهادتهایی که کمیته گرد آورده، آمده است. در قسمت دوم، و باز همانگ با قطعنامه شماره ۲۳، به مسائل پاسخ داده نشده‌یی پرداخته می‌شود که این کمیته دنبال‌کردن آنها را به کمیته منتخب توصیه می‌کند.

بلندمدت بزند و، از جمله، تأمین تجهیزات خاص نظامی را، به منظور افزایش نفوذ غرب در ایران و کاهش نفوذ شوروی، تقبل نماید.

رابرت مکفارلن، مشاور امنیت ملی، در ۱۷ ژوئن ۱۹۸۵ پیش‌نویس رهنمود فوق را برای اظهارنظر، برای شولتز و واینبرگر فرستاد. اسناد روزانه وزارت خارجه و گواهی شولتز حاکی از آن است که وی در تاریخ ۲۹ ژوئن به‌طور کتبی اظهار داشت که سیاست پیشنهاد شده «انحرافی» و «خلاف منافع ماست». واینبرگر در حاشیه این یادداشت نظر خود را چنین نوشت: «این پیشنهاد تقریباً احمقانه‌تر از آن است که درباره آن اظهارنظر شود». بنا بر گواهی واینبرگر و نیز شهادت آرمیتاژ، معاون وزارت دفاع، واینبرگر کتباً مخالفت خود را با چنین معاملاتی ابراز داشت.

عامل گروگانها

شهادتهایی که توسط تنی چند از بلندپایگان دولتی ارائه شده، حاکی از آن است که طی سال ۱۹۸۵، دولت به‌طور منظم و مستمر سرگرم مسائل مربوط به تروریسم و وضع گروگانهای آمریکایی، هم در مراحل اولیه ایجاد تماسها و هم در سراسر طول این برنامه، است. در میان گروگانها از جمله می‌توان از ویلیام باکلی، یکی از مقامهای آمریکایی در لبنان، نام برد. بنا بر اطلاعاتی که به‌دست آمده، در اواخر سال ۱۹۸۵ سوری‌ها به آقای ورنان والترز، سفیر آمریکا، اطلاع دادند که ربایندگان ایرانی باکلی وی را شکنجه کرده و به قتل رسانده‌اند. این گزارشها حاکی از آن است که این اطلاعات بلافاصله به اطلاع جرج بوش، معاون رئیس‌جمهوری، رسانده شد و وی آنها را بسیار ناراحت‌کننده خواند. احتمال آزاد ساختن گروگانهای آمریکایی در رابطه با این برنامه بارها مطرح گردیده است.

منافع اسرائیل

بنا بر اسناد و شواهد موجود که به‌دست کمیته رسیده است، اسرائیل علاقه شدیدی به ایجاد تماس با ایران نشان می‌داد و ظاهراً، برای تحکیم منافع خود، بارها اجازه داده بود به ایران سلاح فروخته شود. در یک سلسله تحقیقات اطلاعاتی در سالهای ۱۹۸۴ و ۱۹۸۵، به بررسی و شرح منافع اسرائیل در ایران پرداخته شده است. در این تحقیقات همچنین گزارشهایی مبنی بر ارسال جنگافزار غیرآمریکایی توسط اسرائیل به ایران و نیز استفاده از دلالات اسرائیلی، حتی در سال ۱۹۸۲، جهت معاملات خصوصی برای خرید جنگافزار آمریکایی، وجود دارد. جان پویندکستر، مشاور امنیت ملی در مصاحبه‌ای با رئیس و معاون کمیته در ۲۱ نوامبر ۱۹۸۶، علاقه اسرائیل را کم و بیش به همین ترتیب توصیف کرده است.

مکفارلن شهادت داد که سازمان سیا هرگز به وی اطلاع نداد که اسرائیل در سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۵ در چنین فعالیتهایی شرکت داشته است. در واقع مکفارلن،

بر اثر گزارش اخبار چنین فعالیتهایی از سوی اسرائیل به خود آمده بود، از سیا و دی.سی.آی چندین بار به‌طور مشخص پرسیده بود که آیا این اخبار صحت دارد یا خیر. به وی گفته شده بود که اخبار مزبور صحت ندارد. مکفارلن گواهی داد که اگر وی می‌دانست که اسرائیلیها قبلاً به ایران جنگافزار ارسال داشته‌اند، در مورد پیشنهادهای بعدی اسرائیل جهت از سرگرفتن ارسال جنگافزار به ایران، تمایل کمتری نشان می‌داد. لیکن وی اظهار داشت که در نخستین تلگرام خود به شولتز در این باره تأکید کرده که برای وی روشن است که کانال ارتباطی اسرائیل با ایران از مدتها پیش باز بوده است. یکی از اعضای شورای امنیت ملی که پیش‌نویس طرح شورای امنیت ملی، را تهیه کرده است، شهادت داد که وی از ادعاهای مبنی بر فروش جنگافزار توسط اسرائیل به ایران اطلاع داشت، اما به آن گزارشها اهمیت چندانی نمی‌داد. زیرا، به نظر وی، این گزارشها فاقد شواهد قانع‌کننده بود و گذشته از این شیمون پرز، نخست‌وزیر اسرائیل، به ایالات متحده اطمینان داده بود که چنین معاملاتی صورت نگرفته است.

طرفهای خصوصی

اسناد و شهادتها حاکی از آن است که عدنان خشوجی و دیگر دلالتان بین‌المللی اسلحه، از جمله منوچهر قربانیفر، علاقمند بودند که ایالات متحده را در معامله اسلحه با ایران وارد کنند و این موضوع را طی سلسله ملاقاتهایی که در اوایل تابستان ۱۹۸۴ شروع شد و تا اوایل ۱۹۸۵ ادامه داشت، مورد بحث قرار داده بودند. ظاهراً این مذاکرات فکر «فروش جنگافزار در مقابل آزادی گروگانها» را نیز، به‌عنوان وسیله‌ای جهت اثبات حسن‌نیت هر دو کشور، در برمی‌گرفت. بنا به گزارشهای موجود، خشوجی، در همین دوره، با رهبران مختلف خاورمیانه نیز دیدار کرد تا سیاستی را که می‌بایست نسبت به ایران در پیش گرفت، مورد بحث و بررسی قرار دهد.

در ژوئیه سال ۱۹۸۵ خشوجی گزارش بلندی برای مکفارلن فرستاد که در آن به بررسی اوضاع سیاسی ایران پرداخته بود. مکفارلن در شهادت خود اظهار داشت که به یاد نمی‌آورد این گزارش را دیده باشد، اما اضافه کرد که قبلاً نیز خشوجی «اظهارنظر»هایی درباره خاورمیانه برای وی ارسال داشته بود. یکی از اعضای شورای امنیت ملی گواهی داد که مکفارلن گزارش خشوجی را به یکی دیگر از کارمندان شورای امنیت ملی داده بود. مایکل لدین، استاد دانشگاه جرج تاون و مشاور نیمه وقت شورای امنیت ملی از فوریه ۱۹۸۵، در تماسهای اولیه میان آمریکا و اسرائیل در مورد ایران ظاهراً نقشی کلیدی داشته است. بنا به گفته لدین، زمانی که وی، در ماه آوریل ۱۹۸۵، در سفر اروپا بود، با یکی از مقامهای اطلاعاتی اروپایی که تازه از ایران بازگشته بود، صحبت کرد. مقام امنیتی مزبور اوضاع داخلی ایران را سیال‌تر از آن توصیف می‌کرد که قبلاً تصور می‌شد و توصیه می‌کرد که زمان آن رسیده

است که ایالات متحده نگاه تازه‌یی به ایران بیندازد. به گفته او ایالات متحده می‌بایست این مسأله را با اسرائیلیان، که به نظر او از مسائل ایران به‌طور بسیار دقیق اطلاع دارند، مورد بررسی قرار دهد.

طبق شهادت مک‌فارلن، لدین درباره سفر آینده خود به اسرائیل با او مشورت کرد و از او پرسید که آیا مایل است بداند که اسرائیل رابطی با ایران دارد یا خیر. مک‌فارلن شهادت داد که به این سؤال پاسخ مثبت داده است. وی همچنین تأکید کرد که از دوستی میان لدین و شیمون پرز، نخست‌وزیر اسرائیل، نیز اطلاع داشته است. لدین گواهی داد که در ماه آوریل ۱۹۸۵، درباره امکان ایجاد تماس با ایران از طریق دولت اسرائیل با مک‌فارلن صحبت کرده و مک‌فارلن اظهار موافقت کرده بود و به‌ویژه از او خواسته بود که نظر اسرائیل را درباره مبارزه با تروریسم ایران جویا شود. بنا به گفته لدین، وی در تاریخ ۵-۴ ماه مه ۱۹۸۵ به اسرائیل سفر کرد و اوضاع ایران را با شیمون پرز مورد بررسی قرار داد. شیمون پرز لدین را به یکی از مقامهای بازنشسته اطلاعاتی اسرائیل ارجاع داد و مقام مزبور نیز با لدین موافق بود که هر دو کشور برای بهتر شناختن ایران نیاز به اشتراک مساعی دارند. لدین گواهی داد که در نیمه ماه مه گفتگوهای خود را در اسرائیل، به اطلاع مک‌فارلن رساند و به‌دنبال آن مک‌فارلن ترتیبی داد تا دستگاه اطلاعاتی گزارشی تحت عنوان ارزیابی ویژه اطلاعات ملی درباره ایران تدوین کند.

در این میان شولتز، وزیر خارجه، از فعالیتهای لدین آگاهی یافت و در پیامی به تاریخ ۵ ژوئن، نزد مک‌فارلن گله کرد که تماسهای ادوین با اسرائیل خارج از مجرای وزارت خارجه انجام گرفته است. شولتز همچنین متوجه شد که دستورکار اسرائیل در مورد ایران با «برنامه ما یکی نیست» و رابطه اطلاعاتی با اسرائیل درباره ایران «می‌تواند درک و تحلیل ما را از صحنه سیاسی ایران به کلی منحرف کند». وی اضافه کرد که «ما علاقمندیم بدانیم اسرائیل درباره ایران چگونه فکر می‌کند، اما باید نظر آنها را متعصبانه تلقی کنیم» و چنین نتیجه‌گیری کرد که «این ابتکار در صورتی که به سرعت تصحیح نشود، نطفه... خطاهای جدی را در بر دارد». در تاریخ ۷ ژوئن مک‌فارلن طی تلگرامی جواب داد که لدین در مورد ایران «خودسرانه» عمل می‌کند. درباره تلاش برای ایجاد تماس با ایران مک‌فارلن اظهار داشت که این اقدامات را به کلی متوقف خواهم کرد، ولی اضافه کرد که «اما هنوز متقاعد نشده‌ام که این اقدام عاقلانه باشد».

در تاریخ ۱۴ ژوئن ۱۹۸۵ هواپیمای تی.دبلیو.ای، پرواز شماره ۸۴۷ ربوده شد. بنا به شهادت دونالد ریگان، رئیس پرسنل کاخ سفید، مک‌فارلن ضمن توضیحات خود به ریاست‌جمهوری، به احتمال استفاده از کانال ارتباطی اسرائیل با ایران، برای آزادی هواپیمای مزبور اشاره کرد. ریگان اظهار داشت که این نخستین باری بود که وی از چنین تماسهایی اطلاع پیدا می‌کرد.

بنا به شهادت مک‌فارلن در تاریخ ۳ ژوئیه ۱۹۸۵، دیوید کیمشه، مدیرکل وزارت خارجه اسرائیل و یکی از مقامهای سابق اطلاعاتی، با مک‌فارلن تماس گرفت و

به وی اطلاع داد که اسرائیل موفق شده است راه گفتگو با ایران را باز کند. کیمشه اظهار داشت که مقامهای ایرانی، در نتیجه نگرانیهای فزاینده ناشی از فشار شورویها، از اسرائیل خواسته‌اند روشن سازد که آیا ایالات متحده علاقه‌یی به آغاز مذاکرات سیاسی با ایران دارد یا خیر. بنا به گفته مک‌فارلن، کیمشه اظهار داشت که مقامهای ایرانی از نگرانی آمریکاییان درباره مشروعیت خود آگاهند و این نگرانی را درک می‌کنند؛ به همین جهت پیشنهاد کرده بودند از نفوذ خود بر عناصر تندرویی که آمریکاییان را در لبنان در اختیار دارند استفاده کنند. هر چند تقاضای مشخصی برای خرید اسلحه از جانب ایرانیان مطرح نشد، اما کیمشه اعتراف کرد که ممکن است ایرانیان در آینده مسأله تسلیحات را نیز مطرح نمایند.

مک‌فارلن در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۵، طی تلگرامی به شولتز، اظهار داشت که پیشنهاد مزبور چند هفته قبل نیز توسط شیمون پرز، به لدین ارائه شده بود. مک‌فارلن در این تلگرام اظهار داشت که به لدین دستور داده بود که بگوید ما علاقه چندانی به این اقدامات نداریم. مک‌فارلن همچنین اضافه کرد که کیمشه، که به دستور شیمون پرز برای تحقیق درباره عدم تمایل ایالات متحده به دنبال‌کردن این ابتکار به آمریکا آمده بود، از مک‌فارلن خواست این پیشنهاد را با مقامهای مسئول مورد بررسی قرار دهد. سپس در تاریخ ۱۴ ژوئیه، «یک نماینده خصوصی» از جانب شیمون پرز، برای پافشاری درباره پیشنهاد مزبور به آمریکا آمد.

مک‌فارلن جنبه‌های مثبت و منفی پیشنهاد کیمشه را برای شولتز مطرح کرد و ارزیابی مثبتی از رابط ایرانی، براساس اعتماد به رابطان اسرائیلی خود، ارائه داد. بالاخره، وی اظهار داشت که در کوتاه مدت ممکن است ۷ گروهان آزاد شوند. و به همین جهت وی در نظر دارد این تماسها را دنبال کند.

همان روز شولتز، در تلگرامی در پاسخ مک‌فارلن، اظهار داشت که ایالات متحده باید به‌طور غیرمستقیم علاقه خود را به این موضوع نشان دهد، بدون این که هیچ‌گونه تعهدی تقبل نماید و به‌طور جدی به فکر ایجاد روابط خصوصی میان ایران و آمریکا باشد. شولتز همچنین اظهار داشت که مک‌فارلن باید خود این ابتکار را به‌دست گیرد و در همان حال به اسرائیلیها اطلاع دهد که مک‌فارلن و شولتز در هر مرحله، در رابطه نزدیک و اتفاق‌نظر کامل قرار خواهند داشت.

مک‌فارلن گواهی داد که در تاریخ ۱۳ یا ۱۴ ژوئیه ۱۹۸۵ در بیمارستان با رئیس‌جمهوری ملاقات کرد. بنا به شهادت دونالد ریگان، وی نیز در این دیدار شرکت داشت و این جلسه احتمالاً سه روز بعد از عمل جراحی رئیس‌جمهوری صورت گرفت (۱۶ یا ۱۷ ژوئیه). ریگان همچنین اظهار داشت که در این جلسه، مک‌فارلن، برای استفاده از یک رابط اسرائیلی و یک رابط ایرانی برای دستیابی به مقامهای بلندپایه در ایران، خواستار اجازه رئیس‌جمهوری گردید. مک‌فارلن درباره جزئیات این طرح به‌طور مبهم صحبت کرد و بعد از آن، رئیس‌جمهوری درباره اعتماد وی به قربانیفر، رابط ایرانی، پرسشهایی کرد. دونالد ریگان گواهی داد که مک‌فارلن، براساس اعتماد اسرائیلیها به قربانیفر، از وی دفاع کرد؛ در نتیجه رئیس‌جمهوری به

مکفارلن اختیار داد که این کانال را مورد بررسی بیشتر قرار دهد. دونالد ریگان شهادت داد که نظر خود وی این بود که آزادی گروگانها می‌تواند نتیجه مثبت آغاز رابطه برای هر دو طرف باشد.

مکفارلن گواهی داد که طرحی که وی به پرزیدنت ریگان ارائه داد اساساً همان طرح پیشنهادی دیوید کیمشه بود. مکفارلن اظهار داشت که به رئیس‌جمهوری گفته بود که اگر بعدها مسأله تسلیحات نیز وارد این معامله شود، شخصاً تعجب نخواهد کرد. بنا به گفته وی، رئیس‌جمهوری در مورد گشوده شدن راهی برای تجدید روابط شوروشوق نشان می‌داد و امید داشت که این امر به آزادی گروگانها بینجامد و به همین جهت به مکفارلن اختیار داد که این طرح را مورد بررسی بیشتر قرار دهد. مکفارلن در شهادت خود، هرگونه صحبتی را با رئیس‌جمهوری درباره قربانیفر، بی‌چون و چرا انکار کرد و به یاد آورد که تنها در ماه دسامبر بود که از هویت قربانیفر مطلع شد. باید توجه داشت که مکفارلن در تلگرام ۱۴ ژوئیه خود به شولتز، در توضیح پیشنهاد خود، از قربانیفر نیز نام برده است. مکفارلن، در توضیح درباره تماس خود با فرستاده شیمون پروز و دیوید کیمشه اظهار داشت که مقامهای ایرانی که در چارچوب این پیشنهاد از آنها نام برده شد، عبارت بودند از یک آیت‌الله، و «یک مشاور نخست‌وزیر به نام قربانیفر».

در عین حال، بنا به شهادت لدین، وی در اوایل ماه ژوئیه توسط کیمشه فرا خوانده شد. کیمشه اظهار داشت که یکی از دوستانش، به نام ال‌شوئیمر، به واشنگتن می‌آید و مایل است با او [لدین] دیدار کند. لدین گواهی داد که با شوئیمر در اوایل ماه ژوئیه ملاقات کرد. شوئیمر در این دیدار از جلسهای یاد کرد که یکی دو هفته قبل در اروپا، با شرکت کیمشه، خشوچی و قربانیفر تشکیل شده بود. شوئیمر گفت که قربانیفر اطلاعات بسیار مفیدی درباره اوضاع ایران دارد و بهتر است لدین هر چه زودتر با وی ملاقات کند.

بنا به اظهارات لدین، وی دیدار خود با شوئیمر را به مکفارلن گزارش کرد. لدین به مکفارلن گفت که از اواسط ژوئیه تا اواسط اوت، برای گذراندن تعطیلات، به اسرائیل خواهد رفت و در صورتی که مکفارلن صلاح بداند با قربانیفر ملاقات خواهد کرد. لدین گواهی داد که مکفارلن موافقت کرد.

لدین در اواخر ژوئیه، در اسرائیل، با قربانیفر دیدار کرد. کیمشه، شوئیمر و یعقوب نیمروودی، دلال اسلحه و وابسته سابق نظامی اسرائیل در تهران، نیز در این دیدار حضور داشتند. در این ملاقات قربانیفر اطلاعاتی ارائه داد که لدین آن را «فراوان» توصیف کرد. لدین شهادت داد که قربانیفر گفت که اگر روابط میان ایران و ایالات متحده قرار است بهبود یابد، هر یک از دو طرف باید علانم روشنی درباره جدی بودن خود نشان دهد و علامت ایران می‌تواند آزادکردن گروگانهای آمریکایی در لبنان (مشخصاً از ویلیام باکلی مقام دولتی نام برده شد)، و نیز توقف یا کاهش فعالیتهای تروریستی تحت حمایت ایران باشد. بنا به اظهارات لدین، قربانیفر اظهار داشت که تنها حرکت قانع‌کننده از سوی ایالات متحده، کمک به ایران جهت خرید

تسلیحاتی است که در غیر این صورت نمی‌تواند تهیه کند. بنا بر اسنادی که به کمیته رسیده است، در تاریخ ۳۰ ژوئیه، کیمشه به مکفارلن تلفن کرد تا قرار ملاقاتی برای ماه اوت بگذارد. طبق شهادت شولتز، کیمشه و مکفارلن در اوایل ماه اوت ۱۹۸۵ دیدار کردند. در این دیدار کیمشه اظهار داشت که ایرانیان نه فقط خواهان «گفتگو با ایالات متحده» هستند بلکه تقاضای اسلحه از آمریکا و نیز موشکهای ضدتانک تاو از اسرائیل هم دارند. در عوض ایرانیان می‌توانند گروگانها را آزاد کنند.

ارسال موشکهای تاو در ماه اوت — سپتامبر

در تاریخ ۸ اوت ۱۹۸۵، در جلسه گروه برنامه‌ریزی شورای امنیت ملی در محل کاخ سفید، مکفارلن و پویندکستر، پیشنهاد کیمشه در مورد فروش موشکهای ضدتانک تاو از طریق اسرائیل به ایران را به اطلاع رئیس‌جمهوری، معاون رئیس‌جمهوری، شولتز، واینبرگر، دونالد ریگان و کیسی رساندند. درباره این که ارسال اسلحه توسط اسرائیل به ایران، در این جلسه یا در جلسات بعدی مورد تأیید قرار گرفته باشد، اختلاف نظر وجود دارد. همچنین شهادتهای متناقضی درباره شرکت‌کنندگانی که از این پیشنهاد حمایت می‌کردند، وجود دارد. اما مخالفت شولتز و واینبرگر با این طرح روشن است. بنا به شهادت دونالد ریگان، رئیس‌جمهوری به علت روشن نبودن سوابق قربانیفر و نفوذ وی در ایران از تأیید فروش موشکهای تاو خودداری نمود. ریگان اظهار داشت که دیگر شرکت‌کنندگان در جلسه نیز توافق کردند که هنوز وقت درگیر شدن در امر فروش اسلحه نرسیده است. از طرف دیگر مکفارلن شهادت داد که در جلسه ماه اوت از قربانیفر نام برده شده بود. شولتز، در مصاحبه‌یی در ماه نوامبر ۱۹۸۶ درباره تحقیقات دادستان کل،

«به‌طور مبهم به خاطر آورد» که در ماه اوت جلسهای در کاخ سفید در مورد ارسال موشکهای تاو توسط اسرائیل به ایران تشکیل شد. در عین حال شولتز در شهادت خود در برابر این کمیته در ماه دسامبر، اظهار داشت که در تاریخ ۶ اوت ۱۹۸۵ در جلسهای شرکت کرد که در آن مکفارلن تقاضای اسرائیل را در مورد جایگزینی موشکهای تاوی که پیشنهاد شده بود که اسرائیل به ایران بفرستد، به اطلاع رئیس‌جمهوری رساند. در عوض، بنا به گفته شولتز، قرار بود آمریکا چهار گروگان را پس بگیرد، وگرنه کل این معامله منتفی باشد. شولتز اظهار داشت که وی با این پیشنهاد مخالفت کرد اما رئیس‌جمهوری هم در این باره تصمیمی اتخاذ ننمود. بنا به شهادت مکفارلن، کیسی، دونالد ریگان و بوش از ارسال جنگ‌افزار به ایران حمایت می‌کردند در صورتی که شولتز و واینبرگر با این پیشنهاد مخالف بودند. مکفارلن شهادت داد که پس از این جلسه، رئیس‌جمهوری تقاضای اسرائیل جهت ارسال جنگ‌افزار به ایران و خرید جنگ‌افزار جایگزین از آمریکا را تأیید نمود. تأیید رئیس‌جمهوری مشروط به این بود که ارسال اسلحه تروریسم را گسترش ندهد

هفته دوم سپتامبر و در سالگرد انقلاب ایران، رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر در سخنرانی‌های شورویها را مورد حمله قرار دادند، اما از آمریکا نامی نیاوردند. لدین این اقدام را «هماهنگ با پیش‌بینی قربانیفر» تعبیر نمود.

طبق اظهارات یکی از تحلیلگران ارشد سیا، لدین، در اوایل ماه سپتامبر ۱۹۸۵، اطلاعاتی درباره عملیات تروریستی حمایت شده از سوی ایران و نیز درباره قربانیفر در اختیار او قرار داد. بنا به اظهارات این تحلیلگر این نخستین بار بود که لدین، قربانیفر را به نام سیا معرفی می‌کرد. طبق شهادتهای لدین مسأله حسن‌نیت داشتن قربانیفر نخستین بار در سپتامبر ۱۹۸۵ مطرح شد. لیکن شولتز گواهی داد که وی در تاریخ ۱۶ ژوئیه ۱۹۸۵، یعنی دو روز بعد از آن که از ژنو به مکه‌فارلن تلگرام زد، یک گزارش اطلاعاتی خوانده است که قربانیفر یک «دروغگوی با استعداد» است. لدین گواهی داد که می‌دانست که سیا به قربانیفر مشکوک است و خود قربانیفر نیز این مسأله را طی یکی از ملاقاتهایشان مطرح کرده بود. بنا به گواهی لدین به نظر وی رسیده بود که قربانیفر از سابقه خوبی برخوردار است. لیکن کمیته اسناد و شواهدی به دست آورد که حاکی از سوءظن دیرینه سیا به شخصیت مشکوک قربانیفر بود. در ماه اوت ۱۹۸۴ سیا یادداشتی به دیگر سازمانهای دولتی ارسال کرد و هشدار داد که قربانیفر یک دروغگوست. اسناد حاکی از آن است که سیا از یک مورد آگاه بوده است و آن این که قربانیفر به یک دولت ثالث پیشنهاد کرده بود اگر به همکاران او اجازه دهد که به عبور قاچاق مواد مخدر از آن کشور ادامه دهند، او در مقابل اطلاعاتی درباره اوضاع ایران در اختیار کشور مزبور خواهد گذاشت.

بنا به اظهارات تحلیلگر سیا، سرهنگ نورث در تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۸۵ به وی تلفن زد و از او تقاضای جمع‌آوری اطلاعات بیشتر درباره ایران و لبنان نمود. نورث به وی گفت که احتمال آزادی گروگانهای آمریکایی وجود دارد. در نیمه ماه سپتامبر نورث از او خواست که درباره افراد مشخصی در ایران که با مقامهای آمریکایی تماس داشتند، اطلاعاتی در اختیار وی بگذارد. بعدها نورث یک لیست بسیار مخفی از اسامی کسانی که اطلاعات فوق باید به آنها داده می‌شد در اختیار تحلیلگر مزبور قرار داد و نام وزارت خارجه مشخصاً در این لیست وجود نداشت. نورث گفته بود که شولتز توسط مکه‌فارلن به طور شفاهی از جزئیات مطلع خواهد شد. با وجود جمع‌شدن اطلاعات، این تحلیلگر ارشد سیا نفهمید طرفهای درگیر در این قضیه کدامند. لیکن احساس می‌کرد که اطلاعات موجود به وضوح حاکی از سرنوشت آن است که قضیه به گروگانها و نوعی معامله تسلیحاتی مربوط می‌شود. بنا بر اسنادی که کمیته دریافت کرده است، در ۳۰ اوت ۱۹۸۵، ۵۰۸ موشک ناو توسط کشتی از اسرائیل به یک کشور ثالث انتقال یافت و در تاریخ ۱۳ سپتامبر به ایران رسید. نورث بعدها به میس تأکید کرد که وی از ارسال محموله ناو در آن زمان کاملاً بی‌اطلاع بود. او معتقد است که در تاریخ ۲۵ یا ۲۶ نوامبر، ضمن صحبت با سکورد در تل‌آویو، برای اولین بار از ارسال محموله ناو با خبر شد. نورث همچنین

یا تعادل موجود در جنگ ایران و عراق را به هم نزنند. هر چند در حال حاضر هیچ‌گونه سند کتبی درباره این تصمیم موجود نیست، مکه‌فارلن شهادت داد که رئیس‌جمهوری، شولتز، واینبرگر و کیسی را از این تصمیم خود مطلع کرد. بنا به اظهارات مکه‌فارلن، به عقیده او در آن موقع تصمیم رئیس‌جمهوری تنها به صورت یک «دستور شفاهی» بود و بعد، در تاریخ ۱۷ ژانویه، رسماً به صورت کتبی در آمد. مکه‌فارلن شهادت داد که هنگامی که وی و ادوین میس، دادستان کل، در تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۸۶، اعتبار قانونی تصمیم شفاهی را مورد بحث قرار دادند، میس اظهار داشت که به نظر وی تصمیم غیررسمی یا شفاهی رئیس‌جمهوری نیز اعتباری کمتر از تصمیم کتبی وی ندارد. بنا بر اسنادی که در اختیار کمیته قرار دارد، مکه‌فارلن هنگام مصاحبه با میس به تأیید رئیس‌جمهوری در ماه اوت - سپتامبر ۱۹۸۵ مبنی بر ارسال موشکهای تاو به ایران یا یک «دستور شفاهی» اشاره‌ی نکرد. مکه‌فارلن به میس اظهار داشت که در جلسهای در ماه دسامبر در لندن به کیمشه گفته است که ایالات متحده از ارسال موشکهای تاو به ایران چندان خشنود نیست و نمی‌تواند آن را تأیید کند.

یکی از اسنادی که فهرست رویدادهای کاخ سفید در ماه نوامبر ۱۹۸۶ در آن منعکس است حاکی از آن است که مکه‌فارلن تصمیم ریاست‌جمهوری را مبنی بر این که گفتگو با ایران مفید است به اطلاع کیمشه رساند. لیکن سند دیگری از فهرست رویدادها، درباره رضایت آمریکا از تحویل ۵۰۸ موشک تاو توسط اسرائیل به ایران در تاریخ ۳۰ اوت، گزارشی خلاف آن ارائه می‌دهد.

بنا به شهادت مکه‌فارلن، اسرائیل خود را ملزم به کسب تأیید آمریکا در مورد هر معامله با ایران نمی‌دید. اسرائیل براساس همان تأیید مقدماتی رئیس‌جمهوری و قول او مبنی بر جانشین ساختن فوری تسلیحاتی که اسرائیل به ایران می‌فروشد، به کار خود ادامه می‌داد. همچنین گفتگوهای اسرائیل بر سر گروگانها نیز الزاماً نیاز به تأیید آمریکا نداشت.

طبق شهادت لدین، هنگامی که وی در نیمه ماه اوت ۱۹۸۵ به آمریکا بازگشت، مکه‌فارلن به وی اطلاع داد که برنامه تماس با ایران ادامه خواهد داشت و اقدامات آزمایشی از نوعی که قربانیفر پیشنهاد کرده بود، به عمل خواهد آمد. در نتیجه، مکه‌فارلن به لدین گفته بود که، با همکاری کیمشه، ترتیبی برای تحویل گرفتن گروگانها بدهد. مکه‌فارلن اظهار داشت که وی معتقد بود که در این موقعیت فروش موشکهای تاو آزادی همه گروگانهای آمریکایی را تضمین خواهد نمود.

لدین گواهی داد که در تاریخ ۴ سپتامبر در پاریس با کیمشه، قربانیفر، شوئیمر و نیمروودی ملاقات نمود. مذاکرات آن جلسه از دو قسمت تشکیل شده بود: ۱ - مسائل فنی درباره انتقال جنگ‌افزار از اسرائیل به ایران و خارج ساختن گروگانها از لبنان، ۲ - صحبت با قربانیفر درباره حوادث ایران. قربانیفر به آنها اظهار داشت که به زودی اظهاراتی از زبان مقامهای برجسته ایرانی درباره تصمیم آنها جهت بهبود روابط با آمریکا خواهند شنید. به دنبال آن، بنا به شهادت لدین، در

متقاعد شده بود که میان قربانیفر، پرواز هواپیمایی ایرانی به تل‌آویو و آزاد شدن ویر ارتباط وجود دارد. این کمیته هنوز به این نتیجه نرسیده که چنین رابطیه‌ی وجود داشته است.

ارسال موشکهای هاک در نوامبر ۱۹۸۵

پس از ارسال نخستین محموله موشکهای تاو، لدین همچنان به فعالیتهای خود ادامه داد. وی در پاییز ۱۹۸۵ ملاقاتهایی با کیمشه، شوئیمیر، قربانیفر و نیمرودی به عمل آورد. ظاهراً این جلسات به بررسی اطلاعات درباره‌ی اوضاع داخلی ایران و این که چه کسانی مایل به همکاری با آمریکا هستند، اختصاص داشت. قربانیفر همچنین برای آزادسازی گروگانها و نیز تسلیحاتی که ایران احتیاج داشت، از جمله موشکهای هاک، پیشنهادی ارائه داد. ایران تقاضا داشت که قبل از آزادی هر گروگان اسلحه دریافت دارد در حالی که ایالات متحده و اسرائیل بر آزادی گروگانها قبل از تحویل هر محموله دیگر، پافشاری می‌کردند.

طبق شهادتهای موجود روشن است که ایرانیان معتقد بودند که این کانال جدید با ایالات متحده، شربخش خواهد بود. به‌عنوان مثال آنها ظاهراً انتظار داشتند تسلیحات پیچیده‌ی از قبیل موشکهای هارپون و فونیکس نیز در آینده دریافت نمایند.

لدین شهادت داد که وی شرح این جلسات را به اطلاع مک‌فارلن رسانده است. وی اظهار داشت که این کانال بسیار امیدوارکننده به نظر می‌رسید، اما معلوم نبود در صورت ادامه‌ی معامله بر اساس آزادی گروگانها در مقابل دریافت اسلحه، ایران تا کجا حاضر است پیش برود. لدین همچنین پیشنهاد کرد که اگر قرار است این برنامه ادامه یابد ضروری است که یک سازمان اطلاعاتی نیز وارد کار شود. لدین اظهار داشت که مک‌فارلن درباره‌ی این طرح «احساس بد»ی داشت و در صدد برآمده بود آن را متوقف کند.

مک‌فارلن شهادت داد که در ۱۷ نوامبر، هنگامی که در دیدار سران آمریکا و شوروی، در ژنو به سر می‌برد، رابین، وزیر دفاع اسرائیل، به او تلفن کرد. رابین جهت حل مشکلات اسرائیل برای ارسال محموله‌های نظامی به ایران، از طریق یک کشور اروپایی، از او تقاضای کمک نمود. مک‌فارلن به کمیته اظهار داشت که وی به سرهنگ نورث تلفن زد، وی را در جریان تصمیم رئیس‌جمهوری در ماه اوت ۱۹۸۵ قرار داد و از او خواست با رابین تماس بگیرد و به وی کمک کند.

بنا بر یادداشتهایی که از تحقیقات دادستان کل به دست آمده، نورث اظهار داشت که وی احتمال می‌داد محموله‌های اسرائیلی که مک‌فارلن از آن صحبت می‌کرد، تسلیحات آمریکایی باشد. ظاهراً نورث به میس گفته بود که وی به رابین تلفن کرد و رابین به او گفت اسرائیل برای گرفتن اجازه‌ی پرواز به یک کشور اروپایی دچار مشکل شده است. رابین همچنین به نورث گفته بود که این پرواز برای حمل «اجناسی»

ادعا کرد که نمی‌دانسته چه کسی از ارسال این محموله اطلاع داشته است. مک‌فارلن به میس گفت که خبر ارسال محموله را از لدین شنید. وی سپس این امر را به اطلاع رئیس‌جمهوری، شولتز، واینبرگر و کیسی رساند، اما متذکر شد که ارسال محموله به هدفی که انتظار می‌رفت، یعنی به آزادی گروگانها، منجر نگردیده است. بنا به گفته‌ی مک‌فارلن، هیچ‌گونه تماس رسمی میان دولتهای اسرائیل و آمریکا در مورد ارسال محموله صورت نگرفت.

در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۵ کشیش بنجامین ویر از اسارتگاه خود در لبنان آزاد شد. بنا به شهادتهایی که به این کمیته داده شده، در آن زمان دلایلی وجود داشت که از نقش فعال و مستقیم قربانیفر در این تحولات حکایت می‌کرد. به‌علاوه، لدین شهادت داد که برای اسرائیلیها روشن بود که میان ارسال محموله اسلحه در سپتامبر و نقش قربانیفر در آن و آزاد شدن ویر، رابطه‌ی علت و معلولی وجود دارد. این نظریه که ایرانیان در آزادی ویر کمک کردند ظاهراً مورد تأیید مک‌فارلن نیز بود.

همچنین باید تذکر داد که کمیته شهادتهایی نیز دریافت نمود که با این شرح وقایع هماهنگی ندارند. واینبرگر، وزیر دفاع، در پاسخ به یک سؤال مشخص اظهار داشت که وی از ارتباط میان آزاد شدن بنجامین ویر و فروش اسلحه توسط اسرائیل به ایران هیچ‌گونه اطلاعی نداشته است. دونالد ریگان شهادت داد که مک‌فارلن در حضور وی به رئیس‌جمهوری گفته بود که اسرائیلیهای «لعنتی» ۵۰۰ موشک تاو بدون اطلاع آمریکا، به ایرانیان فروخته‌اند. ریگان همچنین گواهی داد که خود وی، رئیس‌جمهوری، مک‌فارلن و پویندکستر تصمیم گرفتند این ماجرا را «ندیده بگیرند» و تنها به اطلاع برسانند که از این امر «خشنود نیستند» و «این کانال را باز نگهدارند». بنا به شهادت دونالد ریگان، ارسال این محموله تسلیحاتی به ایران به تصویب دولت آمریکا نرسید.

در یک سند از وقایع روزانه کاخ سفید آمده است که پس از بحث این مسأله با رئیس‌جمهوری، چنین تصمیم گرفته شد که این امر افشا نشود و در نتیجه بتوان «از کانال اسرائیل برای گشودن باب مذاکرات استراتژیک» استفاده نمود.

شهادت و اظهارات مک‌فارلن با اظهارات دونالد ریگان متناقض و ناهماهنگ است. مک‌فارلن در شهادت خود، توصیف دونالد ریگان را از واکنش او در مورد ارسال موشکهای تاو به ایران، تکذیب کرد و منکر آن شد که رئیس‌جمهوری مخالفت خود را با اقدام اسرائیل بیان نموده است. مک‌فارلن گواهی داد که رئیس‌جمهوری از آزاد شدن ویر «بی‌نهایت خوشحال» شده بود و انکار کرد که رئیس‌جمهوری به وی دستور داده بود که دوباره با اسرائیل تماس بگیرد.

طبق شواهدی که به دست کمیته رسیده است، همزمان با ارسال جنگ‌افزار و آزاد شدن گروگان مزبور و شاید در رابطه با هر دو، هواپیمایی از تبریز در ایران پرواز نمود و به فرود اضطراری در تل‌آویو اقدام کرد. قربانیفر نسبت به این رویداد علاقه خاصی نشان می‌داد و تحلیلگر سیا، که به بررسی این مسأله اشتغال داشت،

جهت کمک به نزدیک شدن آمریکا با ایران صورت می‌گیرد. نورث اظهار داشت که وی، پس از آن، با سرلشکر بازنشسته هوایی، ریچارد سکورد، که از او به عنوان دوست صمیمی نام می‌برد، برای کمک تماس گرفت. قرار شد سکورد بکوشد یک هواپیمای بزرگ باری که آمریکایی یا اسرائیلی نباشد، تهیه کند.

مکفارلن شهادت داد که نورث برای توضیح این مسأله، با وی در ژنو تماس تلفنی گرفت. اسرائیلیها نتوانسته بودند مسائل گمرکی را جهت پرواز به یک کشور اروپایی حل کنند. علاوه بر این تنها هواپیمایی که در اختیار آنها بود یک فروند هواپیمای العال بود که به علت داشتن علامت و مدارک اسرائیلی نامتناسب تشخیص داده شده بود. مکفارلن اظهار داشت که نورث به وی گفت ممکن است مجبور شود به نخست‌وزیر کشور اروپایی مورد نظر تلفن کند و تأیید لازم را از او بگیرد. مکفارلن اضافه کرد که وی چنین کرد و به نخست‌وزیر مربوطه توضیح داد که ارسال محموله‌یی از اسرائیل به ایران در جریان است و دولت آمریکا از کمک و همکاری وی در این زمینه سپاسگزار خواهد شد. نورث همچنین با یک مقام سیا تماس گرفت و قول حمایت سیا را برای دریافت اجازه پرواز کسب کرد.

متن یک پیام رادیوی از نورث به دریابان پویندکستر در تاریخ ۲۰ نوامبر حاکی از آن است که نورث اطلاعات دقیقی از طرح هاک در آن موقع در اختیار داشت. این پیام حاکی از آن است که قرار بوده اسرائیل در تاریخ ۲۲ نوامبر ۸۰ موشک هاک به یک کشور اروپایی جهت حمل به تبریز تحویل دهد و در پی آن ۵ گروگان آمریکایی تحویل سفارت آمریکا در بیروت گردد. قبلاً ۱۸ میلیون دلار بیعانه در یک حساب بانکی واریز شده بود و قرار بود سرلشکر ریچارد سکورد ترتیب کلیه اقدامات لازم را بدهد و بلافاصله سلاحهای جایگزین به اسرائیل فروخته شود. بنا به مدارکی که در اختیار این کمیته است نورث، جریان اقدامات روزانه درباره طرح ارسال محموله هاک به ایران و آزاد ساختن گروگانها را به طور منظم به اطلاع دریابان پویندکستر می‌رسانده است.

کمیته همچنین مدرکی در دست دارد که مکفارلن با شولتز و دونالد ریگان تماس گرفت و به آنها اطلاع داد که قرار است به زودی گروگانها آزاد شوند و تسلیحاتی نیز از طریق اسرائیل به ایران حمل گردد. این مدرک همچنین حاکی از آن است که مکفارلن به شولتز و دونالد ریگان اظهار داشت که اسرائیل برای پرکردن جای خالی این تسلیحات آنها را از آمریکا خواهد خرید. به شولتز گفته شده بود که موشکهای هاک بخشی از این معامله است، در حالی که دونالد ریگان اظهار داشت که وی مدتی بعد از این مسأله مطلع شد.

دونالد ریگان شهادت داد که مکفارلن در ژنو به رئیس‌جمهوری اطلاع داد که ارسال نوعی تسلیحات تحت بررسی است و اگر عملیات با موفقیت پیش برود ممکن است گروگانها آزاد شوند. شولتز نگرانی خود را به مکفارلن ابراز کرد، اما به گفته شولتز، مکفارلن به وی گفت که وی مسأله را با رئیس‌جمهوری حل کرده است. پس از تماسهای بسیار میان واشنگتن و این کشور اروپایی تلاش برای گرفتن

اجازه پرواز ناکام ماند. سکورد در مرکز این تلاش برای گرفتن اجازه پرواز قرار داشت. به مقامهای آمریکایی در آن کشور اروپایی دستور داده شده بود که در انتظار تماس گرفتن فردی به نام آقای «کاپ» باشند و با وی همکاری نمایند. پیامهایی که میان ستاد فرماندهی سیا و پایتخت کشور اروپایی موردنظر ردوبدل شده حاکی از آن است که سرلشکر سکورد اساساً این کوششها را برای ترتیب دادن پرواز هدایت می‌کرد. چند تن از شاهدان شهادت دادند که پس از آن نورث از سیا خواست که یک هواپیمای اجاره‌یی را که برای این منظور قابل استفاده باشد، معرفی کند. سیا در پاسخ، استفاده از یک شرکت هواپیمایی خصوصی وابسته به خود را پیشنهاد کرد و به آن شرکت توصیه کرد که این مأموریت را، که به شورای امنیت ملی مربوط می‌شود، قبول کند.

این هواپیمای سیا در اواخر نوامبر، در حالی که ۱۸ موشک هاک را حمل می‌کرد ولی محموله آن لوازم یدکی ماشینهای حفر چاه ذکر شده بود از اسرائیل حرکت کرد. بنا به شهادتهایی که در مقابل این کمیته داده شده، در سیا احتمال داده می‌شد که این محموله در واقع اسلحه باشد. هنگامی که سیا مورد بازخواست کشورهای قرار گرفت که برای دادن اجازه عبور هواپیما از آسمان خود جویای ماهیت محموله آن بودند، مجدداً با نورث تماس گرفته شد و نورث یک بار دیگر تأیید کرد که این هواپیما لوازم یدکی ماشینهای حفر چاه حمل می‌کند و مأموریتی بشردوستانه به عهده دارد. طبق رونوشت تلگرامهایی که در دست کمیته است، برای رفع تردید از برخی از کشورها، که از دادن اجازه پرواز احتیاط می‌کردند، در مورد بعضی از کشورها به مقامهای آمریکایی اجازه داده شد که به مقامهای عالیرتبه دولت میزبان اطلاع بدهند که جنبه بشردوستانه این پرواز به مسأله گروگانها مربوط می‌شود و عالیتترین مقامهای دولت آمریکا از کمک آنها سپاسگزار خواهند شد. بنا به شهادت جان مک ماهون، قائم مقام ریاست سازمان سیا، در مقابل کمیته و نیز طبق یادداشتی که وی برای ضبط در پرونده تهیه کرده بود، در تاریخ شنبه ۲۳ نوامبر بود که وی نخستین بار از نقش کمکی سیا در این مورد مطلع شد. به نظر مک ماهون نقش این اداره تنها فراهم کردن یک کانال امن ارتباطی جهت کمک به پرسنل شورای امنیت ملی بود که در پی اجازه پرواز برای هواپیمای اسرائیلی بودند. بنا به مدارکی که در اختیار کمیته است، مک ماهون تأمین این کمک را تأیید کرد و تقاضا نمود که روز بعد گزارش کاملی به او داده شود.

در تاریخ ۲۵ نوامبر مک ماهون مطلع شد که یک هواپیمای سیا، برای کمک به یک «مأموریت شورای ملی امنیت ملی»، بدون اطلاع یا تأیید وی، سلاحهایی به ایران حمل کرده است. به گفته مک ماهون وی دستور داد که دیگر هیچ‌گونه عملی در جهت کمک به عملیات شورای امنیت ملی، از جانب سیا صورت نگیرد مگر آن که دستوری از طرف رئیس‌جمهوری، عملیات محرمانه را مجاز شمرده باشد. مک ماهون همچنین دستور داد که آن تعداد از مأموران سیا که در این ماجرا شرکت داشتند با استانلی اسپورکین، مشاور عالی سیا، تماس بگیرند و وی را در جریان اخباری که درز کرده

است قرار دهند.

اسپورکین شهادت داد که وی جلسہ‌یی را به یاد می‌آورد که در اواخر نوامبر یا اوایل دسامبر، به تقاضای قائم‌مقام ریاست سیا و با شرکت کارمندان سیا تشکیل شده بود، و از طریق آنها مطلع شد که سیا در امر ارسال اسلحه به ایران درگیر بوده است. در پایان آن روز، یعنی ۲۵ نوامبر، اسپورکین به مک ماهون اطلاع داد که برای این گونه فعالیتها مجوزی لازم است. مک ماهون دستور داد پیش‌نویسی تهیه شود و به امضای رئیس‌جمهوری برسد که اختیارات لازم را برای فعالیتهای سیا، به حمایت از اقدام شورای امنیت ملی در مورد ایران بدهد.

پیش‌نویس این دستور توسط اسپورکین تهیه شد و به تأیید کیسی، ریاست سیا رسید و در تاریخ ۲۶ نوامبر به دریابان پویندکستر تحویل داده شد. این پیش‌نویس به سیا اختیار می‌داد که به «طرحهای خصوصی» که در تلاش برای آزادی گروگانهای آمریکایی هستند، کمک نماید. این دستور همچنین عطف به ماسبق می‌شد و در نتیجه کلیه فعالیتهایی را که قبلاً توسط مقامهای آمریکایی برای چنین هدفی به عمل آمده بود تصویب می‌نمود و رهنمود می‌داد که تا زمانی که رئیس‌جمهوری دستور نداده است کنگره از این امر با خبر نشود.

پس از انجام پرواز مزبور هیچ یک از گروگانهای آمریکایی آزاد نشد. ایرانیان از نوع موشکهای هاک که دریافت کرده بودند راضی نبودند و معتقد بودند که کلاه سرشان رفته است. بعداً وزیر خارجه اظهار داشت که در آن وقت وی متقاعد شده بود که عملیات شکست خورده است و از این که این ماجرا خاتمه یافته اظهار رضایت کرد. لیکن در سیا برنامه‌ریزی و کمک به مأموریتهای آینده در حمایت از عملیات شورای امنیت ملی ادامه یافت. آن مقام سیا که به نخستین تقاضای نورث پاسخ داده بود گواهی داد که وی مسئول این برنامه‌ریزی شده بود و به نظر وی دستوری که از سوی مک ماهون، قائم‌مقام ریاست سیا، مبنی بر قطع کمک صادر شد، از چنین فعالیتهایی جلوگیری نکرد. تا نیمه ماه دسامبر یک سلسله پیام در مورد مأموریتهای احتمالی در آینده میان ستاد سیا و سفارتخانه‌های آمریکا در کشورهای مختلف اروپا و خاورمیانه ردوبدل می‌شد. اسنادی که در دست این کمیته است حاکی از آن است که مقامهای مختلف دولتی، مأموران ارتباطی و منابع دیگر در طول این مدت در این ماجرا شرکت داشته‌اند.

کمیته شهادتهایی دریافت کرد که بنا بر آنها مقامهای سیا در اواخر نوامبر و اوایل دسامبر تماسهای متعددی با مقامهای شورای امنیت ملی گرفتند و آنها را ترغیب می‌کردند که پیش‌نویس دستور ۲۶ دسامبر را به امضای رئیس‌جمهوری برسانند. بنا بر یادداشتی که برای حفظ در پرونده در تاریخ ۷ دسامبر توسط مک ماهون نوشته شد، در تاریخ ۵ دسامبر به اطلاع سیا رسید که رئیس‌جمهوری دستور مزبور را امضا کرده و به سیا رهنمود داده که، به منظور حفظ امنیت گروگانها، این امر به کنگره اطلاع داده نشود. اسپورکین شهادت داد که یکی از دستیاران وی توسط نورث با خبر شده بود که دستور امضا شده و در گاوصندوق پویندکستر قرار داده

شده است. سیا معتقد بود که دستور مورخ ۵ دسامبر شامل ماده‌یی بود که عطف به ماسبق می‌شد و کلیه فعالیتهایی را که قبلاً انجام شده بود تصویب می‌کرد. اما کمیته هنوز سند معتبری درباره این که دستور مورخ ۲۶ نوامبر یا ۵ دسامبر امضا شده باشد، دریافت نکرده است.

در پایان ماه نوامبر، بنا به گفته مک‌فارلن، وی موافقت ریاست‌جمهوری را دریافت کرد که برای دیدن واسطه‌های ایرانی در تاریخ ۸ دسامبر به لندن برود. جلسہ‌یی نیز برای افراد اصلی این ماجرا برای روز ۷ دسامبر در کاخ سفید ترتیب داده شد تا درباره ایران صحبت شود.

دستور ریاست جمهوری

در تاریخ ۴ دسامبر طی یک پیام رادیویی، نورث گزارشی درباره اوضاع جاری به پویندکستر داد. در پیام نورث تذکر داده شده بود که این گزارش بر اساس گفتگوهایی که در ژنو میان کیمشه، سکورد، قربانیفر و رابط ایرانی به عمل آمده، تهیه شده است. در این پیام همچنین ناراضیتی ایران از موشکهای هاک که در اواخر نوامبر به ایران ارسال شده بود، منعکس است. در این پیام گفته شده بود که آزادی گروگانها مشروط به تحویل یک سری جنگ‌افزار است که باید از اواخر دسامبر آغاز شود، و نیز قرار است نورث، سکورد، کیمشه و شوئیمر در تاریخ ۷ دسامبر در لندن ملاقات کنند و قرار تحویل محموله‌های بعدی را بگذارند. همچنین ذکر شده بود که نورث کلیه جزئیات طرحها را با مقامهای سیا، که به پرواز ۲۵ نوامبر نیز کمک کرده بودند، مورد بررسی قرار داده است. وی اظهار داشت تنها مقامهایی که از هدفها و برنامه‌های بلندمدت‌تر اطلاع داشتند مک‌فارلن، پویندکستر و نورث هستند. در تاریخ ۷ دسامبر پرزیدنت ریگان با شولتز، واینبرگر، مک ماهون به نمایندگی از سوی کیسی، مک‌فارلن و پویندکستر دیدار کرد تا اقدام در مورد ایران را مورد بررسی قرار دهند. بیشتر شرکت‌کنندگانی که در مقابل کمیته شهادت دادند معتقد بودند که در این جلسه اتفاق نظر وجود داشت که مک‌فارلن در لندن به ایرانیان اطلاع دهد که ایالات متحده به مبادله اسلحه با گروگانها تن نخواهد داد. شولتز و واینبرگر هر دو اظهار داشتند که هنگام ترک جلسه، بر این باور بودند که بخش مربوط به سلاح در تماس با ایرانیان خاتمه یافته تلقی می‌شود.

لیکن لااقل یکی از شرکت‌کنندگان، مک ماهون، شهادت داد که جلسه به اتفاق‌نظر یا تصمیم خاصی نرسید. وی گواهی داد که در جلسه این اختلاف‌نظر وجود داشت که آیا اقدام در مورد ایران را باید ادامه داد یا خیر. مقامهای کاخ سفید طرفدار ادامه‌دادن و بقیه مخالف آن بودند. در اسناد کمیته نیز در این باره که ملاقات مک‌فارلن با ایرانیان در لندن در جلسه ۷ دسامبر مورد بحث قرار گرفت، یا چه رهنمود خاصی تصویب شد، اختلاف وجود دارد. دو تن از شرکت‌کنندگان اظهار داشتند که درباره رهنمودهایی که مک‌فارلن ادعا می‌کند در این جلسه دریافت کرده

است، چیزی به یاد نمی‌آورند، درباره این مطلب نیز که آمریکا باب گفتگوی سیاسی را باز نگه می‌دارد، اما اسلحه در مقابل گروگانها نخواهد داد، چیزی به خاطر ندارند. مکفارلن شهادت داد که قبل از ملاقات ایرانیان در لندن، وی و نورث، کیمشه را ملاقات کردند و وی آمریکا را ترغیب می‌کرد که با تحمل بیشتر، اجازه دهد که ایرانیان حسن‌نیت خود را نشان دهند. بنا به گفته مکفارلن، وی به کیمشه اظهار داشت که مأموریت وی پایان دادن به عملیات است. وی و نورث با کیمشه، نیمرودی و قربانیفر ملاقات کردند و [مکفارلن] برای قربانیفر «موکداً» روشن ساخت که آمریکا دیگر ارسال اسلحه را ادامه نخواهد داد. بنا به گفته مکفارلن، قربانیفر اصرار داشت که آمریکا ارسال اسلحه را ادامه دهد، و مکفارلن، پس از ختم جلسه، متقاعد شده بود که دیگر نباید با قربانیفر «معامله کند».

مکفارلن در بازگشت، به رئیس‌جمهوری و دیگران درباره دیدارهای خود در لندن گزارش داد. بنا به گزارش کتبی کیسی از آن جلسه، مکفارلن توصیه می‌کرد که ایالات متحده نباید برای ادامه ارتباط با ایرانیان از طریق قربانیفر اقدام کند، زیرا قربانیفر اثر خوبی در او نگذاشته است، اما باید از طریق دیگران اقدام شود. بنا به یادداشت‌های کیسی «همگی» از این نظریه پشتیبانی کردند، گرچه رئیس‌جمهوری «به‌طور دقیقی از این نظر دفاع می‌کرد» که باید به اسرائیلیها اجازه داده شود که به اقدامات خود ادامه دهند، بدون این که انتظار قبول تعهدی، غیر از تأمین تسلیحاتی که ارسال می‌کنند، از آمریکا داشته باشند. یادداشت مزبور حاکی از آن است که رئیس‌جمهوری نگران سرنوشت گروگانها در صورت قطع گفتگو بود، و کیسی به رئیس‌جمهوری گفت که این تماسها را می‌توان به عنوان تلاش برای اثرگذاری بر حوادث ایران توجیه کرد.

در این زمان سیا از طریق کانالهای خود پیام به نمایندگیهای آمریکا در کشورهایی که قرار بود در مأموریت‌های آینده شرکت داشته باشند، فرستاد و به آنها خبر داد که ظاهراً «معامله» لغو شده و همه باید [از فعالیت] دست بکشند. در تاریخ ۱۱ دسامبر مکفارلن از عضویت دولت استعفا نمود. وی گواهی داد که در مسائل مربوط به ایران، از ژانویه تا آوریل ۱۹۸۶، دخالتی نداشته است. در یادداشتی به تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۸۵، یک روز قبل از آن که مکفارلن گزارش سفرش را بدهد، نورث راه‌حلهایی را که در مورد برنامه ایران به نظرش می‌رسید، برای پویندکستر خلاصه کرد. نورث نوشت که قربانیفر حلقه رابط قابل اتکایی است. وی متذکر شد که ایالات متحده، برای اجتناب از مشکلاتی که با شوئیمر پیش آمده بود، باید دوباره ابتکار عمل را به دست گیرد. وی سپس ۵ راه‌حل به شرح زیر پیشنهاد کرد:

- ۱ - به اسرائیلیها اجازه داده شود که به ارسال موشکهای تاو ادامه دهند به شرط این که آمریکا اقلام فروخته‌نشده را جایگزین کند،
- ۲ - تلاش برای آزادساختن گروگانها ادامه یابد،
- ۳ - به اسرائیل اجازه داده شود، به نشانه حسن‌نیت فقط یک محموله حاوی

موشکهای تاو هدیه دهد،

۴ - هیچ‌گونه اقدامی به عمل نیاید،

۵ - دستوری برای عملیات سری صادر نشود و خودمان، از طریق سکورد،

ارسال تسلیحات را انجام دهیم. نورث یادآوری کرد که با اجازه‌دادن به اسرائیل برای ادامه تحویل موشکهای تاو چیزی از دست نمی‌رود.

در همین حال در نتیجه فعالیت‌های لدین، مسأله حسن‌نیت قربانیفر، به‌عنوان رابط، دوباره مطرح شد. لدین شهادت داد که به تقاضای قربانیفر، آن دو، طی یکی از سفرهای خصوصی لدین به اروپا، ملاقات کردند. در این زمان قربانیفر مجدداً اطلاعاتی در مورد تحولات داخلی ایران در اختیار وی گذاشت و از رفتار سیا با خود گله کرد.

بنا به گفته لدین، هنگامی که وی در دسامبر ۱۹۸۵ به ایالات متحده مراجعت کرد، به کیسی و دیگر مقامهای سیا درباره مذاکرات خود با قربانیفر گزارش داد و اصرار ورزید که قربانیفر برای گشودن راهی به سوی عناصر ایرانی عامل ارتباط مفیدی است و باید با رعایت احتیاط لازم به همکاری با او ادامه داد. بلافاصله بعد از این مذاکرات، کیسی از او خواست که ترتیبی دهد تا قربانیفر تحت آزمایش دروغ‌سنجی سیا قرار گیرد. لدین با قربانیفر در خارج تماس گرفت و موافقت وی را برای انجام این آزمایش، که در اواسط ژانویه صورت گرفت به دست آورد.

لدین همچنین از قربانیفر خواست که در اواخر دسامبر در واشنگتن با وی ملاقات نماید. در آن جا قربانیفر برای نخستین بار با مقامهای سیا، که از کوششهای وی برای فروش اسلحه به ایران اطلاع داشتند، ملاقات نمود. قربانیفر مسائل متعددی را که موردنظر مقامهای آمریکایی بود با آنها مورد بحث قرار داد، اما تجربیات گذشته سیا با وی هنوز ضرورت رعایت احتیاط را ایجاب می‌نمود. در تاریخ ۲۳ دسامبر، کیسی به رئیس‌جمهوری نوشت که اطلاعات قربانیفر «ممکن است فریبی برای جلب توجه ما باشد. بنابراین ضروری است در صحبت با قربانیفر رعایت احتیاط بشود». کیسی به رئیس‌جمهوری اظهار داشت که انجام آزمایش دروغ‌سنجی در ماه ژانویه در مورد قربانیفر مفید خواهد بود.

بنا به اسنادی که در اختیار کمیته است، آزمایش دروغ‌سنجی از قربانیفر حاکی از دروغ‌گویی او تقریباً در پاسخ به کلیه سؤالات بود، از جمله این که آیا وی تحت کنترل دولت ایران است یا خیر؟ آیا وی از قبل می‌دانسته است که به دنبال معامله موشکهای هاک در ماه نوامبر هیچ‌یک از گروگانهای آمریکایی آزاد نخواهند شد؟ آیا وی در فریب‌دادن ایالات متحده با مقامهای ایرانی همکاری داشته است یا خیر؟ و بالاخره آیا وی مستقلاً برای فریب آمریکا عمل می‌کرده است یا خیر؟ بنا به شهادتهایی که در برابر کمیته داده شده، نتایج این آزمایش

دروغ‌سنجی و نیز این واقعیت که سیا به همه ابوالجمعی خود در ماه اوت ۱۹۸۴ دستور داده بود که هیچ‌گونه معامله‌ای با قربانیفر انجام ندهند، در ماه ژانویه ۱۹۸۶ به اطلاع کاخ سفید رسید. با این حال کاخ سفید تصمیم به ادامه همکاری با او

گرفت و بنا به شهادت یکی از مقامهای سیا، مسئولیت نگهداشتن قربانیفر در این برنامه، پس از آن که در امتحان دروغ‌سنجی رد شد، با سرهنگ نورث بوده است. یکی از مقامهای ارشد هدایت عملیات شهادت داد که به محموله پرواز نوامبر ۱۹۸۵ مشکوک بود و تنها پس از این گفتگوها با قربانیفر در اوایل ژانویه بود که آنها دریافتند که هواپیمای مزبور اسلحه حمل می‌کرده است. لیکن طبق اسناد دیگری که تقدیم کمیته شده است، دستکم برخی از مقامهای سیا در خارج، از ماهیت محموله بسیار قبل از تاریخ ارسال آن اطلاع داشتند و لاقلاً یکی از آنها این مسأله را قبلاً به ستاد سیا گزارش داده بود.

در اوایل ژانویه ۱۹۸۶ پرز، نخست‌وزیر اسرائیل، آمیرام نیر، مشاور خود در امور مربوط به تروریسم را به عنوان نماینده اسرائیل، برای ملاقات با رئیس‌جمهوری در مورد برنامه ارتباط با ایران، به آمریکا اعزام نمود. طبق مدارکی که در دست کمیته است، نیر، رئیس‌جمهوری و پویندکستر را ترغیب کرد که مسأله فروش اسلحه به ایران را در مقابل آزادی گروگانها مورد بررسی مجدد قرار دهند. کمیته رونوشتی از دستورالعملهای متعدد را که در اوایل ماه ژانویه تهیه شده بود، دریافت کرد. یک دستورالعمل به تاریخ ۶ ژانویه، ظاهراً پس از بررسی و بحث با معاونت ریاست‌جمهوری، دونالد ریگان و پویندکستر، به امضای رئیس‌جمهوری رسیده بود. طبق دستورالعمل مزبور ریاست سیا دستور داشت جز به فرمان رئیس‌جمهوری، مسأله را به اطلاع کنگره نرساند. در یادداشت روی جلد این دستورالعمل که توسط نورث نوشته شده بود، آمده بود که وی با کیسی در این مورد صحبت کرده و کیسی موافقت خود را ابراز داشته است. طبق شهادتها و اسنادی که کمیته دریافت کرده است، قبل از امضای دستورالعمل ۶ ژانویه، کیسی، نورث و اسپورکین برای بحث درباره این مسأله، ملاقات کرده بودند. اسپورکین شهادت داد که وی توصیه کرد که دستورالعمل جدید مشخصاً به آزادی گروگانها اشاره نماید، اما نورث مخالفت کرد. هدف این برنامه کمک به روی کارآمدن حکومت میانه‌روتری در ایران توصیف شده بود. توافق شده بود که به مسأله گروگانها اشاره نشود، به این دلیل که پیش‌بینی می‌شد شولتز با آن مخالفت خواهد کرد.

در ۷ ژانویه، رئیس‌جمهوری در دفتر کاخ سفید با معاون خود، شولتز، واینبرگر، کیسی، میس و پویندکستر جهت گفتگو پیرامون برنامه ایران دیدار کرد. بنا به اظهارات آن عده از شرکت‌کنندگان در این جلسه که شهادت داده‌اند، دو تن، از آنها شولتز و واینبرگر، با دادن اسلحه به ایران به شدت مخالفت می‌کردند. بنا به گفته این شرکت‌کنندگان رئیس‌جمهوری مایل به باز نگهداشتن کانال بود و مسأله دادن اسلحه به ایران را حل نشده باقی گذاشت. لیکن درباره این که آیا دستورالعمل خاصی مورد بحث قرار گرفت یا خیر، و اگر قرار گرفت محتوای بحثها چه بود، این کمیته گزارشهای متناقضی دریافت کرده است.

برخی از شرکت‌کنندگان به وضوح بحث درباره یک دستورالعمل و نیز موافقت رئیس‌جمهوری را با دستورالعملی مبنی بر تأیید این برنامه به یاد می‌آوردند. این

افراد هم‌چنین بحثی را به‌خاطر می‌آورند که در مورد آگاه‌نساختن کنگره از این طرح و قانونی‌بودن چنین کاری در گرفته بود. دیگران بحث درباره دستورالعمل خاصی را به‌خاطر نمی‌آورند اما توافق دارند که تمایل غالب در جلسه، تأیید ادامه برنامه در مورد ایران بود. بحث بر سر اطلاع‌دادن به کنگره بسیار مختصر بود، اما دادستان کل شهادت داد که به استنباط وی قرار بود در مدتی کوتاه، ۶۰ تا ۹۰ روز، به عملیات خاتمه داده شود.

پس از جلسه ۷ ژانویه، بررسی جنبه قانونی دستورالعمل فوق و شیوه‌های مختلف اجرای برنامه ادامه یافت. وزارت دفاع اصرار داشت که فروش اسلحه توسط آن وزارتخانه به یک کشور خارجی، چه ایران چه اسرائیل، قانوناً نمی‌تواند از کنگره مخفی نگاهداشته شود. این استدلال نه فقط فروش مستقیم و غیرمستقیم به ایران در آینده را در بر می‌گرفت، بلکه هم‌چنین شامل مسأله جایگزینی تاوهای ذخیره اسرائیل نیز می‌گردید، زیرا به سبب عدم توانایی مالی اسرائیل در جایگزین کردن موشکهای تاو، این امر می‌بایست تحت چنین برنامه‌یی عملی شود. راه‌حل این بود که وزارت دفاع، طبق لایحه صرفه‌جویی، تسلیحات مزبور را به سیا بفروشد. با وجود عدم تمایل سیا به شرکت در این قصیه، اسپورکین، مشاور عمومی سیا، اصرار داشت که این امر از طریق قانونی اجرا شود. در این صورت سیا می‌توانست، به‌عنوان بخشی از یک عملیات محرمانه، سلاحها را به یک شرکت خصوصی بفروشد و شرکت مزبور نیز، به نوبه خود، آنها را به ایران و اسرائیل (در مورد ۵۰۸ موشک تاو) بفروشد. تغییر کوچکی در دستورالعمل ۶ ژانویه، یعنی اضافه کردن کلمات «و طرفهای ثالث» کافی بود تا این برخورد جدید صورت قانونی به خود بگیرد.

در تاریخ ۱۶ ژانویه یک جلسه نهایی برای بررسی نسخه نهایی دستورالعمل، در دفتر پویندکستر تشکیل شد. شرکت‌کنندگان در جلسه عبارت بودند از: پویندکستر، کیسی، میس، اسپورکین و واینبرگر. واینبرگر یک بار دیگر مخالفت خود را با این برنامه اظهار داشت. هم‌چنین در مورد مسأله اطلاع‌دادن به کنگره بحث شد.

دادستان کل شهادت داد که وی چنین نظر داد که ممانعت از اطلاع کنگره از این برنامه، قانونی است و بر اساس اختیارات قانونی رئیس‌جمهوری و نیز به علت در خطر بودن جان گروگانها قابل توجیه می‌باشد. میس شهادت داد که نظر وی این بود که، به محض آزادی گروگانها، جریان برنامه به اطلاع کنگره برسد. اسپورکین اظهار داشت که، تا آن جا که به یاد می‌آورد، شرکت‌کنندگان موافقت کردند که مطلع‌ساختن کنگره تا زمان آزادی گروگانها به تعویق افتد، هر چند همه می‌دانستند که ممکن است این تأخیر طولانی باشد.

طبق یادداشتی از نورث به پویندکستر، در تاریخ ۱۷ ژانویه دستورالعمل نهایی برای امضا به رئیس‌جمهوری تقدیم شد. پویندکستر در حضور معاون رئیس‌جمهوری و دونالد ریگان، شفاهاً رئیس‌جمهوری را از محتوای آن آگاه ساخت. بنا بر یادداشت نورث، پویندکستر اظهار داشت که به نظر دادستان کل، این

دستورالعمل اختیارات لازم برای انتقال قانونی اسلحه را به سیا خواهد داد. در این یادداشت هم‌چنین آمده بود که طبق توافق دو طرف به محض شروع ارسال اسلحه، گروگانها آزاد خواهند شد. در این دستورالعمل آمده بود که اگر پس از ارسال نخستین محموله، گروگانها آزاد نشوند ارسال بقیه محموله‌ها متوقف خواهد شد یا بعداً به گروههای دیگر ایرانی منتقل خواهد گردید. عدم اطلاع به کنگره نیز توصیه شده بود. از این یادداشت چنین استنباط می‌شد که رئیس‌جمهوری هم آن را تأیید کرده است. کمیته نیز یک نسخه امضا شده از آن را دریافت کرد.

واینبرگر در مقابل این کمیته شهادت داد که آخر وقت آن روز، پویندکستر با تلفن وی را از اقدام رئیس‌جمهوری مطلع ساخت. واینبرگر شهادت داد که وی به دستیار نظامی خود، سرلشکر کولین پاول، دستور داد که ترتیب انتقال سلاحها را طبق لایحه صرفه‌جویی، به سیا فراهم نماید. و این امر به دستور رئیس‌جمهوری باید محرمانه انجام شود.

قبلاً سرلشکر پاول مذاکراتی با نورث درباره این برنامه و مشکل اسرائیل در جایگزینی تاوها انجام داده بود. آرمیتاژ، معاون وزارت خارجه، شهادت داد که واینبرگر به دستیار خود اختیار داد که وی را از این تصمیم مطلع سازد و این امر چندی بعد انجام شد. آرمیتاژ اظهار داشت که تافت، معاون وزیر، بعداً به او گفت که در ماه آوریل دستورالعمل مربوط به برنامه را در محل نگهداری آن، یعنی دفتر پویندکستر، دیده است. بنا به گفته آرمیتاژ و یک مقام سیا، پاول با سرلشکر وینسنت راسو، از اعضای اداره لجستیک وزارت دفاع، جهت تأمین وسایل با امنیت کامل و بدون این که خسارت مالی به ارتش وارد شود، همکاری می‌کرد.

معاون عملیاتی ریاست سیا شهادت داد که وی توسط معاون یا رئیس سیا مطلع شد که سیا در صدد است از یک ابتکار کاخ سفید که دارای دو هدف است پشتیبانی نماید: ۱ - مذاکرات استراتژیک با ایران و ۲ - آزادی گروگانها. در تاریخ ۱۸ ژانویه ۱۹۸۶ وی و دو مقام دیگر سیا همراه با مشاور عالی سیا، با نورث و پویندکستر در کاخ سفید ملاقات کردند، به آنها گفته شد که رئیس‌جمهوری روز قبل دستورالعملی را امضا کرده و مقرر شده است که سیا از این فعالیت - که قرار است توسط شورای امنیت ملی اجرا شود - پشتیبانی کند. هم‌چنین به آنها گفته شد که دستورالعمل مزبور مقرر می‌دارد که کنگره از این طرح، به علت حساس بودن وضع گروگانها مطلع نشود. اسنادی که در دست این کمیته است حاکی از آن است که در تاریخ ۲۱ ژانویه از سیا خواسته شد که به سرهنگ دوم نورث در ترتیب‌دادن ملاقاتی با قربانیفر در اروپا کمک نماید. آخر وقت آن روز این امر انجام شد.

ارسال موشکهای تاو در ماه فوریه

بنا بر اسنادی که در اختیار این کمیته است اجرای کامل و تمام‌عیار دستورالعمل ۱۷ ژانویه بلافاصله آغاز شد. سرهنگ دوم نورث برای مذاکره کوتاهی با

قربانیفر به لندن سفر کرد و به وی اظهار داشت که ایالات متحده برای نشان‌دادن حسن‌نیت و علاقه به روابط بلندمدت، آماده اجرای این برنامه است. وی مخصوصاً به قربانیفر گفت که ایالات متحده درباره مواضع عراق در منطقه جنگی، اطلاعاتی در اختیار ایران قرار خواهد داد. هم‌چنین به قربانیفر گفته شد که تعداد بیشتری موشک تاو به ایران فروخته خواهد شد و نیز موشکهای اضافی هاک، بلافاصله پس از تحویل نخستین محموله هزار موشک تاو، از ایران جمع‌آوری خواهد شد. (اسپورکین بعد به میس گفت که برنامه ملاقاتی در اروپا که در تاریخ ۱۸ ژانویه درباره آن بحث شد، انجام نگرفت).

بنا بر اسنادی که در اختیار کمیته قرار دارد، سرهنگ نورث تا روز ۲۴ ژانویه طرح مفصل برنامه را آماده کرده بود. در این طرح پیش‌بینی شده بود که: نمونه‌یی از اطلاعاتی که قرار است به ایران داده شود، تهیه گردد؛ تأمین هزینه و تحویل ۱۰۰۰ موشک تاو به ایران تنظیم شود؛ و به دنبال آن کلیه گروگانهای آمریکایی، و نیز ۵۰ زندانی حزب‌اللهیها که در اختیار گروه جهاد در جنوب لبنان هستند، آزاد شوند؛ موشکهای هاک به اسرائیل بازگردانده شود؛ تأمین هزینه و تحویل ۳۰۰۰ موشک تاو اضافی برای ایران و ۵۰۸ تاو جایگزین برای اسرائیل انجام شود. قرار شده بود ژنرال سکورد مسئول نیازهای پرواز باشد. در این طرح کناره‌گیری خمینی در ۱۱ فوریه، در سالگرد انقلاب اسلامی ایران پیش‌بینی شده بود. قربانیفر به مقامهای آمریکایی می‌گفت که مقامهای ارشد ایرانی خمینی را تشویق به کناره‌گیری می‌کردند تا امر انتقال قدرت به سادگی صورت گیرد. در یادداشتی از جانب نورث به پویندکستر «یک محدوده زمانی فرضی» و نیز فهرست اسامی کسانی که دقیقاً در جریان این طرح گذاشته شده بودند، ذکر شده است. این افراد عبارت بودند از: پویندکستر و نورث از شورای امنیت ملی، دونالد فورتر از سیا، مک ماهون، معاون سیا (کیسی در خارج از کشور به سر می‌برد)، معاون عملیاتی سیا، رئیس یکی از بخشهای سیا و یک مقام دیگر در خارج از این دو نهاد، ریچارد سکورد، و نیز آمیرام نیر و شیمون پرز، نخست‌وزیر، از اسرائیل. دبیر اجرایی شورای امنیت ملی بعداً شهادت داد که وی در سراسر این مدت خارج از این برنامه نگهداشته شده بود.

در طرح نورث، پیش‌بینی شده بود که در تاریخ ۲۶ ژانویه ۱۹۸۶ در اروپا نمونه‌های اطلاعاتی به قربانیفر داده شود. بنا به شهادت مک ماهون، معاونت سیا و نیز تلگرام وی به کیسی، مک ماهون در برابر پویندکستر به شدت پافشاری می‌کرد که این عمل نباید صورت گیرد، هم به این دلیل که قربانیفر قابل اعتماد نیست و هم به این دلیل که این اطلاعات موجب برتری ایران در جنگ خواهد شد. اما مک ماهون گواهی کرد که در مقابل اصرار پویندکستر، تسلیم شد.

بنا به شهادت رابرت گیتز که در آن موقع معاونت اداره اطلاعات را به عهده داشت، در ۲۵ ژانویه، به منظور بحث درباره آماده‌کردن اطلاعاتی که قرار بود به ایرانیان داده شود، جلسه‌یی در سیا تشکیل شد. شرکت‌کنندگان شهادت دادند که در این جلسه مقامهای سیا و نیز سرهنگ نورث از شورای امنیت ملی شرکت داشتند. گیتز

شهادت داد که وی با دادن پاره‌یی اطلاعات خاص دربارهٔ عراق به ایران مخالفت می‌کرد، اما مخالفت وی توسط شورای امنیت ملی رد شد، و به سیا دستور داده شد که اطلاعات لازم را آماده نماید. به یکی از مقام‌های سیا مأموریت داده شد که نمونه‌یی از اطلاعات را به قربانیفر برساند.

طبق اسناد و شهادت‌هایی که در اختیار این کمیته است در اواخر ژانویه اطلاعات مزبور در جلسہ‌یی در اروپا، به قربانیفر داده شد. قربانیفر از نتایج آزمایش دروغ‌سنجی خود به شدت گله داشت و استدلال می‌کرد که همان طور که در ۱۳ ژانویه در واشنگتن گفته بود رابطان ایرانی وی می‌توانند برای ایالات متحده بسیار قابل استفاده باشند. (مقام سیا شهادت داد که در اوایل فوریه طرح کامل فروش اسلحه در جلسہ‌یی در کاخ سفید، با شرکت نورث، سکورد، نوئل کاج معاون وزارت دفاع و دو مقام سیا، مورد بحث قرار گرفت. کمیته هنوز اطلاع دیگری دربارهٔ این جلسه دریافت نکرده است).

بنا به اسنادی که در اختیار این کمیته است، «محدودهٔ زمانی فرضی» نورث جهت برنامهٔ فروش اسلحه به ایران شیوه‌یی برای پرداخت در بر داشت که بر مبنای آن پرداخت‌های ایران در یک «حساب بانکی اسرائیلی» در سوییس واریز شود و سپس در همان بانک، به حساب دیگری که در اختیار سکورد بود، منتقل گردد. سپس حسابدار سکورد، به نوبه خود، پول کافی برای پرداخت قیمت واقعی سلاح‌ها و هزینهٔ حمل آن، به حساب سیا واریز خواهد نمود. وجه مزبور سپس به وسیلهٔ سیا، به حساب وزارت دفاع واریز خواهد شد و در آن زمان وزارت دفاع شروع به حمل سلاح‌ها برای ارسال خواهد نمود. طبق شهادت‌هایی که در مقابل این کمیته داده شده در تاریخ ۲۱ ژانویه، نورث از سیا خواست برای انجام بخشی از طرح که به عهدهٔ «سیا» است یک حساب بانکی در سوییس باز کند. بنا به شهادت مقام‌های سیا کارمندان سیا به این نتیجه رسیدند که سریع‌ترین و مطمئن‌ترین مکانیسم، استفاده از حساب موجود سیا است که در آن برای عملیات دیگری، پول موجود بود. یکی از مقام‌های سیا شمارهٔ آن حساب را به نورث داد؛ از این حساب چند ماه استفاده شد تا حساب دیگری به روال عادی باز شد. بنا به شهادت‌های سیا طی چند ماهی که حساب مزبور برای این دو طرح به طور مشترک مورد استفاده قرار می‌گرفت، وجوه مربوط به این دو طرح با هم مخلوط نشدند. اسناد و شهادت‌ها همچنین حاکی از آن است که در عمل برای وزارت دفاع کافی بود که سیا تضمین کند وجه لازم را در اختیار دارد. امر پرداخت عملاً چند ماه بعد، پس از آن که وزارت دفاع صورت‌حساب رسمی برای سیا فرستاد، انجام گردید.

در تاریخ ۱۸ ژانویه راسو مأموریت یافت که ۳۵۰۴ موشک تاو، پس از اطمینان یافتن از تأمین اعتبار آن از طرف سیا، به سیا تحویل دهد. در تاریخ ۷ فوریه ارتش شروع به تحقیق در این امر کرد که آیا مفاد لایحه اختیارات اطلاعاتی برای سال مالی ۱۹۸۶، ایجاب می‌کند که تحویل این تسلیحات به سیا، به اطلاع کنگره نیز برسد؟ در تاریخ ۱۳ فوریه دفتر شورای کل ارتش به این نتیجه رسید که

اطلاع‌دادن به کنگره به عهدهٔ سیا است نه ارتش. در یادداشتی به تاریخ ۵ مارس از سرلشکر راسو به سرلشکر پاول، راسو اظهارنظر کرد که این مسئولیت با سیا است و سیا خود از این امر کاملاً اطلاع دارد. در عین حال ارتش صورت‌حسابی به مبلغ ۳,۵۱۵,۰۰۰ دلار بابت ۱۰۰۰ موشک تاو برای سیا فرستاد.

در تاریخ ۱۲ فوریه سیا به ارتش اطلاع داد که صورت‌حساب فوق آمادهٔ پرداخت است و روز ۱۳ فوریه موشک‌های تاو به سیا تحویل داده شد. در تاریخ ۱۶-۱۵ فوریه این موشک‌ها به اسرائیل حمل شد و روز ۱۷ فوریه نیمی از آنها با هواپیما به ایران ارسال گردید. هواپیمایی که بقیهٔ موشک‌های تاو را تحویل داد، ۱۸ موشک هاک دریافت کرد و در تاریخ ۱۸ فوریه آنها را به اسرائیل بازگرداند. شهادت‌ها حاکی از آن است که خشوچی چهار چک، هر یک به مبلغ ۳ میلیون دلار، از قربانیفر دریافت کرد و ۱ میلیون دلار هم به عنوان بهره، به جیب سرمایه‌گذاران این معامله رفت و ۱ میلیون دلار دیگر صرف هزینه‌ها و سود این معامله شد. بنا به اسناد و شهادت‌هایی که در اختیار این کمیته است، قدم بعدی آن بود که برای نوبت دوم، اطلاعات دیگری در نیمهٔ فوریه در اروپا به قربانیفر داده شود. (این جلسه در اصل قرار بود در اوایل فوریه تشکیل شود و در تقویمی هم که برای کارهای روزانه در نوامبر ۸۶ تهیه شده بود، همین تاریخ دیده می‌شد. تاریخ مزبور در شهادت کیسی در ۲۱ نوامبر، نیز ذکر شده است. مدرک دیگری در اختیار کمیته نیست که نشان دهد در این تاریخ دیداری صورت گرفته است).

بنا به اظهارات برخی از شاهدان، سیا با اکراه اطلاعاتی را که قرار بود به ایران داده شود، تهیه کرد. طبق شهادت‌ها و اسناد موجود، نورث زمانی از پویندکستر خواست کیسی را به تهیهٔ مصالح مورد نیاز ترغیب نماید.

دیدار با قربانیفر مدت کوتاهی پس از تحویل نخستین محموله، حاوی نیمی از هزار موشک تاو، به ایران انجام شد. نمایندگان ایالات متحده در این ملاقات عبارت بودند از: نورث، سکورد و آلبرت حکیم، شریک آمریکایی ایرانی‌الصل ژنرال سکورد، به‌عنوان مترجم حضور داشت. اطلاعات مزبور به قربانیفر داده شد. همچنین صحبت‌هایی پیرامون تهدید اتحاد شوروی در منطقه که ایران و آمریکا به آن آگاهی داشتند، ردوبدل شد.

بعداً در ماه فوریه همین آمریکاییان با قربانیفر و یک مقام ایرانی ملاقات کردند. قبل از این جلسه انتظار می‌رفت برخی از زندانیان حزب‌الله آزاد شوند، اما به اسارت گرفتن دو سرباز اسرائیلی توسط حزب‌الله در نیمهٔ فوریه، به آن انتظار خاتمه داد. دیدار با مقام ایرانی چندان با موفقیت همراه نبود. نورث در یادداشتی به پویندکستر گزارش داد که ایران در نگرانی ایالات متحده از تهدید شوروی با آمریکا سهیم است. اما در عین حال عدم اعتمادشان به آمریکا نیز زیاد است. در یک پیام رادیویی به مک‌فارلن، نورث اظهار داشت که قربانیفر در ترجمهٔ اظهارات او، بسیاری از گفته‌هایش را تحریف کرده و این امر مشکل خاصی ایجاد کرده است. در یادداشت بعدی نورث گفته شده بود که «روشن شد که شرایط و تقاضاهای ما آن طور

یافت، و از او به خاطر کمک اسرائیل تشکر کند. با این همه مشاوران وی پافشاری می‌کردند که جلسه بعدی فقط با شرکت ایران و آمریکا تشکیل شود، بدون آن که اسرائیل نقش مستقیمی داشته باشد.

مأموریت مک‌فارلن در تهران

بین ماه مارس و ماه مه ۱۹۸۶ کلیه فعالیت‌های مربوط به طرح فروش سلاح به ایران حول ترتیب‌دادن دیدار مقام‌های بلندپایه ایران و آمریکا دور می‌زد. این فعالیت‌ها به اعزام مک‌فارلن به تهران در اواخر ماه مه و ارسال همزمان یدکی موشک‌های هاک به ایران انجامید. در تمام طول این مدت هیچ گروگانی آزاد نشد. در اوایل ماه مارس قربانیفر تقاضا کرد ملاقات دیگری با مقام‌های آمریکایی و اسرائیلی در اروپا داشته باشد. وی می‌خواست که آمریکا موشک‌های هارپون و ۲۰۰ موشک فونیکس به ایران بفروشد، اما دولت آمریکا آماده چنین معامله‌ای نبود. یک مقام سیا متذکر شد که نورث در صدد بود به شیوه قاطع‌تری با قربانیفر برخورد نماید در حالی که احتمالاً اسرائیل مشغول تأمین تسلیحات غیرآمریکایی دیگری برای ایران بود تا جریان را به پیش ببرد.

مأمور سیا که به عنوان مترجم وارد این برنامه شده بود، اندکی قبل از رفتن به اروپا در جریان جزئیات این برنامه قرار گرفت. شهادت وی حاکی از آن است که به وی گفته شده بود این برنامه، عملیاتی است که توسط شورای امنیت ملی هدایت می‌شود و سیا تنها کمک‌های ضروری را تأمین می‌نماید. این مأمور سیا از گذشته قربانیفر را می‌شناخت و شهادت وی حاکی از آن است که هنگامی که وی فهمید قربانیفر کانالی است که توسط دولت آمریکا به کار گرفته شده، متعجب و وحشتزده شد. در ملاقاتی در اوایل ماه مارس، قربانیفر موافقت مقام‌های ارشد دولت ایران را در مورد دیدار یک هیأت آمریکایی از تهران برای مذاکره، اطلاع داد. وی اظهار داشت که باید در حدود ۲۴۰ نوع لوازم یدکی برای سیستم موشکی هاک، توسط ایالات متحده تأمین شود، اما اظهار داشت که ورود هیأت نمایندگی آمریکا به ایران با نیمی از این لوازم یدکی به آزادی همه گروگان‌ها خواهد انجامید. شهادت داده شد که بحثی درباره قیمت لوازم یدکی هاک نشد. بعداً نورث نوشت که هیأت آمریکایی تأکید کرد که همان طور که در توافق فوریه آمده است، تحویل لوازم یدکی فوق قبل از آزادی گروگان‌ها به عمل نخواهد آمد. اینها درخواست فروش موشک‌های فونیکس و هارپون را رد کردند و استدلال‌شان این بود که دستگاه‌های پرتاب موشک ایران قابل بهره‌برداری نیستند. در ۱۱ ماه مارس، بنا به شهادت شولتز، پویندکستر به وی گفت که مسافرت مک‌فارلن به اروپا لغو شده است و این امر به پاره‌ی ملاحظات احتیاطی از سوی مک‌فارلن نسبت داده شد.

طی هفته اول یا دوم ماه مارس گیتز از تحلیلگران خواست مطالبی درباره تهدید نظامی شوروی علیه ایران، جهت استفاده مک‌فارلن در گفتگو با ایرانیان، تهیه

که باید توسط رابط به مقام‌های ایران منتقل نشده است». بنا به شهادت‌هایی که به کمیته داده شده، مقام ایرانی اظهار داشته بود که ایران نه تنها به تعداد بیشتری از موشک‌های تاو، بلکه به لوازم یدکی برای سیستم موشک‌های ضد هوایی هاک نیاز دارد. طرف‌های آمریکایی این تقاضا را پذیرفتند و دستور ارسال محموله دوم از هزار موشک تاو را صادر کردند. مقام ایرانی موافقت کرد که با مسئولان مافوق خود درباره چشم‌انداز دیدارهایی در سطوح بالاتر مشورت کند و برای دیدارهای بعدی برگردد. در اواخر فوریه ۵۰۰ موشک هاک تحویل داده شد، اما هیچ گروگان آمریکایی آزاد نگردید. بعداً نورث نوشت که در ملاقات ماه فوریه، توافق شده بود که گروگان‌ها همزمان با دیدار با شخصیت‌های ارشد ایران در تهران، آزاد خواهند شد و پس از آن آمریکا ۳۰۰۰ موشک تاو اضافی به ایران می‌فروشد. دونالد ریگان شهادت داد که فروش ۱۰۰۰ موشک تاو به ایران به رئیس‌جمهوری اطلاع داده شد.

طبق اسنادی که به دست این کمیته رسیده است، در زمان ملاقات ماه فوریه با مقام ایرانی، نورث همچنان مطمئن بود که گروگان‌ها به‌زودی آزاد خواهند شد. وی پیشنهاد کرد که مک‌فارلن یک هفته بعد برای ملاقاتی به اروپا فرستاده شود، اما پویندکستر و کیسی از این پیشنهاد استقبال نکردند. در نتیجه از مک‌فارلن خواست در این باره با پویندکستر صحبت کند. روز بعد پویندکستر موافقت کرد که مک‌فارلن برای جلسه مورد نظر به اروپا برود. شولتز شهادت داد که پویندکستر شروطی را که در مورد طرح به مک‌فارلن ارائه خواهد شد، به وی نشان داد و شولتز نیز آن را تصویب کرد. شولتز شهادت داد که به او گفته شد که گروگان‌ها همزمان با این ملاقات آزاد خواهند شد.

طبق مدارکی که در دست کمیته است کیسی می‌توانسته است برای دیدار دیگری با مقام ایرانی موافقت کند. روزی که پویندکستر متن تهیه شده محورها مذاکره و شروطی را که در مورد طرح ارائه خواهد شد به شولتز نشان داد، شولتز در مورد این که چه کسی در این ملاقات حضور خواهد یافت، ابراز نگرانی عمیق کرد. به ویژه نقش مترجم باعث نگرانی بود. در ابتدا قربانیفر مترجم بود، اما سیا هنوز جداً شک داشت که وی آدم قابل اعتمادی باشد. هر چند یکی از مقام‌های سیا در تماس نزدیک با قربانیفر بود و از او خواسته بود که همکاری نزدیک‌تری با وی داشته باشد، دیگران معتقد بودند که قربانیفر همچنان غیرقابل اعتماد است. استفاده از حکیم، به عنوان مترجم، مرجح بود، اما سیا از این احتمال نگران بود که حکیم در قضیه فروش سلاح به ایران منافع شخصی داشته باشد. کیسی پیشنهاد کرد که یکی از مأموران بازنشسته سیا، که هنوز مشاور این اداره بود، به عنوان مترجم و مشاور مطلع طرح فراخوانده شود. این امر در اوایل ماه مارس صورت گرفت.

در پایان ماه فوریه پرز، نخست‌وزیر اسرائیل، نامه‌یی به پرزیدنت ریگان نوشت و او را تشویق کرد که به کوشش‌هایش جهت یک گشایش استراتژیک به سوی ایران ادامه دهد و قول داد در این کوشش‌ها به وی کمک نماید. کیسی پیشنهاد کرد که رئیس‌جمهوری به پرز تلفن کند و به وی اطمینان دهد که این برنامه ادامه خواهد

نماینده‌های کنتر، در این دیدار مطرح شد یا نه، یادداشتی حاکی از آن است که صحبت حمایت از مجاهدین افغانی نیز به میان آمد. یادداشت دیگری حکایت از آن داشت که قربانیفر استفاده از سود این معامله را برای کمک به «شورشیان افغان و غیره» مورد بحث قرار داد. یادداشت بی تاریخ سومی، که ظاهراً به این جلسه ماه آوریل اشاره داشت، حاکی از آن بود که قربانیفر اظهار داشت ایالات متحده می‌تواند همین کار را در مورد نیکاراگوئه انجام دهد.

در یادداشتی به تاریخ ۴ آوریل نتایج دیدار واشنگتن گزارش شده است. دیدار هیأت نمایندگی آمریکا برای روز ۲۵ آوریل تعیین شده بود. قبل از آن قرار بود ایران مبلغ ۱۷ میلیون دلار به یک حساب اسرائیلی واریز کند که ۱۵ میلیون دلار آن به «حساب یک شرکت خصوصی آمریکایی» منتقل گردد. از آن مبلغ، ۳/۶۵ میلیون دلار بابت قیمت لوازم یدکی موشکهای هاک به سیا می‌رسید. طبق شهادتهایی، این قیمت، که وزارت دفاع از ماه مارس آن را تنظیم کرده بود، مربوط به آن بخش از لوازم یدکی می‌شد که در انبارهای خود وزارت دفاع موجود بود. چند ساعت پس از ورود هیأت نمایندگی آمریکا - که قرار بود توسط رفسنجانی، سخنگوی مجلس، مورد استقبال قرار گیرد - می‌بایستی گروگانها آزاد شوند و ۸ ساعت بعد از آن، لوازم یدکی موشکهای هاک تحویل داده شوند. در این یادداشت ذکر شده است که منافع وسیع‌تر ایالات متحده در رابطه با تهدید شوروی و خاتمه‌دادن به جنگ ایران و عراق، روشن شده بود. قربانیفر پیشنهاد کرده بود که اگر قرار توافق دیگری درباره فروش موشکهای تاو به ایران به نتیجه برسد، قسمتی از آن به شورشیان افغان اختصاص یابد. در این یادداشت همچنین ذکر شده است که مقرر شده بود ۲ میلیون دلار از باقیمانده پول به تأمین هزینه ۵۵۸ موشک تاو برای جایگزینی موشکهای اختصاص داده شود که اسرائیل در سپتامبر ۱۹۸۵ به ایران فروخته بود، و نیز «۱۲ میلیون دلار صرف خرید وسایلی گردد که موردنیاز شدید نیروهای مقاومت دموکراتیک نیکاراگوئه بود». در بخشی که به تغییر مسیر پولها مربوط می‌شود، این یادداشت مورد بحث بیشتری قرار گرفته است.

پیش‌نویس «شرایط معامله»، که برای استفاده مک‌فارلن در ملاقاتش با مقامهای عالیرتبه ایرانی تهیه شده بود، ضمیمه این یادداشت است. شهادت و یادداشت پیرو دیگری که برای بایگانی تهیه شده بود، حاکی از آن است که پیش‌نویس نامبرده در اواخر ماه مارس، توسط نورث و هوارد تیچر، یکی از مقامهای شورای امنیت ملی، تهیه شده، بعد دونالد فورتی‌پر اصلاحاتی در آن انجام داده و سپس مورد بررسی دریابان پویندکستر قرار گرفته بود تا تقدیم رئیس‌جمهوری گردد. «شرایط معامله» که به یادداشت ۴ آوریل ضمیمه است، همان است که در اسناد مربوط به مأموریت تهران، که شش هفته بعد انجام گرفت، آمده است.

قربانیفر پس از بازگشت به اروپا، روی جزئیات گفتگوهای طرح‌ریزی شده

نمایند. یک هفته بعد چند تن دیگر از تحلیلگران سیا با گیتز و برخی دیگر از شرکت‌کنندگان در جلسه دیدار با قربانیفر در اوایل ماه مارس، ملاقات کردند. آنها لیستی از نیازهای اطلاعاتی ایران را در رابطه با عراق تهیه کردند و درباره چگونگی برخورد با آن بحث کردند. کوششها و بحثهای اوایل ماه مارس در نهایت به تدوین اطلاعاتی انجامید که سیا در نیمه ماه مه به ایران رد کرد و در تهران در اواخر ماه مه مورد استفاده قرار گرفت.

در نیمه ماه مارس قربانیفر از تهران دیدار کرد. وی به مقامهای آمریکایی اظهار داشت که با چند تن از مقامهای عالیرتبه ایران ملاقات کرده اما این دیدارها با مشکلاتی همراه بوده است. بنا به گفته مقام سیا، نیر، که قربانیفر با وی نیز گفتگو کرده بود، اظهار داشت که پیشنهادهای ایران هنوز غیرقابل قبول است. نیر نگران بود که قربانیفر نزد مقامهای ایرانی بی‌اعتبار شده باشد و [به همین جهت] مقامهای آمریکایی را ترغیب کرد که با قربانیفر همکاری نزدیکتری داشته باشند. قربانیفر بیمار بود و مشکلات مالی هم داشت، و نیر دولت آمریکا را تشویق به حل مشکلات قربانیفر می‌نمود. نیر اظهار داشت که وی و همکارانش به قربانیفر کمک مالی می‌رسانده‌اند.

در اواخر ماه مارس به مقامهای آمریکایی گفته شد که قربانیفر بسیار ناراحت است. یک «مشاور شورای امنیت ملی» - احتمالاً لدین - به یک مقام سیا گفته بود که قربانیفر شک برده بود که سیا به دفتر یکی از همکاران او به نام روی فرمارک و نیز به منزل یکی از دوستانش در کالیفرنیا وارد شده باشد. قربانیفر به نیر و یک مقام سیا اظهار داشت که آلبرت حکیم سعی کرده بود رابط ایرانی قربانیفر را قانع کند که او را از این مذاکرات خارج سازد. مقامهای سیا، برای نشان دادن حمایت خود از قربانیفر، از او دعوت کردند که برای دیدار دیگری به واشنگتن برگردد.

در ۳ آوریل مقامهای آمریکایی با قربانیفر در واشنگتن ملاقات کردند و در صبح ۴ آوریل جلسه غیررسمی دیگری با وی داشتند. بحث درباره دیدار پیشنهادی او از ایران، طیف گسترده‌یی از جزئیات مطالب موردنظر را در بر می‌گرفت، از جمله: دیدار در کجا باید انجام شود؟ چگونه هیأت آمریکایی به ایران پرواز کند و با چه گذرنامه‌هایی؟ چه ارتباطاتی خواهند داشت؟ چه تسلیحات یا مصالح دیگری برای فروش به ایران همراه خواهند داشت و تحویل سلاحها و آزاد ساختن گروگانها چگونه هماهنگ خواهد شد؟ ایران، علاوه بر ۲۴۰ نوع لوازم یدکی برای موشک هاک، تقاضای خرید رادارهای هاک، موشک‌اندازهای I. HAWK و نیز تعداد بیشتری موشک تاو نیز کرده بود. تهدید شورویها علیه ایران و افغانستان یکی از مسائل مورد توافق دو طرف بود و قربانیفر اظهار داشت که خمینی در صدد صدور «فتوا»یی علیه گروگانگیری است. ایالات متحده اصرار داشت که همه گروگانها قبل از تحویل ۲۴۰ نوع لوازم یدکی هاک، آزاد شوند و تنها در آن موقع به بحث راجع به فروش اسلحه ادامه خواهد داد.

روشن نیست که آیا موضوع اختصاص دادن بخشی از سود این معامله به

در مورد وام «ارتباطی» - که برای شروع انتقال سلاحها مورد نیاز بود و دولت ایران تا رسیدن سلاحها و کنترل آنها از پرداخت وجه آن امتناع می‌ورزید - کار کرد. قربانیفر به یک مقام سیا اظهار داشت که سرهنگ دوم نورث قول داده بود دو دستگاه رادار هاک و نیز ۲۴۰ نوع لوازم یدکی مورد تقاضا را به ایران خواهد فروخت. وی همچنین پیشرفت خود را در کسب توافق در مورد ملاقات مقامهای عالیرتبه ایرانی با هیأت آمریکایی شرح داده است.

در نیمه ماه آوریل مشکلات دیگری پیش آمد. هر چند قربانیفر به آمریکا اطمینان می‌داد که مقامهای ایرانی آماده دیدار با مک‌فارلن هستند، در عین حال اظهار می‌داشت که ایرانیان اصرار دارند که قبل از تحویل تمام لوازم یدکی موشکهای هاک، کلیه گروگانها آزاد نشوند. وی اضافه کرد که ایرانیان وقتی دریافتند که مک‌فارلن نمی‌تواند کلیه موشکهای هاک را با هواپیمای خود حمل نماید، سرسختی بیشتری نشان دادند. همچنین ایران به پافشاری خود برای دریافت سیستم رادار هاک و لوازم یدکی دیگر ادامه داد.

در ۱۴ آوریل، ایالات متحده، در واکنش نسبت به دخالت لیبی در تروریسمی که منافع آمریکا را هدف قرار داده بود، به لیبی حمله کرد. به دنبال این حمله، یکی از گروگانها، به نام پیتر کیلبورن به دست ربایندگان خود به قتل رسید و ظاهراً این عمل به خواست معمر قذافی، رهبر لیبی، انجام گرفت. برخی از گزارشهای مطبوعاتی حاکی از آن است که حمله ایالات متحده، در عزیمت هیأت به ایران تأخیر به وجود آورد. شرح گزارش روزانه امور در کاخ سفید نشان می‌دهد که ایران در مقابل، خواهان تسریع در عزیمت هیأت مزبور بود تا به دست داشتن در قتل کیلبورن متهم نشود. این کمیته سند دیگری پیدا نکرده است که حاکی از تأثیر این قتل در امر فروش اسلحه به ایران باشد.

در همین حال وزارت دفاع همچنان به جمع‌آوری لوازم یدکی موشکهای هاک ادامه می‌داد. سیا در نیمه ماه آوریل، رسماً تقاضای ۲۳۴ فقره لوازم یدکی هاک را داشت و در اواخر ماه مزبور خواستار دو دستگاه رادار هاک نیز گردید. تا پایان ماه آوریل بهای لوازم یدکی که ارتش فراهم کرده بود، و هزینه حمل و نقل آنها، ۴/۴ میلیون دلار تعیین شده بود.

در ۲۲ آوریل اداره گمرک ایالات متحده اعلام کرد که چند فقره دستگیری در رابطه با عملیات «تکان‌دهنده‌یی» جهت فروش اسلحه به ایران کشف کرده و یک دلال اسلحه ایرانی، به نام سیروس هاشمی، موافقت کرده است که با مقامهای گمرکی همکاری نماید. قربانیفر، که در آن موقع در سوییس به سر می‌برد، به مدت یک روز زندانی شد. بنا به شهادت یکی از مشاوران سیا، مقامهای مربوطه حدس می‌زدند که قربانیفر به این دلیل زندانی شده که خود وی از سرمایه‌گذاران این طرح نافرجام بوده است. به نظر می‌رسد که این پیشامد، قربانیفر [و نیز ایران] را بیشتر مشتاق می‌کرد که معامله با آمریکا را از طریق کانال قابل اطمینانی انجام دهند، اما در عین حال ایران را بیش از پیش وادار می‌ساخت که پیشاپیش پولی

به قربانیفر ندهد.

در اواخر ماه آوریل عدم پیشرفت در ترتیب دادن دیدار مقامهای عالیرتبه از ایران، موجب شد که مقامهای ایالات متحده تصمیم به متوقف گذاشتن این معامله بگیرند مگر این که طی دو یا سه هفته قدمی از جانب ایران برداشته شود. یک مقام سیا نوشت که اختلافهای میان ایران و آمریکا غیرقابل حل به نظر می‌رسد. وی پیشنهاد کرد که دو دستگاه رادار هاک، به ایران فروخته شود و بر روابط درازمدت با ایران بر اساس تأمین وسایل نظامی دوباره تأکید کرد. مقام سیا متذکر شد که اسرائیل از قبل به چنین روابطی علاقمند بود و ممکن است تا به حال بی‌سروصدا به فروش اسلحه آمریکایی به ایران کمک کرده باشد. پس از آن ظاهراً قربانیفر و (یا) نیر پیشنهاد کردند که مأموریت به ایران تنها یک دیدار مقدماتی تلقی گردد. مقامهای آمریکایی این عقیده را رد کردند و متذکر شدند که اگر ایران توافقی که در ماه فوریه شده بود، درک کرده و به آن پایبند باشد، دیگر نیازی به دیدار مقدماتی نخواهد بود. در تاریخ ۵ ماه مه یک مقام سیا به کیسی و معاون وی هشدار داد که «کوششهای کاخ سفید جهت نیل به آزادی گروگانهای آمریکایی در لبنان کوشش بی‌حاصل بوده است».

در پایان ماه آوریل، طبق اسناد موجود، سفارت آمریکا در لندن مطلع شد که قربانیفر و خشوچی با یکی از دلالان بزرگ انگلیسی اسلحه تماس گرفته‌اند، به این امید که برای فروش اسلحه به ایران با تأیید آمریکا، ۵۰ میلیون دلار اعتبار بگیرند. به دلال انگلیسی مزبور توسط مقامهای اسرائیلی اطمینان داده شده بود که این عملیات به کاخ سفید وابسته است و در واقع تأیید آمریکا را همراه دارد. در تاریخ اول ماه مه، پرایس، سفیر آمریکا، این مسأله را به وزارت خارجه گزارش داد. روز بعد آرماکوست، معاون وزارت خارجه، تلگرامی خطاب به شولتز، که در کنفرانس اقتصادی توکیو شرکت داشت، فرستاد. آرماکوست گزارش پرایس را خلاصه کرد که در آن آمده بود که «وزارت خارجه به بازی گرفته نشده است». در تاریخ ۳ ماه مه، دریابان پویندکستر با سفیر مزبور صحبت کرد و توصیه نمود که دلال انگلیسی را به درگیر نشدن در این ماجرا ترغیب کند. یادداشت سفیر درباره این صحبت تلفنی حاکی از آن است که پویندکستر به سفیر اطمینان داد که تنها «یک جو حقیقت» در این ادعا وجود دارد که کاخ سفید این عملیات را تأیید کرده است. در همین حال در توکیو، شولتز، طبق شهادت خود او، سعی کرد پویندکستر را پیدا کند و از او در این مورد توضیح بخواهد، اما چون نتوانست پویندکستر را پیدا کند به دونالد ریگان، رئیس کارمندان کاخ سفید، مراجعه کرد. شولتز شهادت داد که به دونالد ریگان توصیه کرد که با رئیس‌جمهوری گفتگو کند و برای همیشه به این مسأله خاتمه دهد. بنا به گفته شولتز، بعد هم دریابان پویندکستر و هم کیسی به او گفتند که به عملیات خاتمه داده شده است. در اوایل ماه مه، تنها چند روز پس از این ماجرا، مقامهای مربوطه مجدداً در اروپا با قربانیفر ملاقات کردند. قربانیفر به آنها اطمینان داد که تأمین هزینه

تسلیمات مشکلی نخواهد بود. اسناد و شهادتها حاکی از آن است که قربانیان چندین بار گفتگو را قطع کرد تا با تهران تماس تلفنی بگیرد. بنا به شهادتهایی که بعداً ارائه شد، مقام سیا، که به عنوان مترجم در مذاکرات تهران شرکت داشت، در این مورد وارد مذاکره تلفنی با تهران شد تا توضیح دهد که ایالات متحده نمیتواند یا نمیخواهد تمام لوازم یدکی موشکهای هاک را، همزمان با ورود هیأت مکفارلن به تهران، تحویل دهد. در ابتدا، مایل نبودند قبل از دریافت تمام لوازم یدکی، با آزادی کلیه گروگانها موافقت نمایند، اما توافق شد که هواپیمای مکفارلن تا حد امکان لوازم یدکی با خود بیاورد و بقیه پس از آزادی گروگانها تحویل داده شود. گزارش روزانه امور در کاخ سفید حاکی از آن است که در این دیدار، اسرائیل به طور خصوصی به آمریکا اظهار داشت که خواهان جایگزینی ناوهای است که طبق یادداشت ۴ آوریل قرار بوده است هزینه آن از محل این فروش تأمین شود. قیمتی که در این جلسه برای لوازم یدکی هاک مورد بحث قرار گرفت تقریباً ۲۲/۵ میلیون دلار، به اضافه ۲۰ میلیون دلار جهت رادارهای هاک، بود. اما مقام سیا که در این گفتگوها شرکت داشت بعداً گواهی داد که هنگام گفتگو درباره آن مسائل وی حضور نداشته است. لیکن شهادتها حاکی از آن است که سرهنگ دوم نورث در مورد مسأله گرانتر فروختن [تسلیمات] با یک مقام دیگر صحبت کرده است. مقام سیا که در این گفتگو شرکت داشت نوشت که کشمکش بر سر این که چه تعداد لوازم یدکی هاک قبل از آزادی گروگانها به ایران تحویل داده شود، به عنوان یک مسأله باقی ماند. یک مقام سیا شهادت داد که گزارش این مسائل در دسترس هیأت مکفارلن قرار داده شد.

بلافاصله پس از دیدار اروپا در اوائل ماه مه، مقامهای آمریکایی آمادۀ سفر خود به ایران می شدند. به وزارت دفاع گفته شد که آمادۀ انتقال لوازم یدکی موشکهای هاک باشد. قیمتها به این ترتیب اعلام شد: لوازم یدکی هاک با هزینه حمل و نقل، ۴/۴ میلیون دلار، ۱/۸ میلیون دلار بابت ۵۰۸ موشک تاو و ۶/۲ میلیون دلار بابت دو دستگاه رادار.

طبق شهادت دریافت شده، در ۱۵ مه عدنان خشوجی ۱۵ میلیون دلار به حساب شرکت «لیک ریسورسز» ریخت. بعداً به مقامهای سیا گفته شد که خشوجی این مبلغ را از یک سرمایه گذار عرب و دو کانادایی تهیه کرده بود. شهادتها حاکی از آن است که به خشوجی چکهایی با تاریخ منقضی شده به مبلغ ۱۸ میلیون دلار به عنوان وام یک ماهه و بهره ۲۰ درصد آن، داده شده بود. اسناد و شهادتها نشان می دهد که به مقامهای سیا در اکتبر ۱۹۸۶ گفته شد که در ملاقاتی میان خشوجی و قربانیان در ماه مه صورت گرفت، قربانیان اظهار داشت که علت گران بودن قیمت این تسلیمات این است که از این وجه برای کمک به نیروهای کنتررا استفاده خواهد شد.

کیسی در شهادت خود، در تاریخ ۱۵ ماه مه، اظهار داشت که رئیس جمهوری مأموریت مکفارلن به تهران را تأیید نمود. طبق نامه دیگری که

بعداً از سیا به این کمیته رسید، در همان روز شرکت هاید پارک اسکوتر، مبلغ ۶/۵ میلیون دلار برای تأمین قیمت لوازم یدکی هاک و ۵۰۸ موشک تاو به حساب سیا در سوییس واریز نمود. (در شرح گزارش روزانه امور در کاخ سفید تاریخ این اقدام ۱۶ ماه مه و در یادداشت دیگری از سیا ۲۰ ماه مه ذکر شده است. شهادت کیسی به دنبال گزارش روزانه امور در کاخ سفید آمده است. تاریخ ۲۰ ماه مه ممکن است نشان دهنده روز واریز مبلغ دیگری باشد که قرار بود بابت رادارهای هاک پرداخت شود). در تاریخ ۱۶ ماه مه سیا به ارتش اطلاع داد که مبلغ لازم برای موشکهای هاک و تاو آماده است. موشکهای تاو در تاریخ ۱۹ ماه مه به سیا انتقال داده شد و در تاریخ ۲۳ ماه مه با کشتی به اسرائیل ارسال گردید. طبق شهادتهای موجود انتظار می رفت که لوازم یدکی هاک نیز در همین اوان به اسرائیل ارسال شود. در تاریخ ۲۰ ماه مه سیا تأیید کرد که بودجه لازم برای آزمایش، بازرسی و سرویس دستگاههای قدیم رادار تأمین شده است. روز بعد، سیا، اطلاعات بیشتری درباره قیمت رادارها دریافت کرد.

در تاریخ ۱۸ ماه مه یک مقام سیا با قربانیان گفتگو کرد؛ به وی اطمینان داده شد که هنگام رسیدن هیأت آمریکایی به تهران گروگانها در اختیار آنها قرار خواهد گرفت. همچنین به وی اطمینان داده شد که مکفارلن با سه تن از بالاترین مقامهای سیاسی تهران دیدار خواهد کرد (خامنه ای، رئیس جمهوری، موسوی، نخست وزیر و رفسنجانی رئیس مجلس). سه روز بعد قربانیان از مقام مزبور، به خاطر اطلاعاتی که توسط ریچارد سکورد به وی داده شده بود، اظهار تشکر کرد و برنامه استقبال و پذیرایی را که مورد انتظار هیأت آمریکایی بود، شرح داد.

مکفارلن در شهادت خود اظهار داشت که در تاریخ ۱۹ مه، وی اطلاعات لازم قبل از سفر را دریافت داشت. وی اضافه کرد که در پایان پویندکستر به وی اطمینان داد که شولتز نیز در برنامه ریزی سفر شرکت داشته و نظر واینبرگر هم جلب شده است. در شرایط پیشنهادی وی بر منافع مشترک و بلندمدت ایران و آمریکا در مقابله با تهدید شوروی تأکید شده بود. همچنین تصریح شده بود که آنها انقلاب ایران را به عنوان واقعیتی می پذیرند، اما لازم است ایران به حمایت خود از تروریسم و گروگانگیری و نیز به کوشش برای ضربه زدن به منافع ایالات متحده پایان دهد. همچنین ذکر شده بود که در جنگ ایران و عراق ایالات متحده نه پیروزی عراق و نه پیروزی همه جانبه ایران را می خواهد. شرایط پیشنهادی مکفارلن همچنین نشان می دهد که وی ایجاد رابطه برای کمک نظامی محدود را مدنظر دارد، اما اضافه می نماید که این امر بستگی به روشن تر شدن این مسأله دارد که در یک دورنمای کلی، منافع ایران و آمریکا در کجا به هم نزدیک یا از هم دور می شوند.

در فاصله ۲۳ تا ۲۵ ماه مه هیأت مکفارلن از طریق اروپا و اسرائیل عازم ایران شد. این هیأت در اسرائیل یک بسته لوازم یدکی هاک را که ایران تقاضا

نیست، بعد از آن مکفارلن از مذاکرات کنار کشید و اظهار داشت که اگر توافق به عمل آید دوباره به سر میز مذاکره باز خواهد گشت. ایرانیان سپس تأکید کردند که تشکیل چنین جلساتی تا چه حد برای آنها مخاطره‌آمیز است و هیأت آمریکایی به این نتیجه رسید که مقامهای علیرتبه - به ویژه شخص خمینی - از این دیدار مطلع نشده‌اند.

مکفارلن در پیامی به دریابان پویندکستر پس از جلسه ۲۶ ماه مه، اظهار داشت که ایرانیان به‌طور کلی حرفهای درستی می‌زنند و مرتباً هیأت آمریکایی را مطمئن می‌سازند که مسئله گروگانها در حال پیشرفت است. اما مکفارلن ضمن اشاره به قدمهایی که ایران و آمریکا در آینده می‌توانند بردارند، اصرار داشت که قبل از برداشتن این گامها، ایران باید به اقدامهای مشخصی دست بزند. وی برای پویندکستر تلگرامی فرستاد، مبنی بر این که ایرانیان در روز دوم مذاکرات، مذاکره‌گر قابلی همراه داشتند که هیأت ایرانی را اداره می‌کرده، اما خود وی از مذاکره کنار کشیده است تا نشان دهد که چیزی بیشتر از لفاظی ضرورت دارد.

در ۲۷ ماه مه برای اعضای هیأت آمریکا روشن شد که ایرانیان تعلل می‌ورزند هر چند که تقریباً تمام خواسته‌های لبنانیها را که روز قبل مطرح شده بود، کنار گذاشته‌اند. هیأت آمریکا پیش‌نویس موافقتنامه‌یی را که موضوع مذاکره در غروب آن روز شد، تهیه کرد. در نیمه آن شب ایرانیان برای مشورت میان خود جلسه را ترک کردند. در حدود ساعت ۲ بامداد روز ۲۸ ماه مه رئیس هیأت ایران تقاضای دیدار با مکفارلن را کرد. ایرانیان برای به‌دست گرفتن کنترل گروگانها تقاضای وقت بیشتری کردند و به آنها اطمینان داده شد که بقیه لوازم یدکی هاک، به فاصله چند ساعت پس از آزادی گروگانها، تحویل داده خواهد شد. مکفارلن تا صبح زود روز بعد به آنها مهلت داد و ادعا کرد که دستور داشته است که تا غروب روز ۲۷ ماه مه ایران را ترک کند. مکفارلن در پیام دومی به دریابان پویندکستر اظهار داشت که مذاکرات وی در سطح پایینی انجام نشده و میان دو طرف درباره منافع مشترک دو کشور تفاهم حاصل شده است. لیکن به مقام ایرانی به صراحت گفته شده بود که بقیه موشکهای هاک تنها پس از آزادی گروگانها تحویل داده خواهد شد. مکفارلن توصیه می‌کرد که، به‌رغم بهبود بسیار در لحن مذاکرات، رئیس‌جمهوری به وی اجازه دهد که روز ۲۸ ماه مه ایران را ترک کند، مگر این که شواهد روشنی از آزادی قریب‌الوقوع گروگانها دیده شود. مکفارلن اضافه کرد که وی به مقام ایرانی گفته بود که ادامه مذاکرات را می‌توان به پس از این دیدار موکول نمود.

بامداد روز ۲۸ مه یکی از ایرانیان سؤال کرد که آیا ایالات متحده حاضر است با آزاد شدن دو گروگان قبل از تحویل سلاح موافقت کند یا خیر. مکفارلن پاسخ داد که هر چند هیأت آمریکا در شرف ترک ایران است، اما دستور توقف تحویل سلاح را تا ساعت ۹/۵ به عقب خواهد انداخت. اثری از آزادی گروگانها دیده نشد، با این همه رئیس‌جمهوری به مکفارلن اختیار داد که در مورد زمان

کرده بود، تحویل گرفت. مکفارلن بعداً شهادت داد که سکورد در اسرائیل به استقبال این هواپیما آمد، اما به قول مکفارلن، نقش او تنها در رابطه با هواپیما بود. هیأت مکفارلن عبارت بود از: سرهنگ نورث، هوارد تیچر (که رسماً مافوق نورث در کادر شورای امنیت ملی بود)، مقام سیا که به‌عنوان مترجم خدمت می‌کرد، و دیگران، از جمله رابطان آمریکایی. مکفارلن به میس، دادستان کل، اظهار داشت که وی انجیل امضا شده همراه نداشت، اما سرهنگ نورث یکی را که در گزارشهای ایران ذکر شده، آورده بود. مکفارلن بعداً در شهادت خود گفت که وی گذرنامه خود را همراه داشت و کیک یا انجیل همراه نداشت. تیچر و مقام سیا شهادت دادند که نورث کیک را همراه خود آورد و مقام سیا که انجیل را هم به خاطر می‌آورد. اسناد حاکی از آن است که اگر هم در واقع مکفارلن با گذرنامه جعلی سفر نمی‌کرد، در هر حال یک گذرنامه جعلی برای او تهیه شده بود که برگردانده شد، در حالی که مهر ویزای توریستی یک هفته‌یی و نیز مهر ورود به تهران به آن زده شده بود. تیچر بعداً شهادت داد که وی جریان مذاکرات و دیدار را به تفصیل یادداشت کرد و مترجم هیأت نیز بعداً یک گزارش از این دیدارها تهیه کرد. بررسی دیدار تهران در گزارش کمیته بر اساس منبع اخیر و نیز تلگرام مکفارلن به پویندکستر تهیه شده است.

در تاریخ ۲۵ ماه مه مذاکرات تهران با کندی شروع شد و هیأت اعزامی مجبور شد مدتی منتظر بماند تا مقامهای ایرانی به استقبال بیایند. هیأت مزبور به یک هتل در تهران برده شد، در اواخر عصر آن روز نخستین جلسه دیدار تشکیل شد. ایرانیان نخست گناهان گذشته آمریکا را شمردند و تقاضا داشتند دولت آمریکا بیش از آن چه در ماه فوریه توافق شده است، قدم بردارد. هیأت آمریکایی تأکید کرد که حدود توافق ماه فوریه باید رعایت شود.

در تاریخ ۲۶ ماه مه، باز هم تا غروب مذاکراتی به عمل نیامد. مترجم بعد، متوجه شد که به علت ماه رمضان، احتمالاً تغییراتی در برنامه عادی مذاکرات صورت گرفته است. مکفارلن مذاکرات را با ارائه موضوع آمریکا آغاز کرد و بر سر منافع بلندمدت، همچنان که در شرایط پیشنهادی آمده بود، تأکید بسیار کرد. با این اظهارات نسبتاً خوب برخورد شد، اما پس از آن، ایرانیان فهرستی از تقاضاهای گروگان‌گیران اتباع آمریکایی را مطرح ساختند. آنها همچنین ایالات متحده را به پشت‌پازدن به تعهدات خود متهم ساختند، زیرا مکفارلن نیمی از لوازم یدکی هاک را به همراه نیاورده بود. اعضای هیأت آمریکایی از این اتهام بسیار شگفت‌زده شدند، اما بعداً دریافتند که قربانیفر این توهم را میان ایرانیان به وجود آورده بود که نیم دیگر لوازم یدکی موشکهای هاک را همراه خود خواهند آورد. هیأت آمریکایی همچنان تأکید کرد که گروگانها باید قبل از تحویل سلاحهای بیشتر آزاد شوند.

چون پیشرفتی حاصل نشد، مکفارلن تهدید کرد که به مذاکرات خاتمه داده ایران را ترک خواهد کرد. ایرانیان اعتراض کردند که این رفتار مناسبی

از ژوئن تا سپتامبر ۱۹۸۶

طبق شهادت مکفارلن، در تاریخ ۲۹ مه وی از مأموریت تهران بازگشت در حالی که بیش از پیش متقاعد شده بود که فروش سلاح اشتباه بوده است و باید به آن خاتمه داده شود. یک کارمند شورای امنیت ملی شهادت داد که این خبر به سرعت پخش شد که رئیس‌جمهوری تصمیم گرفته است که قدم دیگری از جانب ایالات متحده برای فروش سلاح برداشته نشود. قدم بعدی باید توسط ایران برداشته شود. یک مأمور اطلاعاتی که همراه هیأت مکفارلن به تهران رفته بود، ضمن آن که، مثل دیگران، از عدم تمایل یا عدم توانایی ایران برای ترتیب‌دادن یک ملاقات با مکفارلن در سطح بالا و نیز تضمین آزادی گروگانهای بیشتر، سرخورده بود، احساس می‌کرد که ایالات متحده پیام خود را مبني بر جدی‌بودنش، به مقامهای ایران رسانده است و در پایان این سفر ایرانیان واقعاً خواستار ادامه گفتگوها بودند. یک مأمور اطلاعاتی که در سفر تهران همراه با مکفارلن بود، ضمن عدم مخالفت با این که قدم بعدی باید از جانب ایران برداشته شود، توصیه کرد که اگر قرار است گفتگو با ایران ادامه یابد، بهتر است او و سرهنگ دوم نورث آنها را در اروپا ملاقات کنند. طولی نکشید که مقامهای ایرانی از عکس‌العمل آمریکا در مورد مذاکرات تهران آگاه شدند. در گزارش روزانه امور در ماه نوامبر ۱۹۸۶ درباره برنامه تهیه شده توسط کارمندان شورای امنیت ملی آمده است که در تاریخ ۱۰ ژوئن ۱۹۸۶ رفسنجانی، رئیس مجلس ایران، طی یک سخنرانی مسأله علاقه ایران به بهبود روابط با آمریکا را با احتیاط مطرح ساخت. این کمیته نمی‌داند که نطق مزبور در آن تاریخ، به‌عنوان علامتی از سوی ایران تلقی شده بود یا خیر، اما خیلی زود به پرسنل سیا گفته شد که ممکن است ملاقات دیگری صورت گیرد و به مقامهای ایرانی نیز اطلاع داده شد که احتمال دیدار در اروپا وجود دارد.

در اواخر ماه ژوئن ظاهراً هر دو طرف در صدد تدوین برنامه جدیدی جهت تحویل اسلحه و آزادی گروگانها بودند. طبق یک گزارش، ایران مشغول بررسی این مسأله بود که قبل از تحویل اسلحه بیشتر، گروگان دیگری را آزاد سازد یا خیر. گزارش دیگری حاکی است که اسرائیل سعی کرد با اضافه کردن پاره‌یی تجهیزات مجانی به تسلیحاتی که فروش آنها پیشنهاد شده بود، «تنور مذاکرات را گرم نگهدارد». طبق شهادتهایی که به کمیته داده شده، ایرانیان از قیمت گزافی که بابت تسلیحات به آنها تحمیل می‌شد، به ویژه درباره لوازم یدکی برای سیستم موشکهای هاک ناراضی بودند و نیز به علت آن که آمریکا تعهد خود مبني بر ارسال نیمی از وسایل یدکی موشکهای هاک به همراه هیأت نمایندگی خود به تهران در ماه مه ۱۹۸۶، وفادار نمانده است. یک مقام سیا که در این مأموریت شرکت داشت، اظهار می‌دارد که چنان قولی داده نشده بود. در همین اوان، طبق شهادت یک مقام سیا، روشن شد که ایران قادر نبود ربایندگان گروگانهای آمریکایی را کنترل کند. در اوایل

خروج از ایران خود تصمیم بگیرد. هیأت آمریکایی در ساعت ۹ تهران را ترک کرد. در گزارش روزانه امور در کاخ سفید که بعداً نوشته شده و پیامهای مکفارلن را در بر دارد، ذکر شده است که به‌رغم عدم تمایل یا عدم توانایی ایران در کسب آزادی گروگانها، ملاقات مزبور «رابطه‌یی با تداوم پایه‌ریزی کرد» و مقام سیا بعدها متذکر شد که هیأت آمریکا با مقامهای ارشد دولت ایران ملاقات کرده است. لیکن یکی از اعضای شورای امنیت ملی بعداً شهادت داد که مکفارلن از نتایج کار راضی نبود.

مقام سیا، که به‌عنوان مترجم انجام وظیفه می‌نمود، بعداً شهادت داد که قربانیفر در یکی از دیدارها به وی گفته بود که ممکن است ایرانیان دیگری به قیمت ۲۴ میلیون دلار وسایل یدکی موشکهای هاک اعتراض کنند. طبق این شهادت، قربانیفر از مقام سیا درخواست کرد که قیمت سلاحها را فاش نکند. مقام سیا اظهار می‌دارد که بعد از آن با سرهنگ دوم نورث صحبت کرد، اما وی نتوانست توضیحی را ارائه دهد و هر دو آنها درباره این مسأله با یکی دیگر از اعضای هیأت صحبت کردند ولی باز نتوانستند توضیح قانع‌کننده‌یی به دست آورند.

ژوئیه، دو مقام سیا یادداشتهای خود را با یکدیگر مقابله می‌کردند تا ببینند آیا این برنامه در معرض خطر است یا خیر. یکی از آنها شهادت داد که وی سرهنگ دوم نورث را از خشم ایرانیان در مورد گران بودن قیمت‌ها مطلع کرده بود. در اوایل ماه ژوئیه، اقدامهای مختلف دیگری، بدون موفقیت، جریان داشت. ایران لیستی از قیمت لوازم هاک در دست داشت و تفاوت قیمت‌های آن لیست با قیمت‌هایی که با ایران حساب می‌شد، بیش از آن بود که بتوان آن را نادیده گرفت یا توضیحی برای آن ارائه داد.

طی همین مدت مقامهای ایرانی به‌طور خصوصی به مقامهای دو کشور دیگر اظهار داشتند که خواهان روابط بهتری با ایالات متحده هستند و در یک مورد به احتمال آزاد شدن گروگانها اشاره کردند. سرهنگ دوم نورث از هر دو این تماسها آگاه شد و در تاریخ ۱۷ ژوئیه اجازه یافت از طریق این دو کشور پاسخ مثبت به ایران بدهد.

در نیمه ماه ژوئیه پیشرفت کمی حاصل شد. از طریق کانالهای متعدد برای ایران روشن شده بود که در صورتی که گروگان دیگری آزاد نشود اقدام دیگری از جانب آمریکا به‌عمل نخواهد آمد. طبق اسنادی که در اختیار کمیته است ایرانیان این امر را پذیرفتند و قدمهایی برای ترتیب‌دادن آزادی یک گروگان برداشتند. ایران همچنین توافق کرد مبلغ ۴ میلیون دلار بابت وسایل یدکی موشکهای هاک که توسط هواپیمای مک‌فارلن حمل و تحویل داده شده بود، بپردازد.

یکی از یادداشتهای کیسی به پویندکستر حاکی از آن است که در اواخر ژوئیه، زمانی که هنوز هیچ گروگانی آزاد نشده بود، آمریکا به قربانیفر گفت که معامله لغو شده است. لیکن یک روز بعد معلوم شد که واقعاً یک گروگان آزاد خواهد شد و در تاریخ ۲۹ ژوئیه کشیش جنگو آزاد شد.

کیسی در همان یادداشت به پویندکستر به تاریخ ۲۹ ژوئیه، به تفصیل به شرح نقش شرکت‌کنندگان در برنامه فروش اسلحه پرداخت و تصریح کرد که در اقدام بعدی نظر ایرانیان باید تأمین شود. کیسی استدلال کرده بود که قربانیفر هر چند غیرقابل کنترل است، اما «به نظر می‌رسد که به‌طور کلی رهنمود نیر را اجرا می‌کند». به گفته کیسی، نیر و مقامهای اسرائیلی به فعالیتهای خود جهت آزادی گروگانها ادامه خواهند داد، زیرا مسأله اعتبار آنها مطرح است و این برنامه با منافع اسرائیل نیز هماهنگی دارد. اگر قرار باشد ایالات متحده به این حرکت ایران پاسخ ندهد «ممکن است اوضاع واقعاً خراب شود» و «کاملاً احتمال دارد ایران و یا حزب‌الله به قتل یک یا چند تن از بقیه گروگانها مبادرت ورزد». کیسی اعتراف داشت که آزادی تدریجی گروگانها ناخوشایند است اما به نظر وی شاید این «تنها راه پیشرفت» در این زمینه باشد. وی همچنین احساس می‌کرد که حل این مسأله می‌تواند در بلندمدت، به «رابطه با جناحهای میانه‌رو در ایران» منجر گردد.

سرهنگ دوم نورث هم در یادداشتی به تاریخ ۲۹ ژوئیه به دریابان پویندکستر، پیشنهاد کرده بود که پویندکستر توافق رئیس‌جمهوری را جهت ارسال

بقیه قطعات هاک به ایران به‌دست آورد. نورث همچنین در یک پیام رادیویی به مک‌فارلن، تأکید کرد که آزادی کشیش جنگو در واقع در نتیجه مأموریت هیأت مک‌فارلن به تهران حاصل شده و سوریه در این میان نقشی نداشته است. در این سند همچنین یادداشتی از قول دریابان پویندکستر، به تاریخ ۳۰ ژوئیه، نقل شده که بنا به آن، رئیس‌جمهوری ارسال بقیه لوازم یدکی هاک را به ایران تصویب کرده است. در همان روز بوش، معاون رئیس‌جمهوری، در اورشلیم توسط آقای نیر در جریان اوضاع قرار گرفت. بوش به پیشنهاد سرهنگ دوم نورث در این جلسه شرکت کرد. طبق یادداشتی به تاریخ یک هفته بعد از این دیدار، که توسط یکی از مقامهای حاضر در این جلسه نوشته شده، نیر اظهار داشت که به تقاضای پرز، نخست‌وزیر، معاون ریاست‌جمهوری را در جریان اوضاع قرار داده است. وی اعتراف کرد که در برنامه مشکلاتی پیش آمده، اما معتقد بود که ایرانیان طرف معامله کسانی هستند که می‌توانند این مشکلات را حل کنند. وی همچنین به شرح مشکلات ناشی از آزادی گروگانهای دیگر پرداخت. طبق این یادداشت، معاون رئیس‌جمهوری هیچ‌گونه تعهدی نپذیرفت و رهنمودی به نیر نداد.

ظاهراً به دنبال تصویب رئیس‌جمهوری، ریگان، قطعات هاک در تاریخ ۳ اوت به ایران رسید.

طی این مدت، طبق اسنادی که در اختیار کمیته است، ایالات متحده در صدد یافتن کانال دیگری برای ارتباط با مقامهای ایرانی بود. در نیمه ماه ژوئیه آلبرت حکیم و یکی از کارمندان دولت آمریکا، با یکی از آشنایان حکیم که به سر گرفتن معاملات اسلحه علاقه داشت، ملاقات کرد. آشنای مزبور یک مقام دولتی ایران را می‌شناخت که مایل بود با دولت آمریکا تماس بگیرد و درباره فروش سلاح صحبت کند. حکیم ترتیب امور را طوری داد که ایرانی مزبور، به جای مراجعه به کانال موجود، به خود وی مراجعه نماید. در اواخر ماه ژوئیه سرهنگ دوم نورث به دریابان پویندکستر گزارش داد که ملاقاتهایی با افرادی صورت گرفته تا معلوم شود آیا آنها می‌توانند واسطه این جریان شوند یا نه. روشن نیست که نورث به دیدار نیمه ماه ژوئیه اشاره می‌کند یا به ملاقات دیگری نظر دارد که بعداً انجام شد. حکیم از این جریان راضی بود، زیرا رابط آشنای او هم به معامله سلاحهای غیرکشنده تمایل داشت. ظاهراً حکیم اظهار داشت که می‌خواهد این راه را ادامه دهد، اعم از این که دولت ایالات متحده نیز از این کانال استفاده بکند یا خیر. پیشنهادی که بعدها به نتیجه رسید، فروش وسایل پزشکی، به قیمت تمام شده، بود.

طبق شهادتهایی که به این کمیته داده شده، در ماه اوت حکیم و سکورد با آن مقام ایرانی که در صدد تماس با دولت آمریکا برای خرید اسلحه بود، دیدار کردند. سکورد به نورث گزارش کرد که تحت تأثیر آن ایرانی قرار گرفت زیرا او از کانال موجود اطلاع داشته، اما ظاهراً قربانیفر و دیگر دلالان را غیرقابل اعتماد تلقی می‌کرده است. مقام ایرانی قول داد که اختلالی در کانال موجود ایجاد نکند، اما اظهار داشت که با دولت خود در مورد بازکردن کانال دیگری برای ارتباط با دولت

آمریکا، مشورت خواهد کرد.

کانال ارتباطی اول در ماه اوت ۱۹۸۶، ضمن ادامه فعالیت، با نگرانی فزاینده‌ی روبه‌رو بود. دو مقام سیا شهادت دادند که هر چه بیشتر در کشف منبع تأمین هزینه این معامله تلاش کردند - و نتوانستند به چیزی پی ببرند -، بیشتر از قربانیفر عصبانی شدند. قربانیفر اعتراف کرد که سعی داشته است سودی در حدود ۶۰ درصد قیمت اصلی به جیب بزند، اما در این صورت مبلغ معامله، که اکنون مقامهای سیا به آن پی برده بودند، می‌بایست دستکم ۵ برابر قیمت اصلی در نظر گرفته شده باشد. در تابستان ۱۹۸۶، بخش خاور نزدیک سیا از بخش دیگری کمک خواست تا یک لیست تقلبی قیمت، برای توجیه قیمت‌های بیش از اندازه قطعات هاک، تهیه کند. بخش مزبور بعداً به یاد آورد که به بخش اول توصیه کرده بود که برای کمک گرفتن در این مورد به وزارت دفاع مراجعه نماید، و کمیته نمی‌داند که آیا بالاخره لیست تقلبی تهیه شد یا خیر.

بنا به اسناد و شهادتهایی که توسط این کمیته دریافت شده است، در اوایل ماه اوت کوشش برای ارسال دو رادار هاک که ایران تقاضا کرده بود، توسط کانال اولی، از سر گرفته شد. در نیمه ماه اوت آمیرام نیر به کارمندان سیا اظهار داشت که وی بیشتر تقاضاهای قربانیفر را در زمینه کاهش قیمت‌ها و ارائه قیمت‌های جدید تصویب کرده، هر چند دستکم یکی از پیشنهادهای قربانیفر تصویب نشده است. نیر، همچنین اظهار داشت که قربانیفر احتمالاً دیگر از اعتماد ایرانیان برخوردار نیست. پیشنهاد اخیر وی این موارد را شامل می‌شد: رادارهای هاک، تعدادی لوله الکترونیک برای سیستم هاک، ۱۰۰۰ موشک تاو، یک سفر دیگر به تهران، فروش اقلام دیگری توسط اسرائیل و آزادی سه گروگان دیگر که معوق مانده بود.

در اواخر ماه اوت طی دیداری میان قربانیفر، نیر و نورث، صورت خرید دیگری پیشنهاد شد که در آن ۱۰۰۰ موشک تاو دیگر، به جای موشک‌هایی که قرار بود توسط اسرائیل فروخته شود، اضافه شده و قید گردیده بود که جسد ویلیام باکلی برای کفن و دفن آبرومندانه تحویل داده شود. در اواخر اوت، مقدمات ارسال ۵۰۰ موشک تاو آغاز شده بود.

طبق اسنادی که در دست این کمیته است، در تاریخ ۲ سپتامبر نورث یادداشتی خطاب به پویندکستر درباره «اقدامهای بعدی در مورد ایران» فرستاد. در میان نکاتی که در این یادداشت آمده بود، وی از پیام‌هایی که توسط دو کشور دوست ارسال می‌شوند، آخرین پیشنهاد قربانیفر و پیداشدن یک کانال احتمالی جدید سخن گفته بود. پیشنهاد وی که مورد توافق سیا هم قرار داشت، این بود که نخستین تلاش باید فقط کانال قربانیفر باشد.

به نظر می‌رسد که پیشنهاد نورث توسط پویندکستر یا رئیس‌جمهوری رد شده باشد، زیرا در یادداشتی به تاریخ ۸ سپتامبر از نورث به پویندکستر، از «رهنمود» برای حصول آزادی هر سه گروگان با هم، و نه به دنبال یکدیگر، صحبت شده بود. در این یادداشت که به یادداشت ۲ سپتامبر ضمیمه بود، توافق سیا با محتوای آن

دوباره قید شده بود. در یادداشت مزبور این نکات ذکر شده است: متقاعدکردن کانال اول برای حصول آزادی کلیه گروگانها غیرممکن است، وزارت دفاع سلاحهای کافی فراهم کرده است تا آزادی تدریجی گروگانها برای ایران قابل قبول باشد، احتمالاً کانال اول با توجه به رهنمودهای کانال جدید عمل کرده است، کیسی، که بررسی طرح ایران همان روز زیر نظر او انجام شده، کانال قربانیفر را «تنها وسیله مطمئن» جهت آزادی گروگانها تلقی می‌کند و به همین جهت از اقدامهای ضربتی برای تحقق طرح پیشنهادی قربانیفر پشتیبانی می‌کند و در عین حال امیدوار است که کانال جدید در اواخر سپتامبر تغییراتی به وجود بیاورد. در این یادداشت استدلال شده است که «احتمالاً چشمانداز موقعیت ما مناسب‌تر از هر زمان دیگر در آینده است».

سرهنگ دوم نورث، پس از دیدار با پویندکستر، به یک مقام سیا اظهار داشت که کانال قدیمی در شرف تعطیلی و کنار گذاشته شدن است و به جای آن کانال جدید گسترش خواهد یافت. طبق یادداشتی که در اختیار کمیته قرار گرفته است، به سرهنگ دوم نورث هشدار داده شد که کانال قربانیفر باید به شیوه امنی بسته شود، که معنای آن پیداکردن پول کافی برای نجات قربانیفر از مشکلات مالی بوده است. در این یادداشت به رقم ۴ میلیون دلار اشاره شده است. علاوه بر این، طبق شهادتهایی که در مقابل این کمیته داده شده، به دیگران نیز در مورد مخاطرات ناشی از بستن کانال قربانیفر در آن زمان، هشدار داده شده بود.

یک مقام سیا شهادت داد که در این موقع وی برای اولین بار به این نکته توجه کرد که یک دلیل مشکلات قربانیفر، ممکن است انحراف پولها، به دلیل نقش حکیم و سکورد در تأمین کمک به نیروهای ضدساندنیست، باشد. این نگرانیها، به ویژه نگرانی این که مشکلات قربانیفر ممکن است منجر به شناخته‌شدن یک فرد بینجامد، موجب شد که مقام سیا این احتمال را با کیسی و گیتز، معاون وی، در اوایل اکتبر، یعنی درست همان زمانی که منبع دیگری تهدید به شکایت قانونی می‌کرد، در میان بگذارد. این وقایع در قسمت بعدی این گزارش مورد بحث قرار خواهد گرفت. در نیمه ماه سپتامبر دیدار پرز، نخست‌وزیر، و دیگر مقامهای اسرائیلی از واشنگتن، ملاقاتهای دیگری را، در سطح پایین، با نیر موجب شد و گزارش آن به رئیس‌جمهوری و پویندکستر، برای ملاقاتشان با پرز و نیر، داده شد. در یادداشت نورث به پویندکستر، جهت تهیه گزارش برای رئیس‌جمهوری ذکر شده است که اسرائیلیها از نیات آمریکا در مورد برنامه ایران بسیار عصبانی هستند. در این یادداشت توصیه شده که رئیس‌جمهوری رضایت خود را از نقش اسرائیل ابراز نماید و متذکر شود که ما قصد داریم به هماهنگ کردن فعالیت‌های خود با اسرائیل در قبال ایران ادامه دهیم. در همین اوان لدین سعی داشت برای بحث درباره این برنامه با شولتز دیدار کند (و در ماه اکتبر نیز این تلاش را تجدید کرد) اما شولتز شهادت داد که از ملاقات با لدین خودداری کرد.

طبق اسناد و شهادتهایی که به این کمیته داده شده، در طول ماه سپتامبر

قدیمی به سوی کانال جدید برداشته شد. در اوایل سپتامبر ارسال وسایل پزشکی - که حکیم در اوایل ژوئیه پیشنهاد کرده بود - به جریان افتاد و سیا شروع به خرید و بسته‌بندی این وسایل کرد.

در اوایل پاییز دیداری میان مقامهای آمریکایی و کانال جدید به عمل آمد که توسط سکورد ترتیب داده شده بود. طبق اسناد و شهادتهایی که در دست این کمیته است، مقام ایرانی اظهار داشت که منظور وی از ملاقات با هیأت آمریکایی، بالابردن سطح رابطه بین ایران و آمریکا است. مقام ایرانی گفت که ایران حل مسأله کانال قدیم را خود به عهده می‌گیرد، و او می‌بایست به عنوان کانال جدید تلقی شود. بنا بر اسنادی که در دست کمیته است، مسأله گروگانها «به عنوان یک مانع، و نه یک مسأله کلیدی در رسیدن به یک رابطه استراتژیک» در این ملاقات مطرح شد. مقام ایرانی گفت که ایران مخالف گروگانگیری و تروریسم است و شخص آیت‌الله خمینی فتوایی تهیه کرده که در آن گروگانگیری محکوم شده است (قول آن را قربانیفر در ماه آوریل داده بود). مقام ایرانی دیگری به یکی از شرکت‌کنندگان در جلسه گفته بود که مسأله گروگانها «به زودی حل خواهد شد». نیازهای اطلاعاتی ایران نیز، در این جلسه، به تفصیل ارائه شد و صحبتی نیز از تشکیل کمیته مشترک ایران و آمریکا به میان آمد تا بتواند امر بهبود روابط را به عهده بگیرد - نخست به طور محرمانه و سپس به طور آشکار -.

طبق اسناد و شهادتهایی که در دست کمیته است، هیأت آمریکا به مقام ایرانی اظهار داشت که برای اثبات جدی بودن ایالات متحده، صدای آمریکا ایران را به عنوان یکی از کشورهای ذکر خواهد کرد که آمریکا مایل است از آنها تشکر کند، چون به هواپیمای تی. دبلیو.ای ربنوده شده در کراچی، اجازه فرود نداد. چند روز بعد مقامهای سیا و شورای امنیت ملی برای بحث درباره نگارش پیش‌نویس یک گفتار دیدار کردند. هیأت شورای امنیت ملی، که از طریق مقامهای وزارت خارجه عمل می‌کرد، اداره اطلاعات آمریکا (USIA) را متقاعد ساخت که این تقاضای غیر متعارف از سوی «بالاترین سطوح» دولتی آمده است و گفتار مزبور طی سه روز از صدای آمریکا پخش شد.

در پایان ماه سپتامبر زمینه برای انتقال به کانال جدید کاملاً فراهم شد و، در عمل کانال نخست رها شد تا خودبه‌خود از میان برود.

سازش بر سر برنامه

بنا به اظهارات روی فرمارک، در پایان ماه سپتامبر ۱۹۸۶، خشوجی از فرمارک تقاضا کرد که با کیسی ملاقات و از او تقاضای کمک کند. خشوجی در تأمین هزینه معامله اسلحه میان آمریکا و ایران کاملاً درگیر بود و ۱۰ میلیون دلار از این بابت طلب داشت. وجه مزبور به چندین تن سرمایه‌گذار تعلق داشت. و به حسابی متعلق به شرکت لیک رسیورسز، یعنی شرکتی که با نورث، سکورد و حکیم ارتباط

داشت، واریز شده بود. طبق گفته فرمارک، خشوجی تصور می‌کرد که حساب مزبور حسابی متعلق به دولت آمریکاست. راه‌حل پیشنهادی او این بود که دولت ایالات متحده یا ده میلیون دلار را پس بدهد، یا ارسال اسلحه را به انجام برساند. بنا به شهادت گیتز و یک مقام سیا، در اوایل اکتبر ۱۹۸۶، یک مقام سیا نزد گیتز، معاون سیا، اظهار نگرانی کرد که کنار گذاشتن کامل کانال قدیم، به خاطر کانال جدید، ممکن است امنیت عملیات را دچار مخاطره کند، زیرا با کانال قدیم تسویه حساب مالی نشده است.

در همین حال ظاهراً گیتز به وسیله همین مقام سیا، از شایعاتی درباره احتمال انحراف پول فروش اسلحه به ایران به سوی طرحهای دیگر آمریکا، از جمله نیروهای کنتررا، مطلع شد. گیتز نظر داد که کیسی از این امر باید مطلع شود و مقام سیا شهادت داد که خود وی در تاریخ ۲ اکتبر با کیسی ملاقات کرد و آن چه را به گیتز گفته بود برای او نیز تکرار نمود. در این دیدار کیسی به مقام سیا اظهار داشت که وی همان روز تلفنی از سوی روی فرمارک، که یکی از آشنایان قدیمی و از موکلان اوست، دریافت داشته است. کیسی اظهار داشت که فرمارک به او گفته بود که خشوجی هزینه خرید اسلحه برای ایران را تأمین کرده است، اما وجه مزبور در واقع به خشوجی تعلق ندارد و خشوجی آن را از دو کانادایی برای ۳۰ روز با بهره ۲۰ درصد قرض کرده است و دو کانادایی مزبور پولشان را دریافت نکرده‌اند و تهدید می‌کنند که جزئیات کامل عملیات را فاش خواهند نمود. بنا به گفته مقام سیا، کیسی همان روز به پویندکستر تلفن کرد و از موضوع تلفن فرمارک او را آگاه کرد (باید تذکر داد که به شهادت فرمارک، وی در آن روز به کیسی تلفنی نزده بلکه با او دیدار کرده بود).

طبق اسنادی که به دست کمیته افتاده است، در همین اوان برنامه ملاقاتی با کانال جدید ایرانی در اروپا تنظیم شد. به منظور تهیه مقدمات این دیدار، نورث یادداشتی برای پویندکستر تهیه کرد که برای کیسی بفرستد؛ در این یادداشت ذکر شده بود که رئیس‌جمهوری دادن اطلاعات محرمانه به ایرانیان را مجاز ساخته است. دستورالعمل مورخ ۶ ژانویه رئیس‌جمهوری به عنوان اجازه‌نامه ذکر شده بود. برای تدارک دیدار با کانال جدید ایران در اروپا، سیا یک مجموعه اطلاعاتی فراهم کرد. لیکن نویسنده یادداشت سیا، که مجموعه اطلاعاتی را انتقال می‌داد، در ضمن هشدار داد که «اگر چنان اطلاعاتی به دست ایرانیان افتد، در امر طرح و اجرای عملیات نظامی علیه عراق، احتمالاً به ایران کمک خواهد کرد».

بنا به شهادتهایی که در مقابل این کمیته داده شده، دیدار میان هیأت آمریکایی، متشکل از نورث، سکورد و یک مقام سیا، با رابط جدید ایرانی در اروپا صورت گرفت و به دنبال آن در تاریخ ۱۹ اکتبر نورث به ستاد سیا رفت و گیتز و کیسی را در جریان این ملاقات قرار داد. طبق شهادت گیتز طی این دیدار وی از نورث پرسید که آیا سیا در فعالیتهای نورث برای تأمین پول از منابع خصوصی جهت نیروهای کنتررا، مشارکت دارد یا خیر، طبق شهادت گیتز، نورث جواب داد که سیا

سوی نیروهای کنتررا مطلع ساختند. یادداشت کوتاهی برای کیسی آماده شد تا جهت اطلاع پویندکستر بفرستد، اما هرگز به امضای ریاست سیا نرسید و ظاهراً هرگز برای پویندکستر هم ارسال نشد.

طی این مدت ارسال محموله‌های دیگری از اسلحه به ایران ادامه یافت. در جلسیهی در اواخر اکتبر، ایرانیان چکی به مبلغ ۴ میلیون دلار بابت ۵۰۰ موشک تاو پرداخت کردند. از این مبلغ، سیا ۲/۵۳۷ میلیون دلار در تاریخ ۲۸ اکتبر دریافت نمود و در تاریخ ۲۹ اکتبر ۵۰۰ موشک تاو از اسرائیل به ایران ارسال شد. در همان روز نورث پیامی به پویندکستر فرستاد و طی آن گزارشی درباره ملاقات با ایرانیان ارائه داد. طبق آن سند به ایالات متحده اطمینان داده شد که «طی چند روز آینده» دو گروگان خود را پس خواهد گرفت. در تاریخ ۲ نوامبر پیترو جیکوبسن، یکی از گروگانها، آزاد شد.

بنا بر شهادتهایی که در برابر این کمیته ارائه شده، ارسال محموله اسلحه از اسرائیل به ایران در تاریخ ۲۹ اکتبر - که به جای آن اسرائیلیها ۵۰۰ موشک تاو در ۶ نوامبر دریافت کردند -، پایان معاملات اسلحه میان ایران و آمریکا محسوب می‌شود. در تاریخ ۳ نوامبر روزنامه لبنانی الشراع گزارش داد که ایالات متحده به ایران اسلحه تحویل می‌داده و مک‌فارلن در اوایل سال جاری، برای ملاقات با مقامهای ایرانی به تهران رفته است.

طبق اسناد و شواهدی که در دست این کمیته است، شولتز، وزیر خارجه، به محض اطلاع از این افشاگرها تلگرافی به پویندکستر فرستاد و در آن ابراز نگرانی کرد که ممکن است مطبوعات بکوشند معامله اسلحه را عملی مغایر سیاست ضدتروریسم ایالات متحده جلوه دهند. شولتز پیشنهاد کرد که بهترین راه آن است که این ابتکار شورای امنیت ملی به اطلاع همگان برسد «تا روشن شود که عملیات مزبور، عملیاتی خاص و برای یک بار بوده و بر اساس ملاحظات انسانی صورت گرفته و تصمیم آن توسط رئیس‌جمهوری، در چارچوب مسئولیتش در قانون اساسی، جهت خدمت به حفظ منافع ملی انجام شده است». شولتز شهادت داد که در آن موقع، از دستورالعمل ۱۷ ژانویه رئیس‌جمهوری مبنی بر اجازه ارسال اسلحه به ایران خبری نداشته است، و هم او و هم واینبرگر از دستورالعمل فوق، تا روزی که طی جلسیهی در کاخ سفید به تاریخ ۱۰ نوامبر فاش گردید، بی‌اطلاع بوده‌اند.

طبق اسنادی که به این کمیته ارائه شده، پویندکستر با ارسال تلگرافی با این نظر وزیر خارجه مخالفت کرد و دلیل آن را ضرورت آزادکردن گروگانها و تمایل به مطلع‌ساختن کمیته اطلاعات کنگره ذکر کرد. بنا بر این تلگرام پویندکستر با بوش، معاون رئیس‌جمهوری، واینبرگر و کیسی صحبت کرده بود و همه آنها توافق کرده بودند که ضرورت دارد همگی «با تأکید بر این که اساس سیاست آمریکا در مورد ایران، جنگ خلیج و نیز برخورد با تروریستها تغییر نکرده است، زبان به اظهار عقیده نکشایند».

در تاریخ ۷ نوامبر فرمارک به مأمور سیا که با وی ملاقات کرده بود، گفت که

دخالتی در این امر ندارد. گیتز همچنین شهادت داد که طی همین دیدار وی کیسی را ترغیب کرد تا برای به‌دست آوردن نسخه‌یی از دستورالعمل در مورد ایران - سندی که سیا در دست نداشت - پافشاری کند. نورث گفت که وی در این مورد کمک خواهد کرد و چند روز بعد سیا دستورالعمل را دریافت نمود.

طبق اسنادی که در دست این کمیته است، مدت کوتاهی پس از آن یک مأمور سیا پیش‌نویس یادداشتی را تهیه کرد که در آن ابتکار شورای امنیت ملی در فروش سلاح مورد تحلیل قرار می‌داد. در بخشی از این یادداشت پیشنهاد شده بود شیوه‌هایی برای کنترل خسارتها و لطمات ناشی از فاش‌شدن این برنامه پیش‌بینی شود، و نیز این احتمال در نظر گرفته شده بود که ممکن است وام‌دهندگان بگویند که درآمد حاصل از فروش اسلحه «صرف پروژه‌های دیگر آمریکا و اسرائیل بشود». کیسی، به محض دیدن این یادداشت به پویندکستر تلفن کرد و قراری برای دیدار روز بعد گذاشت.

در تاریخ ۱۵ اکتبر کیسی و گیتز با پویندکستر دیدار کردند و نسخه‌یی از یادداشت مزبور را به پویندکستر دادند. گیتز شهادت داد که وی و کیسی به پویندکستر توصیه کردند که بهتر است رئیس‌جمهوری این ابتکار را برای افکار عمومی فاش سازد تا مانع «درزکردن آن از این جا و آن جا» شود. در همین حال، بنا به گفته گیتز، وی به مدیرکل سیا توصیه کرد که ابعاد مختلف طرح ایران را مورد بررسی قرار دهد و مطمئن شود که سیا در هیچ اقدام غیرقانونی دست ندارد. به‌دنبال آن مدیرکل مزبور به گیتز گزارش داد که وی مسأله را مورد بررسی قرار داده و از «نقطه نظر سیا هیچ مسأله غیرقانونی» وجود ندارد.

در تاریخ ۱۶ اکتبر، به دستور کیسی، یک مأمور سیا با فرمارک، جهت بحث درباره برنامه ایران و نقش خشوچی در تأمین هزینه فروش اسلحه، ملاقات نمود. به دنبال این دیدار، یادداشتی خطاب به کیسی تهیه شد که در آن به صحبت‌هایی که با فرمارک شده بود اشاره شده و در قسمتی از آن فرمارک توصیه کرده بود که یک محموله اسلحه به ایران فرستاده شود تا «هم در برابر ایرانیان حفظ آبرو شود... و هم مقداری سرمایه برای قربانیفر تأمین گردد تا بتواند بخشی از پولهای سرمایه‌گذاران را برگرداند و، بدین‌ترتیب، برای ارسال محموله‌های بعدی دوباره وام بگیرد». بنا به گفته فرمارک، این امر می‌تواند تداوم جریان را حفظ کند و به آزادشدن گروگانهای دیگری بینجامد.

به دنبال این دیدار، ملاقات دیگری در ۲۲ اکتبر در نیویورک بین فرمارک و دو مأمور سیا صورت گرفت. طبق اسناد شهادتهایی که در دست این کمیته است، علاوه بر بحث درباره منبع تأمین هزینه برای محموله‌های گوناگون اسلحه به ایران، فرمارک اظهار داشت که قربانیفر اعتقاد راسخ داشت که «قسمت اعظم ۱۵ میلیون دلار (بابت لوازم یدکی هاک) به سوی کنترراها منحرف شده است». مأمور سیا شهادت داد که به استنباط وی، فرمارک نیز با قربانیفر هم عقیده بود. دو مأمور سیا پس از بازگشت، کیسی را در جریان گذاشتند و از جمله وی را از احتمال انحراف پول به

گزارش دقیقی از معاملات اسلحه، به ویژه در رابطه با شهادتی که قرار بود به زودی در مقابل کمیته‌های کنگره داده شود، گفتگو نمود. بنا به گفته میس، رئیس‌جمهوری از او خواست که «به بررسی مجدد واقعیات بپردازد» و تصویر دقیقی از نقش نهادهای مختلف و درجه درگیری آنها تهیه کند. بعدها میس شهادت داد که «وی هنوز تصور نمی‌کرد اقدام خلافی صورت گرفته است»، اما از چیزهایی که نمی‌دانست ناراحت بود. میس اظهار داشت که این کار جنبه تحقیقی و تجسسی نداشت، بلکه تنها کوششی «در جهت کنارهم‌چیدن واقعیتهای بود تا تصویر همبسته‌یی به‌دست آید». دونالد ریگان پیشنهاد کرد که بهتر است بررسی مزبور قبل از جلسه ساعت ۲ بعدازظهر روز دوشنبه شورای امنیت ملی کامل شود. طبق شهادت میس، وی سپس مأموریت خود را با وبستر، رئیس اف‌بی‌آی، در میان گذاشت و هر دو توافق کردند که این تحقیق، مسأله‌یی جنایی نیست و از این‌رو مناسبتی ندارد که اف‌بی‌آی در آن درگیر شود.

میس شهادت داد که بعدازظهر روز ۲۱ نوامبر وی هیأتی متشکل از ۳ وکیل «که تجربیاتی از این قبیل مسائل داشتند» تشکیل داد. سپس فهرستی از اسامی کسانی که باید با آنها گفتگو نماید، تهیه کرد، از جمله نورث، شولتز، واینبرگر، پویندکستر، مک‌فارلن و مدیرکل سیا.

طبق تحقیقات دادستان کل، یکی از نخستین کسانی که توسط میس مورد بازپرسی قرار گرفت، مک‌فارلن بود که اظهار داشت وی در جلسه ماه دسامبر در لندن، به کیمشه گفته است که ایالات متحده «از مسأله ارسال موشکهای تاو خشنود نیست و نمی‌تواند آن را تأیید کند». به عکس، مک‌فارلن شهادت داد که طی این صحبتها به میس گفته است که رئیس‌جمهوری از همان آغاز، از برنامه ایران استقبال کرده است. مک‌فارلن اظهار داشت که ظاهراً میس از شنیدن این مطلب خوشحال شده بود، زیرا موافقت رئیس‌جمهوری از آغاز، به اقدامهای بعدی مشروعیت می‌بخشید. بنا به گفته مک‌فارلن، سپس میس اظهارنظر کرد که تصمیم شفاهی و غیررسمی رئیس‌جمهوری نیز کم‌اعتبارتر از دستورالعمل کتبی نیست.

در ساعت ۸ بامداد روز شنبه میس با شولتز صحبت کرد تا از مطالبی که وزیر خارجه درباره پاره‌یی مسائل به خاطر دارد، مطلع شود. میس شهادت داد که وی از عدم اطلاع شولتز از دستورالعمل ۱۷ ژانویه رئیس‌جمهوری تعجب نکرد، و اظهار داشت که خود او نیز پس از امضای آن دستورالعمل دیگر چیزی درباره آن ننشیده بود. طبق شهادت میس در بامداد روز ۲۲ نوامبر، هیأت میس به یادداشت اوایل آوریل شورای امنیت ملی دست یافت که در آن به صراحت به منحرف کردن سود فروش اسلحه به سوی نیروهای کنترا اشاره شده بود. ویلیام برادفورد رینولدز، معاون دادستان کل، روز شنبه هنگام ناهار، میس را از وجود این سند مطلع کرد. میس شهادت داد که این نخستین بار بود که وی احساس کرد که مسأله‌یی با «طرح رئیس‌جمهوری هماهنگی ندارد».

بنا به تحقیقات دادستان کل، روز بعد هیأت میس، از جمله خود وی، با

سرمایه‌گذاران کانادایی که پول خود را از خشوجی دریافت نکرده‌اند، تصمیم دارند این دلال اسلحه سعودی و یک شرکت خصوصی، که به آن ۱۱ میلیون دلار جهت تأمین هزینه قطعات موشکهای هاک پرداخته‌اند، شکایت نمایند. طبق اسنادی که در اختیار این کمیته است، فرمارک اظهار داشت که وی سرمایه‌گذاران کانادایی را تشویق می‌کرد که شکایت خود را به تعویق اندازند. فرمارک اظهار داشت که از رابط جدید ایرانی چندان خوشش نیامده است و پشتیبانی خود را از قربانیفر به خاطر قابلیتش ابراز می‌داشت زیرا فعالیت‌هایش را... با همه جناحهای مهم ایران هماهنگ می‌کرد. در ماه نوامبر هیأت ایالات متحده، از جمله نورث، مجدداً با رابط جدید ایران ملاقات کردند. طی سه روز جلسه با این مقام ایرانی، مسائل مورد بحث عبارت بودند از آزادسازی گروگانها، زندانیان گروه الدعوه که در اسارت کویت هستند، نقش اسرائیل در امر انتقال اسلحه و بالاخره نیازهای اطلاعاتی ایران. رابط جدید قبول کرد که ایران ۱۰ میلیون دلار به قربانیفر بدهکار است، اما اظهار داشت که قربانیفر باید ۱۰۰۰ موشک تاو به ایران بدهد.

طبق شهادتهایی که به این کمیته داده شده، در این مرحله، قوه مجریه به این نتیجه رسیده بود که کمیته‌های اطلاعاتی در سنا و مجلس نمایندگان باید در جریان برنامه ایران قرار داده شوند. در نتیجه سیا شروع به تهیه مطالبی نمود که کیسی برای ارائه نیاز داشت. از مقام سیا که مستقیماً با ایرانیان سروکار داشت، خواسته شد خلاصه‌یی درباره جلساتی که وی در آنها شرکت کرده بود، تهیه نماید و بازرسی مالی سیا سعی کرد جنبه‌های مالی برنامه ایران را روشن کند.

در تاریخ ۲۱ نوامبر ۱۹۸۶، کیسی در مقابل کمیته اطلاعات سنا شهادت داد. وی اشاره نکرد که ممکن است پول ناشی از فروش اسلحه به ایران به جای دیگری رفته باشد. هنگامی که درباره علت نگفتن این مطلب سؤال شد، گیتز در شهادت خود اظهار داشت که دلیل نگفتن مطلب آن بود که «اطلاعات [ما] مبتنی بر تحلیل از اطلاعات پراکنده‌یی بود که توسط یکی از مأموران اطلاعاتی جمع‌آوری شده بود و آنها (کیسی و گیتز) آن قدر اهمیت برایش قائل نشدند که آن را دنبال کنند، هر چند در حدی بود که نگرانی ما را طوری برانگیزد که آن را به اطلاع کاخ سفید برسانیم». طبق تحقیقات دادستان کل، شولتز، قبل از حاضر شدن در برابر کمیته اطلاعات سنا به کاخ سفید رفت و به رئیس‌جمهوری اطلاع داد که برخی از اظهارنظرهایی که درباره اجرای ارسال اسلحه به ایران می‌شود، قابل پاسخگویی نیست. شولتز همچنین میس را از احساس خود در این مورد مطلع ساخت. بعد از آن یکی از اعضای وزارت دادگستری اطلاعاتی درباره ارسال موشکهای هاک به ایران در ماه نوامبر از وزارت خارجه به دست آورد که با دیگر اطلاعات جمع‌آوری شده توسط دادستان کل هماهنگی نداشت. در این مرحله میس تصمیم گرفت به دیدن رئیس‌جمهوری برود.

همان روزی که کیسی در برابر کمیته اطلاعات سنا شهادت داد، دادستان کل با رئیس‌جمهوری و رئیس دفترش، دونالد ریگان، ملاقات کرد و درباره ضرورت تهیه

حمایت از مقاومت نیکاراگوئه

این کمیته تحقیقات مقدماتی خود را در تاریخ ۱ دسامبر ۱۹۸۶ پس از این که دادستان کل شواهدی از انتقال احتمالی پول از محل فروش اسلحه به ایران به نیروهای مقاومت نیکاراگوئه ارائه داد، آغاز کرد. طبق اسناد و شهادتهایی که در دست این کمیته است، چند نفر نقش کلیدی، هم در فروش اسلحه به ایران و هم در امر انتقال احتمالی پول به نیروهای مقاومت نیکاراگوئه، ایفا کردند، از جمله سرهنگ دوم نورث، سرلشکر بازنشسته ریچارد سکورد و آلبرت حکیم، شریک تجارتي سکورد. نورث مسئولیت حساب آمریکای مرکزی - نیکاراگوئه را، در شورای امنیت ملی، به عهده داشت.

مکفارلن شهادت داد که هنگام تهیه پاسخ به گزارشهای مطبوعات و تحقیقات کنگره در تابستان ۱۹۸۵، وی مصاحبه‌هایی طولانی با نورث به عمل آورد و پرونده‌ها را دقیقاً مطالعه کرد تا به ماهیت فعالیتهای نورث در رابطه با نیروهای مقاومت نیکاراگوئه پی ببرد. وی همچنین شهادت داد که نورث در آن زمان به وی اطمینان اکید داد که نقش او بیش از تشویق کنترها و راهنمایی پیشقدمان کمک به نیروهای کنترها به تماس گرفتن با کنترها نبوده است. علاوه بر این مکفارلن شهادت داد که از آن زمان تاکنون، هیچ نکته‌ای که خلاف این فعالیتهای نورث بوده باشد، به دست نیاورده است.

مأمور سیا که در ابتدا مسئولیت طرح ایران را به عهده داشت در سال ۱۹۸۶ چندین بار با نورث ملاقات کرد. وی از سکورد و حکیم به عنوان «معاونان تقریباً هم‌رتبه نورث» یاد کرده است. مأمور مزبور شهادت داد که، طی مسافرتی در ماه فوریه، وی از طریق نورث دریافت که سکورد و حکیم دستیاران اصلی نورث در فعالیتهای وی در رابطه با نیروهای کنترها می‌باشند. نورث فعالیتهای مزبور را برای مأمور سیا شرح نداد و تنها به ذکر این نکته اکتفا کرد که حکیم مسئول فعالیت در اروپا، جهت کمک به کنترهاست. در ماه مارس ۱۹۸۶ مقام سیا مطلع شد که نورث در طرح کنترها بسیار فعال است. به نظر مأمور مزبور چنین می‌رسید که نورث وقت خود را بین کمک به نیروهای کنترها و رسیدگی به طرح ایران تقسیم کرده است و در امر رسیدگی به این دو مسئولیت با مشکلاتی نیز روبروست. نورث از هندوراس دیدار می‌کرد، به جلسات مختلف می‌رفت و برای جلب کمک جهت رزمندگان سخت تلاش می‌کرد. مقام سیا شهادت داد که فعالیتهای نورث در سیا و در شورای امنیت ملی بر همه کاملاً آشکار بود.

یکی از اسناد کاخ سفید حاکی از آن است که سرهنگ دوم نورث در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۹۸۶ آلبرت حکیم را به عنوان معاون یکی از شرکتهای اروپایی که برای «اداره کمک به جنبشهای مقاومت» به وجود آمده بود، به دریابان پویندکستر معرفی کرده بود. در یکی دیگر از اسناد کاخ سفید آمده است که در پیام سری نورث به مکفارلن به

نورث ملاقات کرد. ظاهراً میس به نورث اظهار داشت که کسانی هستند که علاقه دارند از رئیس‌جمهوری حمایت کنند، اما آن چه مورد نیاز است واقعیتهاست. در پاسخ به سؤال میس که آیا مشکل مکفارلن در موضوع ارسال اسلحه در مقابل گروگانها یک استنباط است یا واقعیت دارد، نورث اظهار داشت که به نظر وی خود رئیس‌جمهوری این معامله را تصویب کرده است. نورث اظهار داشت هنگامی که وی با رئیس‌جمهوری گفتگو کرد، مسأله به صورت یک پیوند استراتژیک مطرح بود. نورث گفت که با رئیس‌جمهوری، صحبت همیشه به مسأله گروگانها برمی‌گشت. بنا به اظهارات میس، نورث گفت که اشتباه وحشتناکی است اگر گفته شود که رئیس‌جمهوری خواهان یک رابطه استراتژیک است، زیرا رئیس‌جمهوری تنها گروگانها را می‌خواست. طبق شهادت میس در ساعت ۱۱ بامداد روز ۲۴ نوامبر ۱۹۸۶ وی با رئیس‌جمهوری و رئیس‌دفترش ملاقات کرد و به آنها گفت که شواهدی وجود دارد که درآمد حاصل از فروش اسلحه به ایران احتمالاً به نیروهای کنترها داده شده است. اعلام این مطلب توسط دادستان کل در تاریخ ۲۵ نوامبر باعث شد که این کمیته تحقیقاتی را که گزارش آن در این جا ارائه شده است، آغاز نماید.

حتی در همین نیمه ماه دسامبر، مقامهای سیا و وزارت خارجه با نماینده ایران، جهت بحث درباره سیاست آمریکا نسبت به ایران، ملاقات کردند. مقام وزارت خارجه این پیام را به نماینده ایران رساند که دیگر اسلحه بیشتری به ایران داده نخواهد شد، مگر این که دولت ایران از حمایت از تروریسم دست بردارد و توافق کند که برای خاتمه جنگ با عراق به مذاکره بنشیند. مقام مزبور اضافه کرد که گروگانهای آمریکایی هم بدون قید و شرط باید آزاد شوند. در مقابل، ایرانیان به قرارداد ۹ ماده‌ای که قبلاً بر سر آن توافق شده بود، اشاره کردند که در آن تعمیر موشکهای فونیکس، تماس با کویت جهت آزادی زندانیان گروه الدعوه و ارسال ۱۰۰۰ موشک ناو به ایران پیش‌بینی شده بود. به دنبال این جلسه ناموفق، مقام سیا، بدون تأیید یا اطلاع وزارت خارجه، به‌طور خصوصی با مقام ایرانی دیدار کرد.

طبق شهادتهایی که در برابر این کمیته داده شده، در تاریخ ۱۹ دسامبر، به تقاضای کاخ سفید، سناتور دیو دورنبرگر، رئیس کمیته اطلاعاتی و برنارد مک ماهون رئیس کارمندان کمیته با رئیس‌جمهوری، پیترو والیسون، دونالد ریگان و آلتون کیل ملاقات کردند و درباره مسائلی که به فروش اسلحه به ایران و انحراف احتمالی پول آن به سوی نیروهای کنترها مربوط می‌شد، بحث کردند. این کمیته تا تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۷ از این جلسه مطلع نشد.

طبق شهادتهایی که در برابر این کمیته داده شده، در تاریخ ۲۰ دسامبر سناتور دیو دورنبرگر و برنارد مک ماهون با معاون رئیس‌جمهوری، گریگ فولر و یکی دیگر از کارمندان وی ملاقات کردند تا درباره مسائلی که به فروش اسلحه به ایران و انحراف احتمالی پول آن به سوی نیروهای کنترها مربوط می‌شود، گفتگو کنند. این کمیته از جلسه مزبور تا تاریخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۷ اطلاع پیدا نکرد.

تاریخ ۲ فوریه ۱۹۸۶، که به گزارش خلاصه جلسه‌ی در اروپا اختصاص داشته، نورث از حکیم به‌عنوان یک شهروند آمریکایی نام برده است که «مسئولیت عملیات اروپا جهت فعالیت‌های حمایتی ما از مقاومت نیکاراگوئه» را به‌عهده دارد.

طبق اسنادی که توسط این کمیته مورد بررسی قرار گرفت، در اواخر نوامبر ۱۹۸۵ نورث کمکهایی از سکورد، برای حل مشکلات مربوط به انتقال اسلحه به ایران، دریافت داشته است. یکی از اسناد کاخ سفید به تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۸۵، حاکی از آن است که نورث و سکورد از مدت‌ها قبل در فعالیت‌های موسسه‌ی که نورث از آن به‌عنوان «شرکت سوییسی ما»، لیک ریسورسز، نام می‌برده شرکت داشته‌اند، و این که یک هواپیمایی متعلق به شرکت لیک ریسورسز به یکی از کشورهای اروپایی رفت تا برای مقاومت نیکاراگوئه اسلحه دریافت دارد. ظاهراً این نخستین پرواز مستقیم جهت کمک‌رسانی به مقاومت، در «بوکای» بود و محموله‌های اسلحه، همه مجهز به چتر نجات بودند. قرار بود که پرواز این هواپیما با تأخیر انجام گیرد تا از آن برای ارسال اسلحه به ایران استفاده شود [نهایتاً هواپیمای دیگری برای انتقال اسلحه به ایران مورد استفاده قرار گرفت].

در سند مزبور همچنین آمده است که نورث کلیه این شرایط را برای پویندکستر شرح داده است. سند مزبور همچنین نشان می‌دهد که نورث گفته است که قرار است با آدولفو کالرو، یکی از رهبران کنترا، ملاقات کند و وی را از تأخیری که در رسیدن اسلحه رخ داده، مطلع سازد.

یک سند دیگر از کاخ سفید نشان می‌دهد که نورث در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۸۵ به پویندکستر اظهار داشت که او (نورث) از یک کلمه رمز عملیاتی برای طرح ایران استفاده می‌کند که شبیه همان کلمه رمزی است که برای تحویل اسلحه به مقاومت نیکاراگوئه به کار برده می‌شود. نورث اظهار داشت که بر سر کلمه رمز اخیر، هرگز توافق کامل به‌عمل نیامد.

طبق شهادتهایی که به‌دست این کمیته افتاده است، در ژانویه ۱۹۸۶، در بحث‌های بین نورث و آمیرام نیر، مشاور پرز، نخست‌وزیر اسرائیل، در امور مربوط به تروریسم رابطه مستقیمی میان فروش اسلحه به ایران و کمک به مقاومت نیکاراگوئه ایجاد شد. یادداشتهایی که هنگام مصاحبه با نورث در تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۸۶ توسط میس برداشته شده، از نورث چنین نقل‌قول می‌کند که وی در ژانویه ۱۹۸۶ مسأله حمایت از مقاومت نیکاراگوئه را با نیر مورد بحث قرار داده و نیر به وی پیشنهاد کرده است که از محل درآمد فروش اسلحه به ایران جهت این کمک استفاده شود. [طبق یادداشتهای دیگری، نورث معتقد بود که نیر از پیش خود چنین پیشنهادی را کرد]. دادستان کل شهادت داد که مطمئن نیست نورث مسأله مقاومت نیکاراگوئه را مطرح کرد یا نیر. نورث همچنین به یاد آورد که پیشنهاد نیر را مبنی بر استفاده از کمکهایی مالی آمریکا به اسرائیل یا از پول خود اسرائیل، جهت کمک به مقاومت نیکاراگوئه، رد کرده بود.

یادداشتهای دیگر آن گفتگو نشان می‌دهد که نیر تنها در ماه ژانویه به نورث

اظهار داشت که اسرائیلیها از یک حساب تنخواه‌گردان برداشت و به حساب نیکاراگوئه واریز خواهند کرد.

یادداشتهای گفتگو بین میس با نورث همچنین نشان می‌دهد که نورث گفته بود که وی مسأله کمک اسرائیلیها را به‌طور کلی با اسحاق رابین، وزیر دفاع، مطرح کرده، اما به یاد نمی‌آورد که از اسرائیلیها به‌طور مشخص تقاضای کمک کرده باشد. طبق اسنادی که در اختیار این کمیته قرار گرفت تا زمان گفتگوی نورث و نیر در ژانویه، اسرائیلیها احتمالاً مبلغی از پولهای به‌دست آمده از بابت انتقال موشکهای هاک نوامبر ۱۹۸۵ را برای استفاده مقاومت نیکاراگوئه، کنار گذاشته بودند. یک سند سیا نشان می‌دهد که طی یکی از آزمایشهای دروغ‌سنجی قربانیفر در ژانویه ۱۹۸۶، در طول تنفس وی اظهار داشت که اسرائیلیها به محض تحویل محموله موشکهای هاک، ۲۴ میلیون دلار دریافت کردند و تمام این مبلغ را پیش خود نگهداشتند. ایرانیان تقاضا داشتند که وجه مزبور به آنها برگردانده شود. از قرار معلوم قربانیفر اظهار داشت که اسرائیلیها به او گفتند که هزینه حمل و نقل را «دو برابر» ذکر کرده‌اند، زیرا پای آمریکاییان در میان است. ظاهراً قربانیفر تأکید کرده بود که ایرانیان از پس‌نگرفتن ۲۴ میلیون دلار بی‌نهایت عصبانی هستند. در تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۸۶، یک روز پس از دیدار میس با نورث، وکیلی به نام تام گرین، با چارلز کوپر، معاون دادستان کل، ملاقات کرد. طبق یادداشتهای کوپر، گرین اظهار داشت که وی نماینده نورث و سکورد است و نقش سکورد و حکیم را در طرح ایران شرح داد. ظاهراً گرین گفته بود که در جلسه‌ی که در اوایل ۱۹۸۶ در اروپا به منظور فروش اسلحه تشکیل شده بود و حکیم در آن به‌عنوان مترجم هیأت آمریکایی انجام وظیفه می‌کرد، حکیم به ایرانیان گفت که به منظور بهبود روابط و برای نشان دادن حسن‌نیت خود، ایرانیان باید اضافه بر قیمت خرید، جهت استفاده نیروهای کنترا یا «خود ما» نیز کمک مالی کنند. گرین اضافه کرد که حکیم احتمالاً گفته بود که دولت آمریکا چنین تمایلی دارد. گرین اظهار داشت که این پیشنهاد زمینه‌ی بود که بر اساس آن ارسال موشکهای تاو در ماه فوریه قیمت‌گذاری شده بود.

بنا به یادداشتهای کوپر، گرین اظهار داشت که پولی که از آن معامله به دست آمد، از طریق اسرائیلیها به شبکه مالی حکیم راه یافت. حکیم نیز، به نوبه خود، وجه مزبور را به حسابهای دیگری که به خارجیان تعلق داشت واریز نمود. همین روند دوباره در ماه مه تکرار شد. گرین اظهار داشت که ظاهراً هیچ‌یک از این اقدامها به نقض قانون منجر نشد، زیرا پول مزبور به آمریکا تعلق نداشت، بلکه ایرانیان بودند که این کمک مالی را می‌کردند.

در ۴ آوریل ۱۹۸۶ یا بعد از آن، یک سند بدون تاریخ در کاخ سفید [موسوم به «یادداشت بی تاریخ»] تهیه شد که در آن شرح تحولات گذشته و طرحهای آینده برای برنامه ایران ذکر شده بود. شواهدی که در دست کمیته است، از جمله متن یادداشت بدون تاریخ و ورقه ضمیمه‌ی با عنوان «شرایط معامله» به تاریخ ۴ آوریل،

حاکمی از آن است که یادداشت بدون تاریخ در همان اوان نوشته شده است. طبق یادداشت بدون تاریخ، ۱۲ میلیون دلار از محل بودجه تنخواه‌گردان یک معامله تسلیحاتی، صرف خرید وسایلی خواهد شد که نیاز شدید نیروهای مقاومت دموکراتیک نیکاراگوئه می‌باشد. یادداشت بدون تاریخ فوق این وسایل را به‌عنوان نیازهای حیاتی نیروهای مقاومت دموکراتیک نیکاراگوئه توصیف می‌کند. یادداشت بدون تاریخ این وسایل را برای جبران کمبودهای اساسی مقاومت ناشی از برخورد روزمره با مقاومت و مقابله ساندینیستها با آنها و نیز پرکردن خلاء زمانی تا تصویب کمکهای نظامی بیش از سلاحهای دفاعی توسط کنگره لازم می‌داند. در انتهای صفحه‌یی که مطالب فوق در آن آمده توصیه شده است که تأیید ریاست‌جمهوری برای بخشهایی از طرح ایران که انحراف پول به سوی مقاومت نیکاراگوئه را شامل نمی‌شود، ضرورت دارد. در یادداشت بدون تاریخ امضا و آدرس مشخصی وجود نداشت و برای کمیته روشن نیست که چه کسی - یا اصلاً کسی - آن را دیده است.

یادداشت بدون تاریخ فوق در تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۸۶، توسط اعضای دفتر دادستانی کل در پرونده‌های شورای امنیت ملی پیدا شد. میس قراری برای ملاقات روز بعد با نورث گذاشت. طی آن دیدار، نورث در مورد برنامه ایران به تفصیل مورد سؤال قرار گرفت و سپس یادداشت بدون تاریخ در مقابل او گذاشته شد. یادداشت‌هایی که در جلسه ۲۳ نوامبر برداشته شده، حاکی از آن است که نورث صحت یادداشت بدون تاریخ را، که نشان‌دهنده برنامه‌یی برای اختصاص درآمد اضافی ناشی از معامله فروش اسلحه به ایران، به مقاومت نیکاراگوئه بود، تصدیق کرد. یادداشت‌های این جلسه حاکی از آن است که نورث اظهار داشته بود که رقم ۱۲ میلیون دلار در یادداشت مزبور بر اساس چیزی است که توسط اسرائیلیها به وی گفته شده، و او نمی‌داند که چه مبلغ به نیروهای نیکاراگوئه داده شده است. مقام اسرائیلی (نیر) در مورد مبلغی که به مقاومت داده شد تصمیم گرفت و سیا یا شورای امنیت ملی در این زمینه دخالتی نداشتند.

طبق یادداشت‌هایی که طی تحقیقات دادستان کل برداشته شده، نورث اظهار داشت که وی در مورد این مطلب با رئیس‌جمهوری صحبت نکرده بود. طبق اسنادی که در اختیار این کمیته قرار گرفته، طی دو سال ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ نورث ۱۷ جلسه ملاقات با رئیس‌جمهوری داشته و در هیچ یک از آنها تنها نبوده و در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۸۶ نیز یک مکالمه تلفنی با رئیس‌جمهوری داشته است.

طبق شهادت میس، نورث اظهار داشت که وی از مقدار پولی که در این قضیه مطرح بوده، اطلاع نداشته است. نورث اضافه کرد که سیا از دست به‌دست گشتن این پول خبر نداشت، هر چند ممکن است بعضیها به این امر مشکوک شده باشند. یادداشت‌هایی که در این جلسه برداشته شده، همچنین نشان می‌دهد که نورث گفته بود که تصویب رئیس‌جمهوری به نحوی از انجا در پرونده‌ها منعکس خواهد شد. وقتی پرسیده شد آیا وی سندی در اختیار دارد که نشان دهد رئیس‌جمهوری این برنامه را تصویب کرده، یادداشت‌ها نشان می‌دهد که نورث به این سؤال پاسخ

مثبت داد، اما خود وی گفت که گمان نمی‌کند تصویب شده باشد.

یادداشت‌هایی که در این جلسه برداشته شده همچنین نشان می‌دهد که نورث از پولی که قرار بود اسرائیلیان به نیکاراگوئه برسانند، به‌عنوان پول ایران از محل سود حاصل از فروش اسلحه نام برد و اظهار داشت که می‌دانسته است این، قسمتی از معامله می‌باشد. یادداشت‌های مزبور همچنین نشان می‌دهد که نورث اظهار داشته که وی به مکفارلن در ماه آوریل یا مه ۱۹۸۶ درباره این معامله اطلاع داده است. در آمریکا تنها سه نفری که می‌توانسته‌اند از این موضوع مطلع باشند مکفارلن، پویندکستر و نورث هستند.

بنا به شهادت مکفارلن، هنگام بازگشت هیأت وی از تهران، نورث به وی اظهار داشت که قسمتی از سود این معامله به مقاومت نیکاراگوئه اختصاص داده شده است. مکفارلن در شهادت خود گفت که وی از این گزارش موجز چنین نتیجه گرفت که این مسأله سیاسی است که توسط مقامهای بالاتر تأیید شده است.

مکفارلن شهادت داد که از نورث پرسید آیا دستورالعملی در مورد مشخص «انتقال پول به کنتراها وجود دارد یا خیر و ادامه داد که تصویری که نورث از ارتباط با نیروهای کنترا ارائه داد این بود که این امر بخشی از سلسله فعلیتهایی است که از مدتی پیش جریان داشته است». مکفارلن شهادت داد که وی آن چه را که نورث درباره استفاده از سود فروش اسلحه به ایران و اختصاص آن به نیروهای مقاومت نیکاراگوئه شنیده بود، گزارش نکرد.

علاوه بر این مکفارلن شهادت داد هنگامی که در تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۸۶، وی از نورث پرسید چه کسی چنان اقدامی را تصویب کرده است، نورث پاسخ داد که وی هیچ‌گاه اقدامی نمی‌کند که به تصویب مقامهای بالاتر نرسیده باشد، اما نمی‌تواند بگوید که چه مقامی بالاتر از پویندکستر در این قضیه شرکت داشته است.

یادداشت‌های مربوط به تحقیقات دادستان کل علاوه بر این، نشان می‌دهد که نورث پس از دیدار با نیر در ژانویه ۱۹۸۶، اظهار داشت که وی با آدولفو کالرو تماس گرفت و به دنبال آن تماس سه حساب در سوییس باز شده است. در یادداشت‌های مزبور از قول نورث نقل شده است که وی شماره حسابها را به اسرائیلیها داد و پول به حسابهای مزبور واریز گردید. نورث حدس می‌زند که این پول به دست کنتراها رسیده و آنها می‌دانستند که پول پرداخت شده و ممنون بودند.

یادداشت‌هایی که در این جلسه گرفته شده، همچنین نشان می‌دهد که نورث از دو معامله نام می‌برد که ممکن است پول آن به کنتراها رسیده باشد: ۱ - ارسال ۱۰۰۰۰ موشک تاو در ماه فوریه (۱۹۸۶) که از محل آن ۳ تا ۴ میلیون دلار احتمالاً به کنتراها رسیده، و ۲ - معامله دیگری در ماه مه (۱۹۸۶) شامل قیمت قطعات هاک و هزینه خرید ۵۰۸ موشک تاو برای جایگزینی.

یادداشت‌هایی که در این جلسه گرفته شده حاکی از آن است که نورث اظهار داشته که از بابت ارسال ۵۰۰ موشک تاو در ماه اکتبر پولی برای کنتراها در نظر گرفته نشده تا تصور نشود که این معامله سود شخصی به همراه داشته است، همچنین

از سرگرفته شدن کمک مالی به کنترها توسط ایالات متحده، ضرورت آن را منتفی می‌کند. بنا به اظهارات نورث، نیز بسیار عصبانی شده بود، زیرا قیمتی که در ماه اکتبر تعیین شده بود با قیمت‌های قبلی یکی نبود.

هنگامی که میس، دادستان کل، در مقابل این کمیته شهادت می‌داد، اظهار داشت که هنگامی که یادداشت بدون تاریخ به نورث نشان داده شد، وی شگفت‌زده شده و به وضوح یکه خورده بود. طبق شهادت میس، نورث گفت که وی شماره حساسی را که به اسرائیلیها داده شده بود، به خاطر نمی‌آورد و اسرائیلیها ترتیب واریز پول به این حساب را داده بودند. میس شهادت داد که نورث کاملاً مطمئن بود که پول مزبور به دست نیروهای مقاومت نیکاراگوئه رسیده است. اما به خاطر نمی‌آورد یا نمی‌دانست مبلغ آن، غیر از ۳-۴ میلیون دلاری که در یک مورد داده شده بود، چقدر بوده است.

میس شهادت داد که وی چنین استنباط کرد که سه حساب بانکی توسط یک نفر، که نمایندگی نیروهای مقاومت کنتر را به عهده داشت، افتتاح شد، شماره آنها به نورث داده شد و نورث آن شماره‌ها را به اسرائیلیها داد.

میس همچنین شهادت داد که وی مطمئن نیست که نورث به وی گفته باشد یادداشت بی‌تاریخ مورد استفاده قرار نگرفت یا برای تصویب فرستاده نشد. میس اظهار داشت که نورث به ناراحتی فکری خود از پاره‌یی تفسیرها، مبنی بر این که پول ایالات متحده صرف مقاومت نیکاراگوئه می‌شود، اشاره‌یی نکرد. میس شهادت داد که وی وارد این بحث با نورث نشد و نیز درباره محدودیت‌هایی که کنگره برای ارسال کمک مالی تصویب کرده بود، صحبتی نکرد.

میس شهادت داد که وی به نورث در مورد حق مشاوره حقوقیش توصیه‌یی نکرد، زیرا به نظر وی بازپرسی او از نوع جنایی نبود.

به شهادت میس نورث توضیح نداد که چگونه مسأله معامله اسلحه را به پویندکستر گزارش کرده است. میس شهادت داد که استنباط وی این بود که در واقع ارتباط کمی در این باره میان نورث و پویندکستر وجود داشت و نورث به دستور کسی عمل نمی‌کرد.

دونالد ریگان شهادت داد که وی یادداشت بدون تاریخ را، تا زمانی که چند روز قبل از شهادت‌دادنش، توسط مشاور کاخ سفید به او نشان داده شد، هرگز ندیده بود و عکس‌العملش پس از دیدن یادداشت مزبور این بود که نمی‌تواند آن را باور کند. آقای دونالد ریگان همچنین شهادت داد که هرگز، در حضور او، رئیس‌جمهوری در جریان چنین مسائلی قرار نگرفت و مطمئن است که اگر مطلب توسط نورث یا پویندکستر به اطلاع رئیس‌جمهوری می‌رسید، وی هرگز آن را تأیید نمی‌کرد. دونالد ریگان شهادت داد که وی سند مزبور را به رئیس‌جمهوری نشان نداده است. طی همین مدت رئیس‌جمهوری دو جلسه داشت که ظاهراً به سیاست در آمریکای مرکزی مربوط می‌شد و نورث در آنها حضور داشت. موضوع دقیق بحث را از روی اسنادی که در اختیار کمیته است نمی‌توان دریافت. هر دو جلسه در تاریخ ۲۳

آوریل تشکیل شد. در اسناد کاخ سفید، موضوع کلی مورد بحث یک جلسه، مسافرت اخیر الیوت آبرامز به السالوادور، هندوراس و کستاریکا ذکر شده است. در این جلسه، ریاست‌جمهوری، معاون رئیس‌جمهوری، معاون وزارت خارجه، جان وایت‌هد، آبرامز، دونالد ریگان، پویندکستر، فورتی‌یر و بالاخره نورث شرکت داشتند. جلسه دیگر، که برای آن دستوری وجود ندارد، با شرکت رئیس‌جمهوری، نورث، دونالد ریگان، پویندکستر، یک مقام امنیتی آمریکای مرکزی و همسرش و مقام ارشد سیا در آن کشور، تشکیل شده بود. بعدها این مقام سیا به مناسبت تماس غیرمجازش با حامیان خصوصی مقاومت نیکاراگوئه، در پاییز ۱۹۸۶، مورد بازجویی داخلی سیا قرار گرفت. طبق اسناد و شهادت‌هایی که در اختیار این کمیته است، امکان دارد که هر دو

حادثه زیر در روز ۱۵ ماه مه ۱۹۸۶ به وقوع پیوسته باشد. نخست این که، طبق گزارش روزانه طرح ایران، که در ماه نوامبر ۱۹۸۶ در کاخ سفید تهیه شده، شرایط مسافرت آقای مک‌فارلن به تهران در تاریخ ۱۵ ماه مه ۱۹۸۶ مورد تصویب قرار گرفت. این شرایط ظاهراً همان شرایطی است که در تاریخ ۴ آوریل ذکر شده بود و در بایگانی پرونده‌های شورای امنیت ملی پیدا نشد و به یادداشت بدون تاریخی که به موضوع انتقال پول به نیروهای کنتر اختصاص دارد، ضمیمه بود. دوم این که پویندکستر گزارشی درباره وضع موجود مقاومت نیکاراگوئه برای یک جلسه «گروه ریاست‌جمهوری برای امنیت ملی» درباره آمریکای مرکزی، که قرار بود روز بعد تشکیل شود، تهیه کرده بود. طبق یادداشت‌های پویندکستر، وی به آن گزارش، یادداشتی اضافه کرد مبنی بر این که کمک از خارج به مقاومت نیکاراگوئه تا نیمه ماه ژوئن ته خواهد کشید و به نظر نمی‌رسد که بتوان به زودی کمک قابل توجه دیگری به دست آورد. در این یادداشت آمده بود که درخواست کمک ۱۰۰ میلیون دلاری در کنگره متوقف شده است. پویندکستر راه‌حلهای زیر را در نظر گرفت: برنامه‌ریزی مجدد، تقاضای رئیس‌جمهوری برای کمک‌های مالی خصوصی، مراجعه مستقیم و بسیار خصوصی ریاست‌جمهوری به سران برخی از کشورها.

دونالد ریگان شهادت داد که قبل از سفر مک‌فارلن به تهران، رئیس‌جمهوری با وی دیدار کرد و هدفهای گفتگوی مک‌فارلن با ایرانیان را بر شمرد. دونالد ریگان شهادت داد که وی به خاطر نمی‌آورد سندی با عنوان «شرایط معامله» شبیه یادداشت بدون تاریخ دیده باشد و نیز به یاد نمی‌آورد که چنان سندی هرگز مورد تأیید قرار گرفته باشد. دونالد ریگان شهادت داد که اگر دستورات فوق برای دیدار مک‌فارلن از تهران به وی داده شده باشد، قاعدتاً می‌بایست تأیید ریاست‌جمهوری را داشته باشد. یک نسخه از شرایط معامله، عین آن چه به یادداشت بدون تاریخ ضمیمه شده بود و تاریخ ۲۱ ماه مه ۱۹۸۶ را داشت، در پرونده‌های بایگانی کاخ سفید یافت شده است.

طبق اسنادی که به دست این کمیته رسیده است، در تاریخ ۱۶ ماه مه ۱۹۸۶، ریاست‌جمهوری جلسه «گروه ریاست‌جمهوری برای امنیت ملی» را تشکیل داد و در آن دریافت کمک‌های خیریه از کشور ثالث برای مقاومت نیکاراگوئه مورد بحث قرار

گرفت. حاضران در جلسه عبارت بودند از رئیس‌جمهوری، معاون رئیس‌جمهوری، گریگ فولر، شولتز، حبیب (سفیر سیار ایالات متحده) آبرامز، معاونت وزارت خارجه، بیکر (وزیر خزانه‌داری)، واینبرگر، معاون وزارت دفاع، آیکل، کیسی، رئیس نیروی ویژه سیا، ژنرال ویکهم، سرلشکر مولرینگ، دونالد ریگان، دریابان پویندکستر، ویلیام بال، جرجیان، مک دانیل، برگهات و نورث.

اسناد کاخ سفید نشان می‌دهد که مسائلی که در این جلسه مورد بحث قرار گرفت شامل روال مذاکرات و موقعیت کشورهای کونتا دورا، و طرح کمک ۱۰۰ میلیون دلاری جهت مقاومت نیکاراگوئه در کنگره، بود. سند مزبور حاکی از آن است که موقعیت مقاومت خوب است اما ممکن است با تمام شدن پول اوضاع به سرعت تغییر یابد. جهت تأمین پول برای نیکاراگوئه دو راه در نظر گرفته شد: تلاش برای برنامه‌ریزی مجدد از طریق کنگره یا متوسل شدن به کشورهای دیگر. تصمیم نهایی این شد که هر دو راه با هم دنبال شود. طبق اسناد موجود مقرر شد شولتز فهرستی از نام کشورهای که می‌توان به آنها مراجعه کرد، تهیه نماید.

آبرامز شهادت داد که وزارت خارجه از سوی کنگره اختیار قانونی داشت که از کشورهای دیگر کمک‌های خیریه جمع کند. بنا به گفته وی، شولتز موافق بود که این، نظر خوبی است.

طبق شهادت شولتز، در ژوئن ۱۹۸۶ آبرامز با یک پیشنهادی در مورد این نوع کمک نزد شولتز آمد و اظهار داشت که یک حساب بانکی در سوییس وجود دارد که می‌تواند چنین کمک‌هایی را دریافت نماید و شولتز موافقت کرد. شولتز در شهادت خود اظهار داشت که، صرف‌نظر از یک تقاضا برای وسایل ارتباطی که به آن پاسخ مساعد داده نشد، تنها از یک کشور تقاضای کمک مالی، برای دنبال کردن این سیاست به عمل آمد.

دونالد ریگان چنین بحث‌هایی را در جلسه فوق، به خاطر داشت، هر چند که تاریخ دقیق آن یعنی ۱۶ ماه مه را به یاد نمی‌آورد. وی شهادت داد که از استفاده از سود حاصل از فروش اسلحه به ایران، از جمله فروش توسط فرد یا کشور ثالث، جهت تأمین کمک نظامی یا خیریه به مقاومت نیکاراگوئه، به هیچ وجه صحبتی نشد. شولتز شهادت داد که در ماه ژوئن، مک‌فارلن به وی تلفن زد تا گزارش دهد که یک کشور ثالث قبلاً ۳۱ میلیون دلار به مقاومت نیکاراگوئه کمک کرده است. مک‌فارلن در شهادت خود مذاکره تلفنی مشابهی را با شولتز به خاطر آورد که وی را از ۳۰ میلیون دلار کمک یک کشور ثالث به جبهه دموکراتیک نیکاراگوئه مطلع کرد.

از ماه اوت تا سپتامبر ۱۹۸۶

بنا به شهادت‌هایی که در مقابل این کمیته داده شده، به دنبال تصویب این سیاست توسط رئیس‌جمهوری در ماه مه، در ماه اوت آبرامز با یک کشور ثالث تماس گرفت و تقاضای ۱۰ میلیون دلار کمک خیریه برای UNO (اتحاد مخالفان

نیکاراگوئه) نمود. آبرامز ظاهراً در ۸ اوت با نماینده کشور مزبور ملاقات نمود و اشاره کرد که کنگره قبلاً ۱۰۰ میلیون دلار برای این منظور تصویب کرده اما این بودجه هنوز تأمین نشده و برای پرکردن فاصله بین ۲۷ میلیون دلار قبلی [به صورت کمک‌های انسان‌دوستانه] و تأمین بودجه مصوب کنگره، که هنوز به دست نیروهای کنترا نرسیده، ۱۰ میلیون دلار مورد نیاز است. همین که کشور مزبور موافقت کرد، آبرامز از سرپرست نیروی ویژه سیا و نورث برای دریافت و به جریان انداختن این پول نظر خواست.

طبق شهادت‌هایی که در برابر این کمیته داده شده، سرپرست نیروی ویژه توصیه کرد که از UNO خواسته شود حسابی به نام خود باز کند و از سازمان ملی کمک‌های خیریه یا وزارت دفاع تقاضا کند که اداره کردن مخارج را به عهده بگیرد و اجازه برداشت از آن حساب را بدهد. آبرامز موافقت کرد و نیروی ویژه سیا با نایوسوماریا، دبیرکل UNO، تماس گرفت و از او خواست یک حساب بانکی در خارج از کشور جهت واریز کردن وجه مزبور باز کند. طبق شهادت‌هایی که در مقابل این کمیته داده شده، این حساب در بانکی در باهاماس با امضای سوماریا و حسابدار وی در این مورد، باز شد. طبق شهادت‌های موجود آبرامز به شماره این حساب نیاز فوری داشت و شماره مزبور مشخص شد و طی جلسیهی که در اتاق مخصوص بررسی اوضاع در شورای امنیت ملی تشکیل شده بود، به آبرامز داده شد. سرپرست نیروی ویژه اظهار داشت که وی با استفاده از اختیارات شخصی و پس از مشورت با وکیل نیروی ویژه جهت کسب اطمینان از قانونی بودن اقدام خود، این کمک را در اختیار آبرامز گذاشت. وی شهادت داد که سپس این اقدام را به اطلاع معاون عملیاتی سیا و رئیس بخش آمریکای لاتین رساند و آنها ایرادی در مورد قانونی بودن مسأله نداشتند. سرپرست نیروی ویژه شهادت داد که وی ۹۵ درصد از فعالیت‌های خود را به این شیوه انجام می‌دهد. نظر مقام‌های سیا این بود که وزارت خارجه به لحاظ قانونی اختیار دارد برای جمع‌آوری وجه مزبور فعالیت کند و کمک سیا را در این مورد به هیچ وجه خلاف قانون تلقی نمی‌کردند.

آبرامز شهادت داد که وی هم از سرپرست نیروی ویژه سیا و هم از نورث خواست که حساب‌هایی جهت کمک‌های مالی یک کشور ثالث پیش‌بینی کنند. وی شهادت داد که حسابی که توسط نورث باز شد در بانک «کردی سوییس» بود. آبرامز هم‌چنین شهادت داد که وی اوضاع را با چارلز هیل، معاون اجرایی شولتز، در میان گذاشت و هر دو تصمیم گرفتند که از حسابی که توسط نورث باز شده بود، بدون این که روال خرج کردن را مشخص نمایند، استفاده شود.

آبرامز شهادت داد که طی ماه سپتامبر و اکتبر، وزارت خارجه از کشوری که قول کمک مالی داده بود اطمینان خواست که حتماً آن ۱۰ میلیون دلار را به حسابی که نورث باز کرده واریز نمایند. اسنادی که به دست این کمیته رسیده، اظهارات فوق را تأیید می‌کند.

آبرامز شهادت داد که پس از آن وی چند بار با نورث تماس گرفت تا بداند

نورث دستور داده بود که فشار کافی به «بیل» [ویلیام کیسی] بیاورد تا «اوضاع را برای سکورد مساعد سازد».

سیا

تحلیلگر ارشد سیا در طرح ایران، در شهادت خود در مقابل این کمیته، اظهار داشت که وی در نیمه سپتامبر ۱۹۸۶ شروع به تحلیل دقیقی از اطلاعات موجود در مورد این طرح کرد و گرانفروشی به ایران باعث نگرانی او شد، زیرا ممکن بود درآمد حاصله صرف طرحهای دیگر، از جمله کمک به مقاومت نیکاراگوئه شده باشد.

وی شهادت داد که در اوت و سپتامبر با قربانیفر و نیر، درباره مشکلات تأمین پول جهت انتقال اسلحه به ایران گفتگو کرده بود. وی گفت که می‌دانست نورث در امر حمایت سیاسی از نیروهای کنتر فعال است و حکیم و سکورد در پروازهایی که جهت کمک رساندن به ایران و نیروهای کنتر انجام می‌شود، مشارکت دارند. از آن جا که مسأله مالی قضیه هنوز حل نشده بود، وی تصور می‌کرد که پول یا تاکنون خرج شده یا تازه اختصاص داده شده است.

تحلیلگر سیا شهادت داد که در تاریخ ۱ اکتبر ۱۹۸۶، وی نگرانی خود را به رابرت گیتز، معاونت سیا، اظهار داشته بود. وی شرح داد که، با توجه به افرادی که در این قضایا درگیر بودند، او گمان می‌برد که پول به سوی آمریکای مرکزی منحرف می‌شود.

طبق شهادتهای موجود، گیتز متعجب و ناراحت شده و به تحلیلگر مزبور توصیه کرده بود که با کیسی ملاقات نماید. تحلیلگر فوق شهادت داد که وی و گیتز قانونی بودن یا نبودن انحراف پول را مورد بحث قرار ندادند. آنها این امر را درهم آمیختن نابجای فعالیتهای مجزا تلقی کردند که برای امنیت عملیات مخاطره‌آمیز است.

گیتز در مقابل این کمیته شهادت داد که تحلیلگر فوق این مسائل را تهدیدی جدی برای امنیت عملیات طرح ایران می‌دانست. گیتز همچنین به‌خاطر می‌آورد که نتیجه‌گیری تحلیلگر سیا این بود که بخشی از این پول صرف طرحهای دیگر ایالات متحده، از جمله کنترها، می‌شود.

فرمارک

طبق شهادت روی فرمارک، یک بازرگان نیویورکی و وکیل عدنان خشوجی، قربانیفر طی دیداری در ماه اوت در پاریس به وی اظهار داشت که درآمد حاصل از معامله پر خرج اسلحه با ایران ممکن است جهت کمک به افغانستان یا نیکاراگوئه اختصاص داده شده باشد. فرمارک شهادت داد که در پایان ماه سپتامبر، خشوجی از

وجه مزبور به حساب واریز شده است یا خیر. بنا به گفته وی، نورث چند بار به وی گزارش داد که هنوز پولی به حساب مزبور نرسیده است. طبق اسناد و شهادتهایی که به دست این کمیته رسیده، در اواخر نوامبر آبرامز اطلاعاتی را که در مورد این حساب بانکی داشت به مشاور حقوقی وزارت خارجه داد و اف‌بی‌آی شروع به بررسی این امر نمود.

طبق اسنادی که توسط وزارت دادگستری در ماه دسامبر ۱۹۸۶ در اختیار دولت سوییس گذاشته شد، شماره حساب بانک کردی سوییس، که نورث به آبرامز داد، همان شماره‌یی است که گمان می‌رفت توسط نورث، حکیم و سکورد برای واریزکردن پول فروش اسلحه به ایران مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

هنگام تدارک دیداری در ۱۵ سپتامبر ۱۹۸۶، میان رئیس‌جمهوری و پرز، نخست‌وزیر اسرائیل، نورث درباره نکاتی که احتمالاً پرز در گفتگو با ریگان مطرح می‌کرد، یادداشتی برای پویندکستر، مشاور امنیت ملی تهیه کرد. در این یادداشت آمده بود که جمعه قبل، یعنی ۱۲ سپتامبر، رابین، وزیر دفاع اسرائیل، مقدار قابل توجهی اسلحه روسی به غنیمت گرفته شده، جهت استفاده نیکاراگوئه‌ییها، عرضه کرده است. قرار شده بود این سلاحها طی هفته ۱۵ سپتامبر، توسط یک کشتی با پرچم خارجی، تحویل گرفته و به مقاومت نیکاراگوئه انتقال داده شود. در یادداشت مزبور توصیه شده که اگر پرز این مسأله را مطرح کرد، بهتر است رئیس‌جمهوری از او تشکر کند، زیرا اسرائیلیها ذخیره قابل‌توجهی از سلاحها و مهمات ساخت بلوک شرق دارند که با سلاحهای مورد استفاده نیروهای مقاومت نیکاراگوئه منطبق است. پویندکستر در کنار یادداشت مزبور، که در اختیار کمیته است، نوشت که وی این موضوع را به رئیس‌جمهوری تذکر داده است.

دونالد ریگان در شهادت خود اظهار داشت که وی یک ساعت قبل از دیدار رئیس‌جمهوری با پرز، با رئیس‌جمهوری ملاقات نمود. و در مورد پیشنهاد رابین با او گفتگو کرد. دونالد ریگان اضافه کرد که انتظار نمی‌رفت که مسأله فوق در این دیدار مطرح شود، اما اگر پرز آن را مطرح می‌کرد قرار بود رئیس‌جمهوری «فقط بگوید متشکرم». دونالد ریگان بحثی را در مورد قانونی‌بودن این مسأله در چارچوب قوانین آمریکا، به‌خاطر نیاورد.

دونالد ریگان همچنین شهادت داد که رئیس‌جمهوری هرگز به او نگفت که در دیدار خصوصی ۱۵ دقیقه‌ییش با نخست‌وزیر اسرائیل چه مسأله‌یی مطرح شد، اما موضوع فوق هرگز در جلسه عمومی مطرح نگردید.

طبق اسنادی که به دست این کمیته رسیده، دو روز قبل از دیدار رئیس‌جمهوری با پرز، پویندکستر طی یادداشتی به پیام نورث جواب داد. در پیام نورث توصیه شده بود که «حتماً این کار را عملی کنید» و به‌عنوان «یک معامله خصوصی میان رابین و دیک [ژنرال سکورد] مورد تأیید ما نیز هست». یادداشت پویندکستر همچنین به یادداشت دیگری استناد می‌کرد که، بنا به مفاد آن، پویندکستر صبح همان روز درباره سکورد با کیسی صحبت کرده بود. پویندکستر به

او خواست تا با کیسی ملاقات کند و از او بخواهد که ایالات متحده مشکلات مالی را حل کند. فرمارک شهادت داد که همه کسانی که در این قضایا دخالت داشتند، حساب بانکی شرکت لیک ریسورسز را در بانک «کردی سوییس»، یک حساب آمریکایی تلقی می‌کردند. وی شهادت داد که ۲۰ سال است کیسی را در کارهای معاملاتی، مهمانیهای شام و غیره می‌شناسد.

کیسی در نامه‌یی خطاب به ادوین میس، دادستان کل، به تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۶ از فرمارک به‌عنوان دوست و موکل سابق - که طی ۷-۶ سال گذشته دیگر او را ملاقات نکرده - نام برده است.

در ۷ اکتبر ۱۹۸۶، بنا به گفته فرمارک، وی و کیسی با هم ملاقات کردند. وی در مورد مشکلات مالی طرح ایران با کیسی صحبت کرد و به نظر وی می‌رسید که کیسی از جزئیات امر اطلاع ندارد. فرمارک شهادت داد که کیسی سعی کرد به پویندکستر تلفن کند اما وی در دفتر خود نبود، و کیسی به او قول داد که به این موضوع رسیدگی کند. کیسی در نامه‌یی به ادوین میس، دادستان کل، به تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۶، اظهار داشت که فرمارک بیش از هر منبع دیگری درباره رابطه قربانیفر - اسرائیل با ایرانیان اطلاعات در اختیار وی گذاشته است. در این نامه از قول فرمارک نقل شده است که وی نیز از ابتدا، در یکی از ارتباطهای قربانیفر - اسرائیل با ایرانیان دخالت داشته است. کیسی به دادستان کل اطلاع داد که وی و گیتز اطلاعات فرمارک را یک یا چند روز پس از جلسه ۷ اکتبر، به پویندکستر رد کردند. همچنین در تاریخ ۷ اکتبر جلسه‌یی میان یکی از تحلیلگران ارشد سیا، رابرت گیتز، معاون سیا، و کیسی تشکیل شد. این تحلیلگر ارشد سیا شهادت داد که به نظر وی فرمارک در تاریخ ۷ اکتبر چیزی درباره امکان انتقال درآمد حاصل از فروش اسلحه به ایران به مقاومت نیکاراگوئه، به کیسی نگفت.

بعدها کیسی به تحلیلگر مزبور اظهار داشت که وی خود در تاریخ ۷ اکتبر به پویندکستر تلفن زده بود و پویندکستر از مشکلاتی که فرمارک مطرح کرده بود، اطلاع داشت.

گیتز نیز در شهادت خود اظهار داشت که احتمال دارد طی دیدار ۷ اکتبر، فرمارک مسأله انحراف پول به سوی نیروهای کنترا را با کیسی مطرح کرده باشد. در جلسه‌یی به تاریخ ۷ اکتبر، گیتز با کیسی، درباره نگرانی تحلیلگر فوق در مورد انحراف احتمالی پول به سوی آمریکای مرکزی گفتگو کرده بود. کیسی به تحلیلگر مزبور رهنمود داده بود که همه نگرانیهای خود را بنویسد. گیتز در شهادت خود اظهار داشت که کیسی از این اطلاعات یکه خورده بود.

گیتز همچنین شهادت داد که در تاریخ ۹ اکتبر ۱۹۸۶، کیسی، گیتز و نورث هنگام صرف ناهار ملاقات کردند تا نورث فرصتی داشته باشد و بتواند کیسی و گیتز را در جریان ملاقاتی درباره طرح ایران - که اخیراً در اروپا انجام شده بود، قرار دهد. گیتز شهادت داد که مشکلات مربوط به طرح ایران مورد بحث قرار گرفت و هنگام صرف ناهار نورث به طور بسیار گذرا، به یک حساب بانکی در سوییس و پولی

برای نیروهای کنترا، اشاره کرد. گیتز به خاطر آورد که وی و کیسی این مسأله را دنبال نکردند، اما در عوض از نورث سؤال کردند که آیا سیا هیچ‌گونه مشارکت مستقیم یا غیرمستقیمی در فعالیتهای مربوط به تأمین هزینه نیروهای کنترا داشته است یا نه. ظاهراً پاسخ نورث این بود که سیا از این امر «کاملاً مبرا»ست و وی تلاش کرده است که سیا را از این مسأله دور نگهدارد. گیتز شهادت داد که وی و کیسی پس از ناهار، این واقعیت را مورد بحث قرار دادند که اظهار نظرهای نورث را کاملاً درک نمی‌کنند. پس از ناهار، گیتز در یادداشتی برای ثبت در پرونده، نوشت که نورث «تأیید کرده» است که سیا «کاملاً از این مسأله مبرا است و هیچ‌گونه تماسی با آنها که تأمین هزینه برای این عملیات را سازمان می‌دهند، ندارد» و جدا نگهداشتن کامل حسابهای مالی سیا از فعالیتهای خصوصی جهت تأمین پول کاملاً رعایت می‌شود. یک تحلیلگر ارشد سیا شهادت داد که بعدها گیتز به وی گفت که درباره درهم‌آمیختن فعالیتهای خصوصی برای کمک به کنتراها با فعالیتهای سیا بحث شده و نورث به گیتز گفته بود که هیچ‌گونه درهم‌آمیختگی وجود ندارد و سیا از این امر مبرا است. در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۸۶ گیتز و تحلیلگر ارشد سیا با کیسی ملاقات کردند و یادداشتی را که توسط تحلیلگر مزبور، به دنبال جلسه ۷ اکتبر تهیه شده بود، به او دادند. در یک یادداشت ضمیمه، از سوی تحلیلگر مزبور به کیسی و گیتز تذکر داده شده بود که او [تحلیلگر] در تهیه این یادداشت، با نورث و افراد دیگری که از سوی آمریکا درگیر ماجرا بودند مشورت نکرده است. یادداشت ۷ صفحه‌یی ضمیمه همچنین به این خطر اشاره دارد که ممکن است قربانیفر گزارشی به مطبوعات بدهد و دولت آمریکا را متهم کند که بعضی از قولهایی را که به او داده، زیر پا گذاشته است و فاش سازد که هم آمریکا و هم اسرائیل سود قابل توجهی از معاملات تسلیحاتی با ایران برده‌اند و مقداری از این سود به «طرحهای دیگر آمریکا و اسرائیل» اختصاص داده شده است. تحلیلگر مزبور شهادت داد که در این یادداشت اشاره به «طرحهای دیگر»، تنها بر اساس حدس وی درباره اتهام احتمالی انحراف غیرقانونی پول به سوی آمریکای مرکزی، سوءاستفاده‌های مالی توسط دلالان اسلحه و نیز اشاره به یک مقام اسرائیلی پولی که برای مقاصد نامعلوم مورد نیاز است، قرار دارد. کیسی در نامه ۲۵ نوامبر ۱۹۸۶، به دادستان کل، اشاره کرد که وی این یادداشت را آماده کرده بود و فکر می‌کرد که، جهت بررسی وضع صحنه در زمینه رابطه با دولت ایران، به شورای امنیت ملی داده شده است. گیتز شهادت داد که روز بعد، یعنی ۱۵ اکتبر ۱۹۸۶، وی و کیسی با پویندکستر ملاقات کردند و یک نسخه از نوشته تحلیلگر سیا را به وی دادند. گیتز اضافه کرد که آن دو به پویندکستر توصیه کردند که چون افرادی از این ماجرا خبر دارند، بهتر است به طور جدی درباره علنی‌کردن این طرح توسط رئیس‌جمهوری در برابر افکار عمومی آمریکا فکر کنند تا مانع درز کردن آن از گوشه و کنار شود.

کیسی، طبق نامه مورخ نوامبر خود به میس، اظهار داشت که وی و گیتز، پویندکستر را تشویق کردند که تمام واقعیات را یک جا جمع کند و بیانیه جامعی در

معامله ماه مه ۱۹۸۵، جهت «تأمین هزینه‌ها و مسائل دیگر» مصرف شده و این که بدهی ۱۰ میلیون دلاری به سرمایه‌گذاران کانادایی، که بودجه معامله ماه مه را تأمین کرده بودند، هنوز پرداخت نشده است.

گزارش مورخ ۷ نوامبر تحلیلگر ارشد سیا به شرح ملاقاتی میان فرمارک و وی در واشنگتن در ۶ نوامبر، پرداخته است که طی آن فرمارک هشدار داده بود که سرمایه‌گذاران کانادایی در صدد نقش دولت آمریکا را در معاملات اسلحه با ایران به طور کامل فاش نمایند. طبق این گزارش، فرمارک اظهار داشت که آنها می‌دانستند که سکورد در ترتیب دادن معامله اسلحه با ایران برای سرهنگ نورث و نیز در امر کمک به نورث جهت حمایت از نیروهای کنتررا در نیکاراگوئه سخت درگیر است. فرمارک همچنین اظهار داشت که کاناداییها معتقدند که کلاه سرشان گذاشته شده و پولی که ایران برای اسلحه پرداخته است، ممکن است برای کمک به نیروهای کنتررا در نیکاراگوئه، فرستاده شده باشد.

طبق شهادت گیتز، در تاریخ ۶ نوامبر، کیسی و گیتز در کاخ سفید با پویندکستر ملاقات کردند. طبق شهادت گیتز، کیسی توصیه کرده بود که بهتر است پویندکستر مشاور کاخ سفید را نیز در جلسه شرکت دهد، اما پویندکستر پاسخ داده بود که به وی اعتماد ندارد، اما در عوض با پل تامپسون (وکیل و دستیار نظامی پویندکستر) صحبت خواهد کرد. گیتز همچنین گفت که وی در این دیدار مطلع شده که کیسی قبلاً گفتگویی با پویندکستر داشته و ضمن آن احتمالاً توصیه کرده که بهتر است نورث در پی یک مشاوره حقوقی باشد. در نامه ماه نوامبر کیسی به دادستان کل نیز تفسیر مشابهی از این گفتگو وجود داشت.

در تاریخ ۲۲ اکتبر تحلیلگر ارشد و کارمند پیمانی سیا جهت دیدار فرمارک به نیویورک برگشتند و پس از آن پیش‌نویس گزارشی را برای کیسی، جهت ارسال به پویندکستر، تهیه کردند. در این نوشته گزارش شده بود که قربانیفر به فرمارک و خشوچی گفته بود که، به نظر وی، قسمت اعظم ۱۵ میلیون دلاری که بابت محموله ارسالی ماه مه پرداخت شده، به آمریکای مرکزی اختصاص داده شده است. در گزارش مزبور همچنین آمده است که در این رابطه قربانیفر به فرمارک گفته بود که هنگامی که کمک ۱۰۰ میلیون دلاری به نیروهای کنتررا به تصویب کنگره رسید، وی نفس راحتی کشید.

طبق گزارش فوق، فرمارک همچنین حدس می‌زد که ۲ میلیون دلار از ۸ میلیون دلاری که توسط ایرانیان به قربانیفر پرداخت شده، طبق توافقی که در جلسه ماه مه میان نیر، قربانیفر و سرمایه‌گذاران این معامله به عمل آمده بود، به جیب نیر رفته است.

نسخه امضا شده‌ای از این گزارش به دست این کمیته نرسیده است. کیسی در نامه‌ای به تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۶، خطاب به دادستان کل، گفته است که وی «تاصیح امروز» این گزارش را نخوانده بود و به یاد نمی‌آورد که قبلاً نیز آن را خوانده باشد. در این نامه کیسی همچنین اظهار داشته است که به وی گفته شده بود که

این مورد آماده سازد، زیرا به نظر می‌رسید که اقدامات قانونی، که به گفته فرمارک موکلانش در پی انجام آن بودند، چنین اقدامی را ضروری می‌سازد.

در همین نامه کیسی اظهار داشت که گیتز گفته بود وی نظر مدیرکل سیا را درباره این موضوع خواهد پرسید و از او تقاضای کمک فکری خواهد کرد. گیتز شهادت داد که وی از مدیرکل سیا، دیو دوترتی، خواست که به بررسی همه ابعاد این طرح بپردازد و مطمئن شود که سیا در هیچ گونه عملیات غیرقانونی مداخله نداشته است. بنا به اظهارات گیتز، بعداً دوترتی به او گفت که وی به بررسی این امر پرداخته و به هیچ خلاقی برخورد نکرده است. دوترتی شهادت داد که گیتز درگیر بودن شرکت «ساترن ایر ترانسپورت» در این مسأله را متذکر شده و تمام قضایا را به آمریکای مرکزی ارتباط داده بود، زیرا شرکت ساترن ایر ترانسپورت کالاهایی نیز برای مقاومت نیکاراگوئه حمل می‌کرد. بنا به اظهارات دوترتی، اف.بی.آی مشغول تحقیق درباره کمکهای خیریه بود تا دریابد آیا به طور غیرقانونی خرج می‌شوند یا خیر.

طبق شهادت دوترتی، گیتز همچنین به مدیرکل سیا گوشزد کرده بود که فرضیات و شایعاتی در مورد ارسال پول ایران به آمریکایی مرکزی، در چارچوب فعالیت‌های خصوصی جهت تأمین پول، وجود دارد. دوترتی شهادت داد که گیتز به وی گفت از این که سیا نمی‌داند که انتقال پول توسط شورای امنیت ملی و دلالتان چگونه انجام می‌شود، نگران است.

علاوه بر این، دوترتی شهادت داد که وی غیر از ارزیابی فعالیت‌هایی که گیتز برای او شرح داده بود، بررسی دیگری در این زمینه به عمل نیاورده است. وی شهادت داد که با دیگر کارمندان سیا در این زمینه حرفی نزد و هیچ‌گونه ظنی به درگیر بودن شورای امنیت ملی در انتقال پول به نیروهای کنتررا، به ذهن وی خطور نکرد. طبق شهادت‌های دیگری که در مقابل این کمیته داده شده، در اواخر ماه اکتبر یا اوایل ماه نوامبر، دوترتی دستور داد که هیچ سندی در مورد طرح ایران از بین برده نشود. دو مأمور سیا که مسئول این کار بودند بلافاصله کلیه یادداشت‌ها، اسناد و غیره را در جعبه‌ای جای دادند.

فرمارک شهادت داد که بعد از آن، در تاریخ ۱۶ اکتبر ۱۹۸۶، وی با کیسی گفتگو کرد و باز از او جهت رسیدگی به ادعای طلب موکل خود از دولت آمریکا، کمک خواست. طبق مفاد نامه وی به دادستان کل، در تاریخ ۲۵ نوامبر، کیسی یکی از تحلیلگران ارشد و یک کارمند پیمانی سیا را به نیویورک اعزام کرد تا کل مسأله را به تفصیل با فرمارک مورد بررسی قرار دهند. گزارشهای ۱۷ اکتبر و ۷ نوامبر شرح ملاقات و گفتگوی آن دو را با فرمارک در بر دارد.

گزارش ۱۷ اکتبر به شرح گفتگوی مختصری میان تحلیلگر ارشد سیا و فرمارک در تاریخ ۱۶ اکتبر، اختصاص دارد. در این گزارش از استفاده از سود حاصل از فروش اسلحه جهت «طرح‌های دیگر» سخنی به میان نیامده، اما، ادعاهای فرمارک را شرح داده است: این که ۳ میلیون دلار از ۸ میلیون دلار پرداختی ایرانیان برای

گزارش آماده شده است، ولی ظاهراً هیچ گاه پیگیری نشد.

تحلیلگر ارشد سیا شهادت داد که وی به دنبال کشف خلافاکاریها نبود، بلکه، به عنوان یک مأمور اطلاعاتی، تلاش خود را روی جلوگیری از لطمات و خسارات متمرکز کرده بود. تحلیلگر مزبور شهادت داد که طبق استنباط فرمارک، قربانیفر عمیقاً معتقد بود که پول به نیروهای کنتررا انتقال داده شده و تحلیلگر مزبور نیز چنین استنباط کرده که فرمارک هم عقیده دارد که پول انتقال داده شده است. طبق شهادت تحلیلگر مزبور، وی، در دیدار ۲۲ اکتبر با فرمارک، برای نخستین بار این ادعای مشخص را شنید که قربانیفر گمان می برد که قسمت اعظم پول تأمین شده بابت لوازم یدکی موشکهای هاک برای نیروهای کنتررا فرستاده شده است. وی شهادت داد که در گزارش کوتاهی که وی و کارمند پیمانی سیا، پس از دیدار ۲۲ اکتبر با فرمارک، به کیسی دادند، به انحراف مسیر پول نیز اشاره شده است. کارمند پیمانی سیا، که پیش نویس این گزارش را جهت پویندکستر تهیه کرد، در شهادت خود اظهار داشت که احتمال دارد کیسی مفاد گزارش مزبور را تلفنی به پویندکستر اطلاع داده باشد و خود کیسی به یاد می آورد که گزارش فوق را دیده است. طبق یادداشتهای تحقیقاتی دادستان کل، نورث در تاریخ ۲۳ نوامبر ۱۹۸۶ به میس اظهار داشت که در نیمه ماه نوامبر پویندکستر از نورث خواسته بود تا تاریخچه‌ی درباره طرح ایران تنظیم کند. ظاهراً نورث به میس گفت که وی به پرونده‌ها رجوع کرد و در عین حال با مک فارلن، پویندکستر و دیگران، برای تدوین گزارش روزبه‌روز این جریان، صحبت کرد. در هیچ یک از مطالبی که طی این مدت در کاخ سفید تهیه شده و در اختیار کمیته قرار گرفته است به استفاده از [درآمد حاصل از فروش اسلحه به ایران] برای مقاومت نیکاراگوئه اشاره‌ی نشده است، هر چند در گزارش روزانه امور به تاریخ ۱۷ نوامبر، با عنوان «کاملترین نسخه»، در پایان لیست موفقیت‌های برنامه ایران با دست نوشته شده است: «نیکاراگوئه» (کذا) راد مک دانیل، دبیر اجرایی شورای امنیت ملی، شهادت داد که زمانی، در ماه اکتبر یا نوامبر، نورث اظهارنظر به این مضمون کرده بود: «یکی از تناقضهای عجیب این است که چگونه ایرانیان به نیروهای کنتررا کمک می کنند». مک دانیل شهادت داد که این اظهارنظر ذهن وی را زیاد مشغول نکرد، زیرا نورث اهل عراق بود. طبق شهادتهایی که در مقابل این کمیته داده شده، در روز چهارشنبه ۱۹ نوامبر، به کیسی گزارشی جهت آماده شدن برای حضور در مقابل کمیته اطلاعات سنا، که برای روز ۲۱ نوامبر مقرر شده بود، داده شد. شهادتهایی که در مقابل این کمیته داده شده، حاکی از آن است که در این گزارش به کیسی اطلاع داده شده بود که ممکن است در مورد مسأله انحراف پول از طرح ایران به نیروهای کنتررا، مشکلی پیش آید. سرپرست نیروی ویژه سیا به خاطر می آورد که از شنیدن وجود یک ارتباط احتمالی میان نیکاراگوئه و طرح ایران از زبان دستیار کیسی، کاملاً شگفت زده شده بود. مسئول امور مالی سیا شهادت داد که وی از انحراف احتمالی پول به سوی کنترراها در تاریخ ۱۸ یا ۱۹ نوامبر مطلع شد. وی اضافه کرد که یک مأمور عملیاتی سیا

حدس می زد که ممکن است در همان زمانی که آنها مشغول تهیه گزارش برای شهادت کیسی در ۲۱ نوامبر بودند، پول به کنترراها منتقل شده باشد.

شهادت مسئول مالی سیا حاکی از این است که وی این اطلاعات را با ریاست سیا در میان گذاشت و مطلع شد که کیسی و گیتز هم، پس از اطلاع از این موضوع، در ماه اکتبر پویندکستر را از نگرانی خود آگاه کردند.

بازرس کل سیا در مقابل این کمیته شهادت داد که در اوایل ماه نوامبر شواهد «نسبتاً گویایی» در سیا پیدا شده بود که نشان می داد احتمال دارد نقل و انتقالاتی در شرف انجام باشد. وی در شهادت خود اظهار داشت که در تاریخ ۱۳ نوامبر تقاضا کرد که گزارش تحلیلگر سیا درباره امکان انحراف پول به آمریکای مرکزی در اختیار وی گذاشته شود، و کیسی و گیتز روز بعد برای بحث مجدد در این باره با پویندکستر ملاقات کردند.

در شهادتی دیگر، دستیار اجرایی معاون عملیاتی سیا اظهار داشت که هر چند در دفاتر معاونت عملیاتی سیا، گزارش تحلیلگر ارشد سیا درباره ملاقات سومش با فرمارک، ثبت شده، اما وی فقط به طور مبهمی به یاد می آورد که معاون عملیاتی سیا گزارش مزبور را بررسی کرده باشد. دستیار اجرایی مزبور اظهار داشت که وی به تهیه شهادت نامه کیسی به تاریخ ۲۱ نوامبر، کمک کرده بود، اما در هیچ یک از پیش نویسها هرگز اشاره‌ی به انتقال پول نشده بود.

طبق شهادت میس، وی، پس از مصاحبه مطبوعاتی رئیس جمهوری در ۱۹ نوامبر، با پویندکستر گفتگو کرد. میس شهادت داد که وی از این که یک «گزارش واقعی از جریان روزانه امور» وجود نداشت و نیز از این که قرار بود به زودی کیسی شهادت بدهد، نگران بود. میس اظهار داشت که وی هم چنین اول وقت همان روز، با پویندکستر، در دفتر وی، پس از جلسهای که کیسی نیز در آن حضور داشت، صحبت کرده بود. ظاهراً پویندکستر از میس خواسته بود که روز بعد برگردد و به تهیه کردن شهادت نامه کیسی کمک کند.

کارمندان شورای امنیت ملی در ۲۰ نوامبر، یک خلاصه ۱۷ صفحه‌ی درباره تاریخچه طرح ایران تهیه کرده بودند که ظاهراً در آن مطالب مهم و متعددی از قلم افتاده و حقایق مربوط به برنامه ایران تحریف شده بود (گزارش روزانه امور در کاخ سفید). طبق شهادت میس، در تاریخ ۲۰ نوامبر، وی و معاونش چارلز کوپر، برای شرکت در جلسهای به کاخ سفید رفتند و در آن جلسه کیسی، پویندکستر و اعضای دیگر شورای امنیت ملی، به بررسی شهادت نامه کیسی و نیز یک گزارش روزانه از امور پرداختند تا ببینند که این اسناد با خاطرات میس از بحثهای قانونی و وقایع مطابقت دارد یا خیر. میس اظهار داشت که وی قبل از خاتمه جلسه آن را ترک کرد، ولی کوپر در جلسه ماند. غروب همان روز میس پیام تلفنی محرمانه‌ی دریافت کرد مبنی بر این که دیگر اعضای وزارت دادگستری که روی مسأله ایران کار می کنند، درباره گسستگیهای موجود در اطلاعات و خاطرات نگرانیهایی دارند.

همان شب ۲۰ نوامبر، طبق یادداشتهای تحقیقاتی دادستان کل، شولتز برای

دیدن رئیس‌جمهوری به محل اقامت او در کاخ سفید رفت و به وی اظهار داشت که به هنگام تحقیقات، بی‌اعتباری پاره‌یی از اظهارنظرها ثابت خواهد شد.

میس شهادت داد که در بامداد روز جمعه ۲۱ نوامبر، هنگامی که کیسی در کنگره مشغول دادن شهادت بود و پس از آن که کارمندانش وی را از ناهماهنگی اظهارات او با اطلاعات وزارت خارجه با خبر کردند، وی با رئیس‌جمهوری و دونالد ریگان ملاقات کرد. میس شهادت داد که وی اشتغال خاطر خود را درباره ضرورت تهیه گزارش دقیقی در این مورد، به ویژه در رابطه با شهادتهایی که قرار بود در مقابل کمیته‌های کنگره داده شود، اظهار کرد. ظاهراً رئیس‌جمهوری از میس خواست که واقعیتها را مورد بررسی قرار دهد و تصویر دقیقی از مداخله نهادهای مختلف در این مسأله تهیه کند. میس شهادت داد که وی «احساس نکرد که در این زمینه خلاfi روی داده است» اما از این که «چیزهایی وجود داشت که ما از آنها بی‌خبر بودیم» ناراحت شده بود. بنا به گفته میس، رئیس‌جمهوری از او تقاضای انجام تحقیقات نکرد، بلکه از او خواست واقعیتها را کنار هم بگذارد تا گزارش همبسته‌یی در دست داشته باشند. ظاهراً دونالد ریگان پیشنهاد کرد که بهتر است بررسی فوق توسط میس تا ساعت ۲ بعد از ظهر روز دوشنبه ۲۴ نوامبر، یعنی وقت تشکیل جلسه شورای امنیت ملی درباره ایران، آماده شود.

میس شهادت داد که وی بعداً مسأله ایران را با وبستر، رئیس اف.بی.آی مورد بحث قرار داد و به وی اطلاع داد که رئیس‌جمهوری از میس چه تقاضایی کرده است. بنا به گفته میس وی و وبستر توافق کردند که چون مسأله‌یی جنایی در میان نیست، مناسبی ندارد پای اف.بی.آی به این قضیه کشانده شود.

بعد از ظهر روز ۲۱ نوامبر، میس گروه کوچکی از مقامها و دستیاران وزارت دادگستری، از جمله معاونان خود، چارلز کوپر و براد فورد رینولدز، تشکیل داد. در این گروه هیچ یک از مقامهای ارشد وزارت دادگستری که مسئول تحقیقات جنایی بودند، حضور نداشت.

طبق شهادتهایی که در مقابل این کمیته داده شده، طی همین مدت، در صبح ۲۱ نوامبر پویندکستر با رهبری هیأت رئیسه کمیته اطلاعاتی منتخب سنا در کاخ سفید جلسه‌یی تشکیل داد و آنها را در جریان اوضاع قرار داد. بعد از ظهر همان روز کیسی در مقابل این کمیته در کنگره حاضر شد، در حالی که دیگر مقامهای سیا وی را همراهی می‌کردند. در این جلسه به احتمال استفاده از درآمد حاصل از فروش اسلحه به ایران جهت کمک به مقاومت نیکاراگوئه، اشاره‌یی نشد. بعداً گیتز شهادت داد که دلیل این که کیسی اشاره‌یی به احتمال انحراف پولها نکرد این بود که در تاریخ ۲۱ نوامبر آنها اطلاعاتی بیشتر از آن چه در ۱۴ اکتبر داشتند، در اختیار نداشتند، یعنی اطلاعات جزئی و پراکنده و قضاوتهای مبتنی بر تحلیل یک مأمور اطلاعاتی؛ و این اطلاعات قابل پیگیری تلقی نمی‌شد. تحلیلگر ارشد سیا شهادت داد که وی در تهیه شهادت‌نامه رئیس سیا همکاری کرد. در این شهادت، بر آن چه سیا در این زمینه می‌دانست و نوع کمکی که در این رابطه به شورای امنیت ملی می‌کرد،

تأکید شده بود. وی اظهار داشت که در حضور او بحثی درباره احتمال انتقال پول به میان نیامد.

صبح روز بعد، یعنی شنبه ۲۲ نوامبر، هنگامی که میس با شولتز ملاقات می‌کرد، اعضای دفتر دادستانی کل، از جمله رینولدز، اسنادی را که در بایگانی شورای امنیت ملی در کاخ سفید وجود داشت، بازرسی کردند. میس بعداً شهادت داد که پویندکستر اجازه بررسی این پرونده‌ها را داده بود و پرسنل شورای امنیت ملی، از جمله نورث و پل تامپسون، هنگام بررسی این پرونده‌ها در دفاتر شورای امنیت ملی حضور داشتند. میس شهادت داد که اطلاعاتی در مورد این که نورث اسناد را در دفتر خود پاره پاره کرده است، دریافت نداشت.

کارمندان دفتر میس اسنادی را که در اختیار آنها قرار داده شده بود، مورد بررسی قرار دادند و از آن دسته از اسنادی که به نظرشان مهم می‌رسید، نسخه‌هایی تهیه کردند. کارمندان دادستانی کل در میان پرونده‌های شورای امنیت ملی، یادداشت بدون تاریخی پیدا کردند که در آن بحث استفاده از درآمد حاصل از فروش اسلحه به ایران برای مقاومت نیکاراگوئه نیز آمده بود. رینولدز هنگام صرف ناهار میس را در جریان این گزارش قرار داد. میس شهادت داد که به دنبال جلسه‌یی با مدیرکل سابق سیا، اسپورکین، در بعد از ظهر همان روز، قرار ملاقاتی با نورث برای روز بعد گذاشت. میس شهادت داد که تصمیم داشت صبح با نورث مصاحبه کند، اما با او توافق کرد که این دیدار را تا ساعت ۲ بعد از ظهر به عقب بیندازد، زیرا نورث می‌خواست وقت کافی برای رفتن به کلیسا داشته باشد و چند ساعتی را نیز در کنار خانواده‌اش بگذراند.

بنا به شهادتهایی که در مقابل این کمیته داده شده، نورث، پس از ملاقات با وکلایی از وزارت دادگستری در روز شنبه ۲۲ نوامبر، ترتیبی داد که با یک وکیل ملاقات کند و با او در مورد مسائل حقوقی مشورت کند.

طبق شهادت میس، غروب همان روز شنبه، میس در منزل کیسی با وی ملاقات کرد. قبلاً، در طول روز، آن دو تلفنی با هم صحبت کرده بودند. در این ملاقات، کیسی درباره فرمارک و سرمایه‌گذاران کانادایی صحبت کرد. میس از صحبت درباره نیروهای کنتر، نیکاراگوئه، مخالفان ساندینیستها، مقاومت دموکراتیک، مبارزان آزادی یا آمریکای مرکزی در این ملاقات، مطلبی به خاطر نمی‌آورد. در یک مورد وی اظهار داشت که احتمالاً کیسی به مطلب مشابهی اشاره کرده بود، اما به دنبال آن گفت که اطمینان دارد کیسی به انحراف احتمالی پول اشاره‌یی نکرد.

مکفارلن شهادت داد که صبح روز یکشنبه ۲۳ نوامبر، نورث به وی تلفن کرد و از او خواست در دفتر مکفارلن دیدار کنند. بنا به اظهارات مکفارلن، نورث در ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه به دفتر او آمد و آن دو حدود ۱۵ دقیقه به طور خصوصی صحبت کردند. نورث گفته بود که آخر وقت آن روز مجبور است واقعیاتی را در مورد انتقال پول ایران به نیروهای کنتر، برای وزارت دادگستری فاش کند. مکفارلن شهادت داد که نورث همچنین گفته بود که مسأله به یادداشتی ضبط شده در بایگانی

مربوط می‌شود که نورث برای پویندکستر تهیه کرده بود. مک‌فارلن از او پرسیده بود آیا این یادداشت، به تصویب رسیده بوده است یا خیر، و به او گفته شد که بله، رسیده بوده است.

بنا به اظهارات مک‌فارلن، نورث اظهار داشت که مک‌فارلن می‌دانست که نورث به هیچ عمل تأیید نشده‌یی دست نخواهد زد.

مک‌فارلن شهادت داد که پس از این ملاقات خصوصی، وکیلی به نام تام گرین، و بعد از آن، در خاتمه دیدار، سکورد به آنها پیوستند. مک‌فارلن شهادت داد که وی بعداً دریافت که تام گرین وکیل سکورد است.

در ساعت ۲ بعد از ظهر همان روز نورث با میس، رینولدز، کوپر و مقام دیگری از وزارت دادگستری به نام ریچارد سون، ملاقات کرد و ریچارد سون از این ملاقات یادداشتهای مفصلی برداشت. طبق این یادداشتهای میس سخنان خود را با توضیح این نکته شروع کرد که مصمم است کلیه واقعیات را از کسانی که در این قصیه درگیر بوده‌اند به دست آورد و اختلافهای موجود در بیان خاطره‌ها را روشن سازد. میس اظهار داشت که وی با رئیس‌جمهوری و پویندکستر نیز گفتگو کرده است. وی گفت که بدترین چیزی که ممکن است پیش آید این است که کسی سعی کند برای حفظ خود یا رئیس‌جمهوری یا برای «چرخاندن» قضیه، چیزی را پنهان نماید. میس شهادت داد که شخصاً نورث را خوب نمی‌شناخت، اما تماس قابل توجهی در داخل کاخ سفید و خارج از آن به طور غیررسمی، با وی داشت. میس بر اساس صحبت‌های خود با نورث و آن چه بعداً مطالعه کرد، متقاعد شد که نورث «در مورد مأموریتی که احساس می‌کرد به عهده دارد، بسیار تعصب دارد». میس نتیجه گرفت که نورث پویندکستر را از آن چه انجام می‌داد، مطلع می‌ساخته ولی از انجام آن منع نشده بود. میس شهادت داد که هرگز به ذهن وی خطور نکرد که ممکن است آن دو به نوعی شریک جرم باشند و در آن موقع مسأله هنوز جنبه حیاتی پیدا نکرده بود. قبل از این که یادداشت بدون تاریخ در مقابل نورث گذاشته شود که در آن به استفاده از سود حاصل از فروش اسلحه به ایران برای مقاومت نیکاراگوئه اشاره شده بود، نورث در مورد برنامه ایران به تفصیل مورد بازجویی قرار گرفت.

میس شهادت داد که به یاد می‌آورد که احساس ناراحتی کرده ولی نگرانی پیدا نکرده بود. با این همه گامهایی برداشته شد تا مک‌فارلن صبح روز بعد در مسیر صحیح قرار گیرد. نورث گفته بود که در طول سفر به تهران، درباره استفاده از درآمد فروش اسلحه به ایران برای مقاومت نیکاراگوئه با مک‌فارلن صحبت کرده بود. این کمیته از میس سؤال کرد که برای ممانعت از هرگونه تبانی میان پویندکستر و نورث درباره آن چه نورث به وی و دیگر مقامهای وزارت دادگستری گفته بود، آیا او پویندکستر را فوراً احضار کرد؟ میس شهادت داد که چنین کاری نکرده است. میس شهادت داد که صبح روز بعد، دوشنبه ۲۴ نوامبر، میس، با اعضای دفتر خود دیدار کرد و به بررسی اطلاعات جمع‌آوری شده پرداخت. میس به خاطر می‌آورد که از وکلای خود خواست تحقیق کنند که کدام یک از قوانین جزا یا قوانین دیگر در

این مورد قابل اجراست. میس مطمئن نبود که در این مورد با رئیس اف‌بی‌آی در همان روز دوشنبه صحبت کرده یا خیر.

آخر صبح همان روز میس همچنین با مک‌فارلن گفتگو کرد تا دریابد وی در مورد پولی که برای مقاومت نیکاراگوئه فراهم شده بود، چه می‌داند. بنا به گفته میس، مک‌فارلن اظهار داشت که وی تا هنگام مسافرت به تهران در این مورد چیزی نمی‌دانست و این تنها چیزی بود که در این مورد می‌دانست. گفتگوی میس با مک‌فارلن کوتاه بود؛ وی اظهار داشت که تنها در صدد روشن کردن برخی واقعیات بوده است. میس همچنین با واینبرگر صحبت تلفنی کوتاهی کرد. واینبرگر چیزی به اطلاعات وی نیفزود.

میس شهادت داد که در ساعت ۱۱ صبح آن روز با رئیس‌جمهوری و دونالد ریگان ملاقات کرد و به آنها گفت که طی بررسیهای خود با شواهدی روبرو شده است حاکی از این که درآمد حاصل از معامله تسلیحاتی با ایران ممکن است برای مقاومت نیکاراگوئه فرستاده شده باشد. میس شهادت داد که به آنها گفت که وی با نورث نیز صحبت کرده و نورث اعتراف نموده است که در واقع چنین شده است.

میس به رئیس‌جمهوری گفت که هنوز بررسی خود را تمام نکرده است و بعد از ظهر آن روز پس از گفتگو با دیگران، از جمله پویندکستر، نزد وی باز خواهد گشت. میس اظهار داشت که رئیس‌جمهوری بسیار حیرت‌زده و متعجب به نظر می‌رسید. دونالد ریگان نیز چنین حالی داشت و اظهار تعجب خود را به زبان آورد. میس به خاطر می‌آورد که در این دیدار یا در یک دیدار بعدی طی همان روز، رئیس‌جمهوری اظهار داشت که «مهم است که این مسأله هر چه زودتر روشن شود». دونالد ریگان صحبتی را طی صبح همان روز با میس به یاد می‌آورد که در خلال آن میس به وی گفت ضروری است که ملاقاتی با رئیس‌جمهوری، درباره آن چه وی بعد از ظهر روز دوشنبه کشف کرده است، ترتیب داده شود.

میس شهادت داد که او در بعد از ظهر دوشنبه با پویندکستر، در دفتر او، گفتگوی بسیار کوتاهی به عمل آورد. در این دیدار میس تنها بود و یادداشتی هم بر نداشت. میس به یاد می‌آورد که درباره آن چه از نورث شنیده بود با پویندکستر صحبت کرده و از او پرسیده بود که آیا وی درباره این موضوع چیزی می‌داند یا خیر. بنا به گفته میس پویندکستر پاسخ داد، بله، کلیاتی درباره این قضایا می‌دانسته است. طبق اظهارات میس، پویندکستر گفت که نورث با «اشارات کافی» به وی فهمانده بود که او می‌دانست که پول به نیروهای کنتررا رسانده می‌شود. اما در این باره «تحقیق بیشتری نکرد». میس همچنین شهادت داد که پویندکستر گفته است که می‌داند به خاطر این مسأله شاید مجبور شود که احتمالاً استعفا بدهد.

میس شهادت داد که از پویندکستر پرسید درباره ارسال پول به نیروهای کنتررا چیزی به کسی گفته است یا خیر و پویندکستر گفت نه. مکالمه آنها در حدود ۱۵ دقیقه طول کشیده بود زیرا میس مجبور بود برای دیدن رئیس‌جمهوری برگردد. میس شهادت داد که گفتگوی خود را با پویندکستر به عنوان «تحقیق» یا «بازجویی

جنایی» تلقی نمی‌کند و اضافه کرد که این موضوع را «به ظاهر» نقض قانون نمی‌داند. وی اظهار داشت که سعی داشته است دریابد که از نقطه نظر یک عضو محترم دولت چه اتفاقی افتاده است.

میس شهادت داد که در ساعت ۴ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر همان روز با رئیس‌جمهوری و دونالد ریگان ملاقات کرد و آن چه را دریافته بود، از جمله اعتراف پویندکستر را مبنی بر اطلاع از ارسال پول به نیروهای کنتر، برای آنها شرح داد. میس اظهار داشت که وی همچنین به آنها گفت که درباره انطباق این قضیه با قوانین جزایی بررسی کرده است. آنها قرار گذاشتند ساعت ۹ صبح روز بعد، پس از بررسی مسائل، دوباره ملاقات کنند، زیرا این امر «برای همه مایه شگفتی و حیرت بسیار شده بود». میس شهادت داد که وی می‌دانست که «نه دونالد ریگان و نه رونالد ریگان از این مسأله کوچکترین اطلاعی نداشتند». دونالد ریگان به یاد می‌آورد که رئیس‌جمهوری چگونه از کشف این قضایا متأسف و غافلگیر شده و تصمیم گرفته بود ماجرا را برای افکار عمومی فاش کند. دونالد ریگان شهادت داد که رئیس‌جمهوری برای کارمندان کاملاً روشن ساخته بود که هر چند وی از مقاومت نیکاراگوئه به شدت پشتیبانی می‌کند، این حمایت باید از راههای قانونی انجام شود.

میس شهادت داد که همان روز دوشنبه با معاون رئیس‌جمهوری گفتگو کرد و او را از آن چه خود می‌دانست، آگاه کرد. میس «از او پرسیده بود که آیا چیزی در مورد این قضایا می‌دانسته است؟ و معاون رئیس‌جمهوری گفته بود نه، چیزی نمی‌دانسته است». میس همچنین به خاطر می‌آورد که در غروب روز دوشنبه امکان استعفای پویندکستر احتمالاً میان رئیس‌جمهوری و دونالد ریگان مورد بحث قرار گرفته بود. میس فهمید که شب دوشنبه دونالد ریگان با کیسی صحبت کرده است. دو ملاقات دیگر در تاریخ دوشنبه ۲۴ نوامبر صورت گرفت. طبق یادداشتهای کوپر، معاون دادستان کل، کوپر با تام گرین ملاقات کرد و گرین به وی اطلاع داد که نمایندگی نورث و سکورد را به عهده دارد. پس از بحث درباره نقش حکیم در پیشنهاد استفاده از درآمد فروش اسلحه به ایران برای مقاومت نیکاراگوئه، گرین اظهار داشت که حکیم و سکورد احساس می‌کردند که کاری بیش از حد قدرت خود انجام می‌دهند. آنها معتقد بودند که هیچ قانونی را نقض نمی‌کنند. یادداشتهای کوپر حاکی از آن است که گرین هشدار داده بود که اگر قضایا برملا شود، ایران یک یا چند گروگان آمریکایی را خواهد کشت و احتمالاً دو نفر دیگر نیز ممکن است کشته شوند.

طبق شهادت فرمارک، وی در همان روز دوشنبه مجدداً با کیسی در مقر سیا دیدار نمود. بنا به گفته فرمارک، کیسی به وی گفت که مبلغ ۳۰ هزار دلار در حساب موجود است. فرمارک تصور کرد که منظور کیسی حساب بانکی لیک ریسورسز است. فرمارک شهادت داد که کیسی سپس به نورث تلفن کرد. پس از آن کیسی بارها اظهار داشت که نمی‌داند پول در کجاست. کیسی همچنین به کوپر، معاون دادستان کل، تلفن کرد. فرمارک شهادت داد که کارمندان کیسی به وی گفتند که تنها از طریق وی

(فرمارک) از وجود حساب لیک ریسورسز اطلاع یافتند. بنا به گفته فرمارک، ظاهراً نورث به کیسی گفته بود که ایرانیان یا اسرائیلیها به قربانیفر و خشوچی پول بدهکارند. فرمارک اظهار داشت که کیسی سعی کرد با دونالد ریگان و میس تماس بگیرد، اما موفق نشد.

میس شهادت داد که در ساعت ۷ بامداد روز بعد، سه‌شنبه ۲۵ نوامبر، در منزل کیسی با وی ملاقات نمود. کیسی در ساعت ۶ و ۳۰ دقیقه بامداد به میس تلفن کرده و از او خواسته بود که سری به او بزند. میس اظهار داشت که از این مکالمه چیزی به یاد نمی‌آورد، جز آن که صحبت کلاً درباره اوضاع و نیز آن چه میس دریافته بود، دور می‌زد. کیسی به میس گفت که شب قبل دونالد ریگان درباره وضع پول‌رساندن به کنترها با وی صحبت کرده بود. هنگامی که میس نزد کیسی به سر می‌برد، دونالد ریگان به وی تلفن کرد و اظهار داشت که قصد دارد با پویندکستر صحبت کند و از میس کسب اطمینان کرد که ساعت ۹ در کاخ سفید خواهد بود. ظاهراً کیسی همچنین به میس اظهار داشت که یادداشتهای فرمارک را برایش خواهد فرستاد، و بعداً همین کار را انجام داد. دونالد ریگان، طبق شهادت خود، در ساعت ۸ با پویندکستر صحبت کرد و گفت که احساس می‌کند پویندکستر باید آماده باشد که هنگامی که در ساعت ۹ و ۳۰ دقیقه با رئیس‌جمهوری ملاقات می‌کند، استعفای خود را تقدیم کند. دونالد ریگان شهادت داد که هنگامی که وی پویندکستر را در مورد غفلت خود مورد سؤال قرار داد، پویندکستر پاسخ داد که وی به حال نیروهای کنتر تأسف می‌خورده و می‌خواسته است به آنها کمک کند، به همین جهت نرسیده بود که پول از کجا می‌رسد.

میس شهادت داد که در ساعت ۹ با رئیس‌جمهوری و دونالد ریگان ملاقات کرد. وی شهادت داد که درباره اطلاعاتی که به دست آورد بود با آنها صحبت کرده و تذکر داده بود که ممکن است ضرورت داشته باشد تحقیقات جنایی شروع شود. بنا به گفته میس، همگی آنها درک می‌کردند که «موقعیت حساس و مهمی است» و بدترین امر برای رئیس‌جمهوری آن است که به نظر می‌رسد در صدد پرده‌پوشی است. بر علنی کردن قضیه در مقابل رهبری کنگره و افکار عمومی، و شروع تحقیقات جنایی به موازات آن، تأکید شد.

میس در یک مصاحبه مطبوعاتی هنگام ظهر، نتیجه تحقیقات خود را فاش نمود. وی شهادت داد که رقم ۱۰ تا ۳۰ میلیون دلاری که در مصاحبه مطبوعاتی عنوان کرد، با در نظر گرفتن گفته نورث مبنی بر ارسال ۳ تا ۴ میلیون دلار برای مقاومت نیکاراگوئه طی یک فقره کمک، و سند مورخ ۴ آوریل که به رقم ۱۲ میلیون دلار اشاره دارد، بوده است. نورث گفته بود که دو یا سه محموله ارسال شده است. ضرب کردن رقم یک معامله در ۳، رقمی تقریباً معادل ۱۰ تا ۳۰ میلیون دلار به دست می‌دهد.

میس به کمیته اظهار داشت که پس از کنفرانس مطبوعاتی و صرف ناهار با اعضای دیوانعالی، مجدداً به همراه رئیس‌جمهوری به دفتر وی در کاخ سفید باز

گشت. وی به رئیس‌جمهوری گفت که به وزارت دادگستری برمی‌گردد زیرا تحقیقات جنایی در آن جا جریان دارد. میس به یاد می‌آورد که وی، در مصاحبه مطبوعاتی، هنوز نمی‌دانست که نقض قانون صورت گرفته است یا خیر. طبق شهادت میس، وی عصر همان روز تحقیقات جنایی را شروع کرد.

وی به معاون دادستانی دستور داد که به مشاور کاخ سفید اطلاع دهد که حتماً اقدامهای حفاظتی در مورد کلیه اسناد صورت گیرد، و به معاون خود در شعبه جنایی دستور داد که با معاون دادستانی کل در بخش مشاورت قضایی (آقای کوپر) ملاقات کند و به بررسی قوانین قابل انطباق با این امر، از جمله قوانین جنایی، بپردازند. میس شهادت داد که وی همچنین با وبستر، رئیس اف.بی.آی، ملاقات کرد و به وی گفت که این قضیه را به شعبه جنایی احاله خواهد کرد و «احتمالاً» به منابع اف.بی.آی نیاز خواهد بود. طبق اظهارات میس، روز بعد، یعنی ۲۶ نوامبر، تقاضای استفاده از منابع اف.بی.آی به عمل آمد.

میس شهادت داد که پرز، وزیر خارجه اسرائیل، عصر روز ۲۵ نوامبر به وی تلفن کرد. طبق اظهارات میس پرز به وی گفت که آنها شنیده‌اند چه پیش آمده و تمام کاری که آنها انجام داده‌اند این بوده است که به ایرانیان گفته‌اند پول را در کجا واریز نمایند. پول از طریق آنها دست به دست نشده است. آنها تنها به ایرانیان گفته‌اند در چه حسابی، در کدام بانک، چه مبلغی پول واریز نمایند.

بنا به گفته یکی از کارمندان شورای امنیت ملی که هم‌دفتر نورث بود، غروب روز ۲۵ نوامبر، یک مأمور امنیتی برای مهر و موم کردن دفتر وی آمد. کارمند مزبور اظهار داشت که اطلاعی از نابود شدن هیچ‌گونه سندی ندارد.

در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۸۶، آبرامز، معاون وزارت خارجه و سرپرست نیروی ویژه سیا در مقابل این کمیته جهت ادای شهادت، برای بررسی اجرای برنامه‌های آمریکا در نیکاراگوئه، حاضر شدند. در پاسخ به سؤالی درباره کمک یک کشور ثالث به نیروهای ضدساندینیست، هیچ یک از شاهدان، درباره تقاضای ۱۰ میلیون دلار کمک در ماه اوت، مطلبی فاش نکرد. هنگام ادای شهادت به قید سوگند، در ۸ دسامبر ۱۹۸۶، آقای آبرامز از فاش نکردن این اطلاعات معذرت خواست. وی اظهار داشت که متوجه نبوده که از او در این مورد سؤال مشخصی شده است و تا زمانی که متن اظهاراتش به وی نشان داده نشده بود، تصور نمی‌کرد که استنباط‌گمراه‌کننده‌یی ارائه داده است.

پس از آغاز تحقیقات مقدماتی این کمیته در تاریخ ۲۸ نوامبر، کمیته، اطلاعاتی به دست آورد مبنی بر این که سودهای حاصل از فروش اسلحه به ایران در حساب یا حسابهایی در یک بانک سویسی، به نام «بانک اعتبارات مالی» (CFS) واریز شده بود و حسابهای مزبور توسط ریچارد سکورد، توماس کلاینز و تئودور شکلی باز شده بود یا توسط آنها کنترل می‌شد. پس از آن بانک مزبور پول را به شعبات خود در گراند کی‌من منتقل می‌ساخته و از آن جا به نیروهای مقاومت نیکاراگوئه می‌رسیده است.

این گزارش بر اساس منابعی که اعتبار آنها نامعلوم است قرار دارد و این کمیته نتوانسته است صحت و سقم محتوای آن را تعیین کند.

طبق شهادتهایی که در مقابل این کمیته ارائه شده، تأمین هزینه از منابع خصوصی برای مقاومت نیکاراگوئه، عموماً از طریق بانکهای خارج کشور، در جزایر کی‌من و پاناما که توسط آدولفو کالرو کنترل می‌شده انجام شده است. لیکن این کمیته هیچ‌گونه شهادت مستقیمی درباره دریافت مبالغ مشخص پول، توسط مقاومت نیکاراگوئه، به دست نیاورده است. طبق شهادت سرپرست نیروی ویژه سیا، که مسئول نظارت بر موقعیت مالی نیروهای مقاومت نیکاراگوئه بود، در سال ۱۹۸۶ هیچ گونه اقدام غیرعادی جهت ارسال پول به مقاومت نیکاراگوئه صورت نگرفته است.

سؤالات پاسخ داده نشده

هم چنان که در این گزارش منعکس شده، کمیته اطلاعاتی اطلاعات قابل توجهی از طریق شهادتها و اسناد، درباره فروش اسلحه به ایران و انحراف احتمالی پول به سوی نیروهای مقاومت نیکاراگوئه جمع آوری کرده است. به نظر ما، این اطلاعات برای کمیته منتخب که در حال شروع تحقیقات خود در این باره است، بسیار مفید خواهد بود.

بنا به مفاد قطعنامه شماره ۲۳ سنا، این کمیته توصیه می کند که کمیته منتخب مسائل و مطالب چندی را که در این اطلاعات آمده است، دنبال نماید. این موضوعها به هیچ وجه نباید فعالیت کمیته منتخب را محدود کند، اما، در هماهنگی با مفاد قطعنامه شماره ۲۳، زمینه هایی از تحقیق هستند که، به نظر این کمیته، ممکن است به عنوان بخشی از تحقیقات کمیته منتخب تلقی شوند.

۱ - کارمندان کاخ سفید چه نقشی در طرح و اجرای برنامه فروش اسلحه به ایران و انحراف احتمالی پول به سوی نیروهای مقاومت نیکاراگوئه به عهده داشتند؟
۲ - سیا و دیگر نهادهای دولتی آمریکا یا مقامهای آن نهادها چه نقشی در طرح و اجرای برنامه فروش اسلحه به ایران و انتقال احتمالی پول به مقاومت نیکاراگوئه ایفا کرده اند؟

۳ - افراد و شهروندان خصوصی، چه اتباع آمریکا و چه اتباع کشورهای خارجی، از جمله دلالتان خصوصی اسلحه و سرمایه گذاران این معامله، در طرح ریزی و اجرای برنامه فروش اسلحه به ایران و انتقال احتمالی پول به مقاومت نیکاراگوئه چه نقشی داشته اند؟ چرا مقامهای آمریکا، به جای نهادهای رسمی دولتی، به چنین افراد خصوصی اعتماد کردند؟

۴ - مقامها و مأموران، نمایندگان و فرستادگان کشورهای خارجی، از جمله، بدون استثنا، مأموران اسرائیلی و دیگر کشورهای خاورمیانه چه نقشی در طرح ریزی و اجرای برنامه فروش اسلحه به ایران و انتقال احتمالی پول به مقاومت نیکاراگوئه داشته اند؟

۵ - فعالیتهای افرادی که مستقلاً با نمایندگی آمریکا، در برنامه ریزی و اجرای معامله فروش اسلحه به ایران و انتقال احتمالی پول به نیروهای مقاومت نیکاراگوئه عمل می کردند، در چه زمانی، توسط چه کسی و تا چه حد مورد تأیید مقامهای دولت آمریکا بودند؟

۶ - فعالیتهای افرادی که مستقلاً یا به نمایندگی از طرف آمریکا، در طرح ریزی فروش اسلحه به ایران و انتقال احتمالی پول به مقاومت نیکاراگوئه عمل می کردند، در چه زمانی، توسط چه کسانی و تا چه حد به اطلاع مقامهای دولت آمریکا رسید؟
۷ - پولهای جمع آوری شده توسط مقامهای آمریکایی، یا با شرکت آنها، به نفع مقاومت نیکاراگوئه از همه منابع یا یک منبع خاص - از جمله، بدون هیچ گونه

استثنا - از افراد خصوصی، کشورهای ثالث و فروش اسلحه به ایران، چگونه تهیه شد؟ به چه صورت، توسط چه کسانی این پولها اداره می شد؟ به چه نحو، برای چه کسانی و به چه منظوری این پول خرج می شد؟

۸ - علاوه بر پول نقد و کمکهایی که به تصویب کنگره رسیده، چه نوع کمکهای دیگری توسط مقامهای آمریکایی یا با شرکت آنها، در اختیار نیروهای مقاومت نیکاراگوئه قرار گرفت و توسط چه کسانی؟ چنین کمکهایی چه وقت، توسط چه کسی و تا چه حد مورد تأیید مقامهای آمریکایی بود یا به اطلاع آنها رسید؟

۹ - کمکهای مزبور که، به صورت مالی و صور دیگر، توسط شهروندان خصوصی و مقامهای دولتی آمریکا، در اختیار مقاومت نیکاراگوئه قرار گرفت، تا چه حد با قانون جاری انطباق دارد؟

۱۰ - کمک به ایران - از جمله، بدون استثنا - فروش اسلحه و کسب اطلاعات تا چه حد با قانون جاری انطباق دارد؟

۱۱ - اهداف مقامهای آمریکایی در فروش اسلحه به ایران، در اثر شرکت و استفاده بردن احتمالی افراد خصوصی، تا چه حد از مسیر اصلی خود منحرف شد؟
۱۲ - در امر جمع آوری پول برای مقاومت نیکاراگوئه اهداف مقامهای آمریکایی، صرفنظر از این که اهداف مزبور با قوانین جاری مطابقت دارد یا نه، تا چه حد در اثر شرکت و استفاده بردن افراد خصوصی، از مسیر اصلی خود منحرف شد؟

۱۳ - آیا در امر تحقیق و گزارش اطلاعات، مقامهای آمریکایی درست عمل کردند، و پس از آگاهی از اطلاعات مربوط به تأمین احتمالی کمک مالی یا کمکهای دیگر از راههای غیرقانونی یا غیرمجاز، به نیروهای مقاومت نیکاراگوئه، مقامهای آمریکایی در امر تحقیق و گزارش این اطلاعات درست عمل کردند؟

۱۴ - تصمیمهای مالی درباره فروش اسلحه به ایران - و از جمله، بدون هیچ گونه استثنا - مبنای تعیین قیمت سلاحها، شیوههای تأمین پول، نظارت و بالاخره هزینه آن برای سرگرفتن معامله، چگونه، در چه زمانی و توسط چه کسانی اتخاذ می شد؟ و درآمد حاصل از چنین معاملاتی توسط چه کسانی، در چه زمانی، به چه صورت و میان چه کسانی تقسیم می شد؟

SHOWRA

REVUE MENSUELLE DU CONSEIL NATIONAL DE LA RESISTANCE D'IRAN